

# صحیفه اشعیا نبی

Isaiah

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

### ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیرمچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

## Believer's Bible Commentary

by

### William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,

Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

## معرفی

«اشعیا بزرگترین نبی و ناطق عبرانی است. او بخاطر بیان پرشکوه و ذهن درخشان و سبک زیبا و ماہرانہ اش، بی رقیب است. او را به درستی «پادشاه انبیاء عهد عتیق» نامیده اند.»

—مریل . اف . آنگر

### I- جایگاه منحصر به فرد صحیفه اشعیا در کانون

بازدیدکنندگان پایتخت زیبای ایرلند که فرهنگ مسیحی را می ستایند غالباً به دیدار یک خانه خصوصی می روند که روزی بزرگترین قطعات موسیقی در آنجا سروده شده است. در سیزدهم آوریل 1742 قطعه «مسیحا»ی هندل سروده شد. هیچ انسان آگاهی تاکنون نتوانسته است عظمت و شکوه این قطعه موسیقایی هندل را زیرسوال ببرد. اما این قطعه مشهور چه می گوید؟ این قطعه اختصاص به کلام خدا مخصوصاً در کتب عهد عتیق و نبوات مسیحایی دارد و نبیای که نقش عمده ای در این نبوات دارد یک نویسنده عبری است که هفتصد سال پیش از تجسم مسیحا و هندل و شما و من می زیست. نام او اشعیا است و او بلندترین، دوست داشتنی ترین و مسیحایی ترین قطعات نبوتی عهد عتیق را نوشته است.

### II - نویسنده

اشعیا (یهوه نجات بخش است یا نجات از آن یهوه است) پسر آموس رؤیائی دید که زیربنای کتابی به نام صحیفه اشعیا نبی گردید. ما بخاطر تئوری های انتقادی در رابطه به «دو

جزئی» بودن این کتاب می‌خواهیم به معرفی جامع‌تری از این کتاب بپردازیم.

### اشعیا يك نفر بود

تئوری‌های چندی از با صلاح منتقدین بزرگ وجود دارند که طی قرن‌ها آنها را نه به عنوان يك دروغ بلکه به عنوان يك حقیقت، تعلیم داده‌اند و گفته‌اند که موسی تورات را ننوخته است؛ دانیال نویسنده کتاب دانیال نیست؛ پطرس رساله دوم را ننوخته است؛ پولس (احتمالاً) رسالات را ننوخته است و اشعیا هم فقط نویسنده اولین بخش از شصت‌وشش فصل این کتابی است که به او نسبت داده‌اند.

بخاطر اینکه صحیفه اشعیا يك شاهکار بزرگ و پر از نبوت‌های مسیحائی (مخصوصاً در قسمت‌هایی از کتاب که منتقدین آنها را به دیگران نسبت می‌دهند) است که اکثراً در عهد جدید نقل قول شده‌اند، ما تصور می‌کنیم لازم است که فضایی بیشتری به این ابهام انتقادی نسبت به سایر کتب هم‌تراز خودش برای آگاهی ایمان‌داران معمولی، اختصاص دهیم.

نخست اینکه ما معتقدیم که اشعیا نویسنده تمامی فصول این صحیفه است، سپس به تك تك سوالاتی که در مورد دو نفر یا بیشتر بودن اشعیا مطرح شده است، پاسخ می‌دهیم.

### 1- گواهی تاریخ و سنت

تمامی اساتید یهودی و مسیحی تا اواخر سال 1700 میلادی پذیرفته بودند که صحیفه اشعیا يك کتاب نبوتی طولانی و به قلم يك نویسنده است که دارای استعداد درخشانی بوده است و او اشعیا پسر آموص می‌باشد.

اما در سال 1795، جی. سی دئودرلین<sup>1</sup> فرضیه «اشعیا دوم یا ثانی» را به عنوان نویسنده فصول 40 تا 66 مطرح نمود. البته تفاوت در محتویات و دورنمای فصول 1 تا 39 و 40 تا 66 قرن‌ها مورد توجه خوانندگان دقیق این کتاب بوده است، ولی این تفاوت‌ها لزوماً مبین تالیف این کتاب توسط نویسندگان مختلف نیست. در سال 1892 بی. دوهم<sup>2</sup>، یک‌دست بودن فصول 40 تا 66 را منکر و قائل به وجود «اشعیا سومی» برای نگارش فصول 55 تا 66 گردید. عده‌ای هم معتقد به وجود نویسندگان بیشتری برای این کتاب بوده‌اند، اما دو یا سه اشعیا بطور کلی مورد پذیرش محافل لیبرالی است. هیچ سنتی قدیمی معتقد به وجود دو و یا نویسنده بیشتری برای این کتاب نیست. در واقع اعتقاد به یک نفر بودن اشعیا یک باور قدیمی، یک‌سان و غیرقابل بحث است.

## 2- گواهی عهد جدید

صحیفه اشعیا دومین رساله نبوتی عهد عتیق بعد از مزامیر است که در عهد جدید از آن نقل قول شده است و همیشه در طی این نقل قول‌ها فرضیه یگانه بودن نگارنده این صحیفه مفروض بوده است. ابهامات مربوط به نگارش بخش دوم نبوت‌ها توسط اشعیا، توسط یحیی تعمیددهنده (متی 3:3 و لوقا 4:3 و یوحنا 23:1) و متی (8:17 ؛ 12:18-21)، و یوحنا (12:38-41) و پولس (رومیان 9:27-33 ؛ 10:16-21) پاسخ داده شده‌اند. مخصوصاً جالب توجه نوشته یوحنا در 12:38-41 است که کتاب اشعیا را نه صرفاً یک کتاب، بلکه کتابی نوشته شخصی به نام اشعیا معرفی کرده

1- J. C. Doederlein

2- B. Duhm

است و می‌فرماید «این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او (خدا) را دید و درباره او تکلم کرد» (آیه 41). عبارت «این کلام» اشاره به اشعیا 1:53 می‌باشد که در یوحنا 38:12 و اشعیا 10:6 می‌باشد که در یوحنا 39:12-40 نقل قول شده‌اند.

### 3- طرح یکسان و پیشرفته

صحیفه اشعیا نشان‌دهنده طرحی يك شكل و نظمی است که با فرضیه نگارش آن توسط دو یا سه نویسنده مختلف، نمی‌سازد.

### 4- عظمت محض شاعرانه کتاب

زیبائی فوق‌العاده بخش دوم این کتاب نادیده گرفتن چنین نویسنده توانایی را مشکل می‌سازد. گذشته از آن تمام انبیاء متوسط نیز رسالات خود را با افزودن نامشان بر آن به خود نسبت داده‌اند.

### 5- طومارهای دریای مرده

طومارهای دریای مرده از کتاب اشعیا (قرن دوم قبل از میلاد)، هیچ اشاره‌ای به تفکیک این کتاب به دو بخش و یا دو نویسنده نکرده‌اند.

## پاسخ به مباحثی بر علیه یکی بودن

### «اشعیا»

سه بحث عمده بر علیه يك پارچگی این کتاب مطرح است: دیدگاه تاریخی آن، موارد زبان شناسی، و مباحث دینی.

### 1- دیدگاه تاریخی

تفکیک کتاب اشعیا به دو بخش (39:1 و 40-66) تقریباً مورد پذیرش همگان قرار گرفته است. فصول 36-39 نوعی میان‌پرده‌های تاریخی در این کتاب

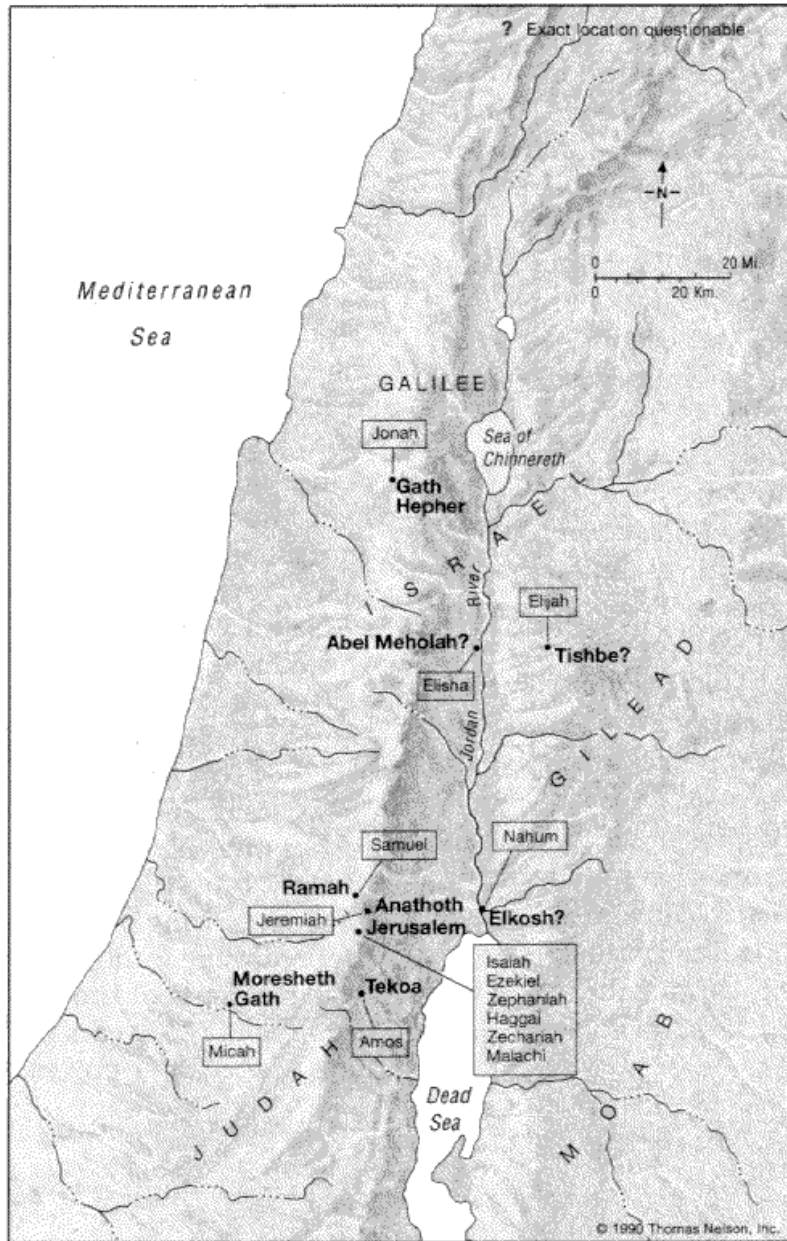
---

می‌باشند. جالب توجه اینست که چگونه فصول 1 تا 39 بازتاب عهد عتیق و فصول 40-66 بازتاب عهد جدید می‌باشند - حتی از نظر تعداد: یعنی يك فصل از کتاب در برابر يك کتاب در عهد جدید - شاید این مورد تصادفی باشد، چونکه تفکیک فصول موردی الهامی نیست.

دیدگاه فصول 1 تا 39 قطعاً دیدگاهی مربوط به دوران قبل از تبعید و دیدگاه فصول 40 تا 66 به روشنی دیدگاهی مربوط به دوران بعد از تبعید است. آیا اشعیا می‌توانست به آینده برود و از دیدگاه آینده بنویسد؟

بسیاری از منتقدین می‌گویند خیر، ولی با این وجود ارمیا، دانیال و حتی خداوند ما عیسی مسیح در پاره‌ای از مواقع چنین کردند (متی 13).

اگر فصول 40 تا 66 کتاب اشعیا در سال 50 قبل از میلاد نوشته شده باشند، چرا این کتاب به مذاق



فلسطینیان خوش آمد و نه بابلیان؟

## 2- موارد زبان شناسی

منتقدین می‌گویند سبک نگارش «اشعیا دوم» با سبک نگارش کتاب اشعیا متفاوت است. تمام این فصول حاوی یک گسست عمده است که در این عبارت خلاصه می‌شوند «تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید!»

(1:40) . ولی این مورد فقط نشان دهنده تنوع در سبک نگارش نویسنده است . افلاطون، میل‌تون و شکسپیر هم به طور اعجاب‌انگیزی دارای سبک‌های متنوعی براساس محتویات نوشته‌هایشان بودند . تسلی پرشکوه مسیحا در فصول 40\_66 برای تشریح این تفاوت کافیست .

همچنین تشابهات فراوان سبکی بین این دو بخش (یا سه بخش) کتاب وجود دارند که در بسیاری از موارد آشنایی با زبان عبری را می‌طلبد . یکی از اصطلاحات اشعیا که در سراسر کتابش مشاهده می‌شود عبارتست از «The Holy one of God» که یک لقب خدائی است .

### 3- موارد دینی

منتقدین قائل به تضاد بین الهیات، «اشعیا اول» و «اشعیا دوم» به صرف اینکه «اشعیا دوم» پیشرفته‌تر از «اشعیا اول» است، نمی‌باشند . اشعیا اول تکیه‌اش به عظمت خدا بوده است و تکیه اشعیا دوم بر بیکرانگی خدا . می‌کا نبی هم که هم عصر اشعیا بود دارای عقایدی شبیه باصطلاح «اشعیا دوم» بود .

بحث دینی در میان این سه مورد کم‌رنگ‌تر است ولی در گام اول علت واقعی این فرضیات را که فلسفه ماوراءالطبیعی می‌باشد، عرضه می‌دارد . اشعیا از کورش پادشاه ایران سالها قبل از اینکه متولد شود، نام برده است (البته در صورتی که قبول داشته باشیم اشعیا، یکی است) . ژوزفوس مورخ نوشته است که کورش تحت تأثیر مطالب فصل 45 این کتاب واقع شد .

بسیاری از بخش‌هایی که گفته می‌شود به این کتاب افزوده شده‌اند، نبوت‌های کاملاً ویژه‌ای می‌باشند که تحقق یافته‌اند . در اینجا دوباره به نظر می‌رسد که یک تمایل ضدماوراءالطبیعی، نشانه‌ای است مبنی بر انکار قدمت تاریخی این



کتاب.

گذشته از آن اگر خدا دانای مطلق است، پیش‌بینی آینده برای او از طریق انبیایش با چنان جزئیاتی، مشکل نیست.

از اینرو علیرغم تمام تاخت و تازهای مبنی بر اینکه این تئوری‌ها ساخته و پرداخته مفروضات حلقه‌های مسیحی است و دارای بار قدرت قوی بشارتی و منطقی است، خللی وارد نمی‌کند. سراسر کتاب آنطوریکه در 1:1 آمده است نوشته اشعیا پسر آموس است.

## تاریخ

اشعیا رسالت خود را «در سالی که عزیا پادشاه مرد» (1:6 – 740 قبل از میلاد) شروع نمود. سالهای رسالت او بخصوص در یهودا در طول حکومت چهار پادشاه ادامه داشت: عزیا و یوتام که پادشاه کاملاً نیکوئی بود؛ آحاز پادشاه شریر و حزقیای پادشاهی بسیار نیکو و دوست صمیمی نبی. از آنجا که اشعیا به مرگ سنحاریب (681 قبل از میلاد) اشاره کرده است، بنظر می‌رسد که حداقل در سال 680 زنده بوده است و این نشانه یک رسالت بسیار طولانی مدت است که حدود 60 سال می‌باشد! براساس سنت، اشعیا در زمان سلطنت منسی پادشاه شریر فوت کرده است.

## IV – پیشینه و زمینه

معنی نام اشعیا گویای موضوع اصلی این کتاب است: نجات از آن خداست. کلمه «نجات» بیست و شش بار در این کتاب نبوتی و تنها هفتبار در سایر نبوت‌ها تکرار شده است. موضوع این کتاب نشان‌دهنده یکدست بودن کتاب است: فصول 1-39 نشان‌دهنده نیاز بزرگ انسان به نجات و فصول 40-66

نشان دهنده تدارك فیاض خدا از نجات است. اشعیا به اسرائیل اخطار داد که شرارت او تنبیه خواهد شد، ولی با این وجود خدا در فیض و رحمت خود، یک روز نجات دهنده‌ای برای یهودیان و سایر امته‌ها خواهد فرستاد.

کشورهائی که اسرائیل کوچک را اکثراً در تسخیر خود داشتند عبارت بودند از آشور در شمال، یا «قدرت قوی» و مصر در جنوب یا «قدرت ضعیف». بخش آخر این کتاب حاوی نبوتی دوپست ساله از روزهای آینده ابرقدرت بابل است.

## گزارش

### I – نبوت‌هائی در مورد مجازات و برکات دوران اشعیا (فصول 1-35)

الف) داوری یهودا و اورشلیم با تابش انوار جلال (فصول 1-5)

- 1) دعوی خدا برعلیه اسرائیل (فصل اول)
- 2) برکات آینده از طریق تطهیر قوم (فصول 2 تا 4)
- 3) تنبیه اسرائیل بخاطر گناه (فصل 5)
- ب) دعوت و مسح اشعیا و مأموریت او (فصل ششم)
- ج) کتاب عمانوئیل (فصول 7-12)
- 1) تولد معجزه آسای مسیحا (فصل 7)
- 2) سرزمین پرشکوه مسیحا (فصول 8-10)
- 3) پادشاهی هزارساله مسیحا (فصول 11 و 12)
- د) داوری امته‌ها (فصول 13 تا 24)
- 1) داوری بابل (1:13 تا 23:14)
- 2) داوری آشور (27-24:14)
- 3) داوری فلسطین (32-28:14)
- 4) داوری موآب (فصول 15 و 16)
- 5) داوری دمشق (سوریه - فصل 17)

- (6) داوري ممالك ناشناخته در آفریقا (فصل 18)
- (7) داوري مصر (فصول 19 و 20)
- (8) داوري بابل (10\_1:21)
- (9) داوري دومه (ادوم - 12\_11:21)
- (10) داوري اعراب (17\_13:21)
- (11) داوري اورشليم (فصل 22)
- (12) داوري صور (فصل 23)
- (13) داوري بقيه زمين (فصل 24)
- (هـ) سرودها (فصول 25 تا 27)
- (1) سرود ستایش اسرائیل برای برکات ملکوت (فصل 25)
- (2) سرود ستایش یهودا از صخره دوران (فصل 26)
- (3) سرود خدا برای اسرائیل آمرزیده شده (فصل 27)
- (و) سقوط و تجدید حیات دوباره اسرائیل و اورشليم (فصول 28 - 35)
- (1) وای بر افرایم - اسرائیل (فصل 28)
- (2) وای بر اریئیل - اورشليم (فصل 29)
- (3) وای بر متحدان با مصر (فصول 30 و 31)
- (4) حکومت پادشاه عادل (فصل 32)
- (5) وای بر غارتگر - آشور (فصل 33)
- (6) وای بر تمامی قومها (فصل 24)
- (7) جلال ملکوت آینده (فصل 35)
- II- تحوّل تاریخی : کتاب حزقییا (فصول 36 - 39)**
- (الف) نجات یافتن حزقییا از دست آشور (فصول 36 و 37)
- (1) آشور خدا را به مبارزه می‌طلبد (فصل 36)
- (2) خداوند آشور را نابود می‌کند (فصل 37)

- (ب) بیماری و شفای حزقیای (فصل 38)
- (ج) گناه حزقیای (فصل 39)
- III- نبوت‌های تسلی بخش راجع به اسارت آینده**  
**(فصول 40 - 66)**
- الف) تسلائی به اسرائیل در مورد نجات دهنده‌ای که خواهد آمد (فصول 40-48)
- 1) تسلائی خدا مبنی بر آمرزش و صلح (1:40-11)
- 2) تسلائی خدا مبنی بر دخالت خودش (31-12:40)
- 3) تسلائی خدا راجع به مددکار اسرائیل (فصل 41)
- 4) تسلائی خدا به خادمان خودش (فصل 42)
- 5) تسلائی خدا مبنی بر احیاء اسرائیل (فصول 43 و 44)
- 6) تسلائی خدا مبنی بر وجود کورش - مسیح خدا (فصل 45)
- 7) تسلائی خدا مبنی بر سقوط بت‌های بابل (فصل 46)
- 8) تسلائی خدا مبنی بر سقوط بابل (فصل 47)
- 9) تسلائی خدا مبنی بر بازگشت اسرائیل بعد از تأدیب (فصل 48)
- (ب) مسیحا و طرد او توسط اسرائیل (فصول 49-57)
- 1) مسیحا به عنوان خادم (فصل 49)
- 2) مسیحا به عنوان شاگرد واقعی (فصل 50)
- 3) مسیحا به عنوان حاکم عادل (1:51 تا 12:52)
- 4) مسیحا به عنوان قربانی حامل گناهان (13:52 تا 12:53)
- 5) مسیحا به عنوان آمرزنده و احیاء کننده (فصل 54)

- (6) مسیحا به عنوان مبشر جهانی (1:55 تا 8:56)
- (7) مسیحا به عنوان داور شریران (9:56 تا 21:57)
- (ج) گناه اسرائیل و اورشلیم، توبه و احیا (فصول 58 تا 66)
- (1) لذات روحانیت واقعی (فصل 58)
  - (2) شرارت‌های اسرائیل (فصل 59)
  - (3) جلال آینده صهیون (فصل 60)
  - (4) رسالت مسیحائی (فصل 61)
  - (5) شادی‌های آینده اورشلیم (فصل 62)
  - (6) روز انتقام (6:63-1)
  - (7) دعای یهودیان باقی مانده (7:63 تا 12:64)
  - (8) پاسخ خداوند به دعای آنان (فصل 65)
  - (9) موخره : آرامشی چون رود (فصل 66)

## تفسیر

### I- نبوت‌های درمورد مجازات و برکات دوران اشعیا (فصول 1-35)

#### الف) داوری یهودا و اورشلیم با تابش انوار جلال (فصول 1 تا 5)

#### 1) دعوی خدا بر علیه اسرائیل (فصل اول)

1:1) اولین آیه صحیفه اشعیا بیشتر مانند یک عنوان است. اشارات تاریخی آن در بخش مربوط به معرفی، بررسی گردید.

2:1 و 3) اینک تمامی کائنات مورد خطاب خداوند قرار می‌گیرند تا بدانند خدا با اسرائیل چه کرده است. اعلام جرم خدا اینست که مردم خودسر شده و بر علیه خدا **عصیان** ورزیده‌اند و از نشان دادن آن

نوع حرمت و احترامی که حتی از يك حیوان اهلی مورد انتظار است، کوتاهی کرده‌اند!

6:4-1) **امت خطاکار** شده روی از **قدوس** اسرائیل برگردانیده‌اند. تأدیب خداوند مؤثر واقع نمی‌شود، حتی اگر بدن‌ها پوشیده از **جراحت و کوفتگی و زخم متعفن** شود.

7:1-9) اشعیا در اینجا به تشریح آینده می‌پردازد، آنچنانکه گوئی امروز واقع شده باشد. مهاجمین و دشمنان، یهودا را **ویران** کرده‌اند. اورشلیم، **دختر صهیون** چون **یک کپر و سایبان** موقتی، به طرز زننده‌ای در میان خرابه‌ها ایستاده است. اما اگر فیض خدا نبود و **بقیه اندکی** باقی نمی‌گذاشت، آنگاه **ویرانی** همانند **سدوم و عموره** کامل می‌بود.

10:1-15) **حاکمان و قوم اورشلیم (سدوم و عموره)** می‌بایست بدانند که خدا اجرای مراسم و تشریفات را بدون خلوص قلبی و **قربانی‌ها** را بدون اطاعت، و هدایا را بدون هدیه دهنده، دوست ندارد. مادام که مردم در گناه زیست می‌کنند مشارکتشان در مراسم معبد توهین به خدا و **پایمال** نمودن **دربار** اوست. خدا از آمیختن مراسم با **گناه** نفرت دارد و توجهی به **دست‌های** برافراشته و **دعاهای** بسیار نخواهد نمود.

دبلیو. ای واین<sup>1</sup> در مورد چنین خطری در روزگار ما به ایمانداران هشدار می‌دهد:

*اجرای صرف مراسم ظاهری به منزله ردائی است که گناه را می‌پوشاند. خداوند در متی فصل 23 با اخطارهای شدید پرده از آن خطاها برداشته است. خطاهائی که با مراسم یهودیت آمیخته بود، اینک به طور گسترده‌ای در عالم*

<sup>1</sup> - W. E. Vine

مسیحیت گسترش یافته است. وجدان يك شخص  
ایماندار ممکن است تا آن اندازه از کار  
بیافتد که به مراسم مذهبی بپردازد، در حالی  
که هنوز هم در گناه زیست می‌کند.

16:1 و 17) آنچه که این قوم باید انجام می‌دادند  
این بود که توبه کنند و از شرارت دست بکشند تا  
بدان وسیله خود را پاک کنند (بشویند)، آنگاه به  
عدالت و انصاف عمل نمایند.

18:1-20) چنانچه آنها به خواسته خدائی عمل  
کنند، گناهانشان زدوده خواهد شد و از نیکوئی  
زمین که خدا بر ایشان تدارک دیده است، بهره‌مند  
خواهند شد. مهم اینست که اولین فصل کتاب بشارتی  
اشعیا که معنی نامش «نجات یهوّه است»، شامل دعوت  
انجیل پیروزمند است.

خداوند می‌گوید: «بیائید، تا باهمدیگر محاجه  
نمائیم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد، مانند  
برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد،  
مانند پشم خواهد شد.»

استدلال (محاجه) خدائی، پذیرفته شده در ایمان  
به ما می‌آموزد که پاک شدن از گناه ممکن است و  
این پاک شدن کاملاً هم ربطی به شایستگی و تلاش  
انسان ندارد و تنها راه تحقق آن آمرزشی است که  
عیسی مسیح خداوند با افشاندن خورش بر صلیب،  
برای انسان مهیا نموده است. حال چند نفر استدلال  
خداوند را پذیرفته و به او جواب مثبت داده‌اند،  
چه کسی می‌داند؟ و این دعوت هنوز هم پابرجاست.  
اما اگر مردم ابا نموده تهمرد کنند، آنگاه  
جنگ و ویرانی در انتظارشان خواهد بود.

21:1-23) اورشلیم دیگر شهری امین نیست، انصاف  
و عدالت در آن وجود ندارد و اینک تبدیل به شهر  
زانیه و پناهگاه دزدان و قاتلان شده است. همه  
چیز در آنجا فاسد شده و سروران آن هرزه

شده اند. رشوه و بی‌انصافی در همه جا دیده می‌شود. 1:24-31) **بنابراین** خداوند خشم خود را به تمام کسانی که با گناه گردن نشان دادند **دشمنان** او هستند، خواهد ریخت. داوری خدا تمام آلودگی‌ها را پاک و اورشلیم را در جلال پیشینش، استوار خواهد ساخت. عدالت خدا رهائی کسانی را که توبه کرده اند، تضمین می‌نماید. خداوند، یهوه **صبایوت** داوری خود را نیز تضمین نموده است.

اما گناهکاران نابود خواهند شد. بتپرستان از بت‌هایشان (**درخت بلوط و غان**) **خجل** و مانند **بلوطی** که **برگش پژمرده و باغی** که **آب ندارد خشک** خواهند شد. رهبرانی که به خدمت خود اعتماد دارند، چون پرة کاهی (**پرزّه**) خواهند شد که با کوچکترین جرقه در اعمال شیرانه خود خواهند سوخت.

## 2) برکات آینده از طریق تطهیر قوم (فصول 2-4)

2:1-3) **پسر آموص** اینک از ماورای هرج و مرج‌ها ملکوت پر شکوه مسیحا را می‌بیند. در آن روز **اورشلیم** به عنوان مرکز دینی و سیاسی جهان **ثابت خواهد شد**. صهیون زیارتگاه تمامی قوم‌ها خواهد شد و مردم برای عبادت و تعلیم گرفتن از خدا، بدانجا خواهند آمد.

2:4) پادشاه به معضلات جهانی فیصله خواهد داد و دیگر مردم باهم نخواهند جنگید. در نتیجه جهان خلع سلاح خواهد شد. پولهایی که قبلاً خرج تسلیحات جنگی می‌شدند صرف خرید ابزار کشاورزی خواهند شد. این آیات ما را به یاد متی 1:4-3 می‌اندازد چونکه هم این آیات و هم متی 1:4-3 الهام شده از یک روح القدس است و نبی‌ای از نبی دیگر نقل قول



کرده است .

5:2) دورنمای مجل حکومت مسیحائی اشعیا را برانگیخت تا به مردم یهودا بگوید که بلافاصله توبه کنند.

6:2-9) سپس خداوند خطاب به اشعیا به برشمردن گناهیانی می‌پردازد که امت‌ها را به ضلالت سوق داده است.

آنها به جای نگاه کردن به خداوند با غیب‌گویان مشرق مشورت نموده و مانند **فلسطینیان فالگیر شده‌اند**. آنها با کافران متحد شده‌اند. آنها در تمرد از شریعت خدا **خزائن** خود را انباشته و **اسبان** و **ارابه‌ها** خریده و امنیت خود را در سایه ثروتشان می‌جویند. آنها بت‌هایی را که خود ساخته‌اند پرستش می‌کنند. بدین دلایل خدا آنها را **خوار** و **خفیف** می‌سازد و آنها را **نخواهد آمرزید**. عبارت «**مملو از ر سوم مشرقی**» توصیف مناسبی برای محبوبیت جاری مذاهب شرقی در کشورهای غربی است.

10:2 و 11) اینک نبی خطاب به مردم اخطار می‌دهد از **ترس یهوه** که **چشمان بلند انسان را پست** می‌کند، در **صخره‌ها** پناه بگیرند.

12:2-18) اشعیا ناگهان به **روز داوری** خداوند که مقدم بر حاکمیت مسیح خواهد بود، اشاره می‌کند. **یهوه صبایوت** با **غرور** و **تکبر** انسان بر خورد خواهد کرد، خواه جمعی و خواه فردی (**سروها و بلوط‌ها**). حکومت‌ها (**کوه‌های عالی و تلها**)، قدرت‌های نظامی (**برج و حصار**) یا تجارت (**کشتی‌ها و مصنوعات مرغوب**) و **کبریائی** انسان **پست** خواهد شد و **خداوند به تنهایی متعال خواهد بود** و **بت‌ها همگی متروک خواهند شد**.

19:22-22) مردم در همه جا به دنبال جایی می‌گردند که مخفی شوند و هر چه دارند دور

می‌ریزند. در آن روزتنها خدا است که مردم می‌توانند در او پناه برند.

3:1-5) در آن روز (20:2) خداوند رهبرانی را که مردم بر آنها اعتماد می‌داشتند **دور خواهد کرد**. دور کردن **نان** و **آب** احتمالاً اشاره به شرایط قحطی است، اما **نان** و **آب** احتمالاً آنطور که از آیات بعد پیداست، نماد رهبران است. در آن زمان قحط الرجال شده و کودکان بر مردم حاکمیت خواهند نمود. آن روز زمان بیداد، هرج و مرج، تنهائی، بی‌حرمتی و نافرمانی خواهد شد.

3:6-8) مردم به بستگان خود مراجعت می‌کنند و از آنها دعوت می‌کنند تا بر این ویرانه حکومت کنند ولی هیچ کسی نمی‌پذیرد، چونکه مردم **درخانه** خود **نه نان** دارند و **نه لباس**.

این بلائی است که مردم بر سرخود می‌آورند.

3:9-12) از آیه نهم، اشعیا شروع به اعلام يك سري «وای» می‌نماید - دو مورد در این فصل و شش مورد در فصل پنجم - «وای» اول خطاب جانهای کسانی است که مرتکب شرارت شده‌اند. «وای» دوم خطاب به شریران است و شرارت آنها را محکوم می‌کند، اما در ضمن به **عادلان** برکت و عده داده می‌شود. یکی از نتایج شرارت آنها این خواهد بود که توسط افراد نابالغ و بی‌تجربه (کودکان) و ضعیفان (**زنان**) و گمراه‌کنندگان رهبری خواهند شد.

3:13-15) در این آیات **خداوند** اسرائیل را به محاکمه فرا می‌خواند. او مشایخ قوم را بخاطر اینکه **فقیران** را استثمار کرده و خود را ثروتمند ساخته‌اند (از طریق رشوه‌گیری و اخاذی) به محاکمه فرا می‌خواند. نظر به اینکه رأی خداوند مبني بر گناه‌گار بودن آنان است، حکم محکومیت اعلام می‌شود.

24\_16:3) سپس جرمی شدید در مورد زنان یهودا  
 بخاطر غرورشان و لباسهای فاخرشان و جواهرات  
 نفیستان، اعلام می‌شود. صورتهایشان را که با  
 عطریات گرانبها آرایش داده‌اند با زخم‌ها پوشیده  
 خواهد شد. بدنهایشان **برهنه** خواهد شد و دیگر بجای  
 اینکه خانم‌های شیکی باشند تبدیل به زنانی چرک و  
 آلوده خواهند شد - تزئینات و آرایش و عطریات  
 آنها تبدیل به **ریسمان** و سرهایشان طاس خواهد شد،  
 و تنها به **پلاس** ملبس خواهند شد.

25:3 تا 1:4) مصیبت افزوده دیگر بر آنان فقدان  
**مردان جنگی** برای جنگ‌ها خواهد بود. تلفات جمعیت  
 مردان مذجر به این خواهد شد که **هفت زن** از  
**یک مرد** سرپرستی خود را می‌طلبند و به او پیشنهاد  
 ازدواج می‌دهند تا **نام** او به آنها باشد تا از  
 ننگ بی‌شوهری و مردن بدون فرزند بگریزند.

6\_2:4) بقیه فصل چهارم به ملکوت مجلل مسیح  
 می‌پردازد.

او همان **شاخه آیه دوم** است که **زیبا و مجلل**  
 است. تفسیر ماتیو هنری از این آیات چنین است:

*او (مسیح) شاخه خداوند است. این یکی از  
 اسامی نبوتی اوست. اسامی دیگر او  
 عبارتند از: بنده من شاخه (زکریا 8:3 و  
 12:6)؛ شاخه عادل (ارمیا 5:23 و 15:33)؛  
 نهالی که از تنه یسعی بیرون آمده؛ شاخه‌ای از  
 ریشه‌هایش (اشعیا 1:11) و آنچنانکه بعضی  
 می‌پندارند این اشاره به زمانی است که مسیح  
 «ناصری» خوانده می‌شد (متی 23:2). در اینجا  
 او شاخه خداوند نامیده شده چونکه با قدرت  
 خدا کاشته شده و برای جلال خداوند رشد کرده  
 است، و در گویش آرامی یا زبان باستانی کلدی  
 مسیح یا مسیحا، یا خداوند، خوانده می‌شود.*

او همچنین **میوه زمین** است که در او افتخار  
 اسرائیل احیاء می‌شود. بی‌ایمانان در رجعت دوم

عیسی خداوند نابود خواهند شد. یهودیان نجات یافته که نامشان در **دفتر حیات مکتوب** است، مقدس نامیده خواهند شد. «شستن» در آیه چهارم از طریق داوری تکمیل خواهد شد و نه با انجیل. **کوه صهیون در روز** با سایبانی از ابر و در شب با آتش مشتعل پوشیده خواهد شد، و این نمادی از حفاظت خدا است.

### (3) تنبیه اسرائیل به خاطر گناه (فصل

(5

2:1-5) در سرودی که اشعیا برای **محبوب خود** (یهوه) می‌سراید به حفاظت دل‌سوزانه خداوند از **تاکستانش** اشاره می‌کند. خداوند بهترین مکان را برگزیده است، زمینی حاصلخیز و **مو بهترین** را در آنجا کاشته است، آن را محافظت کرده است، و به این امید که محصول خوبی خواهد داشت، **چرخشتی** آماده کرده است. ولی بجای محصول خوبی که انتظار داشت (اطاعت، قدردانی، محبت، عبادت و خدمت)، محصولی نامرغوب یا **انگور بد** (تمرد، عصیان و بت‌پرستی) به دست آورد.

3:5-6) خداوند با خشم تمام از یهودا می‌پرسد دیگر چه می‌توانست انجام دهد که انجام نداده است و چرا چنین واکنش بدی را از آنان می‌بیند. سپس نزدیک بودن مجازات را اعلام می‌نماید. او **حصارهای یهودا** را که شهر را حفاظت می‌کردند، برمی‌دارد. کشور مورد هجوم واقع شده و تبدیل به زمینی بی‌هوده و پر **خاروخس** و خشک خواهد شد. البته تمام این بلاها موکول به آینده و اسارت یهودا می‌باشد.

7:5) علتش روشن است: وقتی که خداوند از اسرائیل و یهودا انتظار **انصاف و عدالت** داشت، چیزی ندید مگر قتل و تعدی و فریاد و خروش.

8:5-10) در آیات 8 تا 23، شاهد شش «وای» هستیم

که ادامه فصل سوم می‌باشند. این «وای» ها عبارتند از:

وای اول: حرص زمین خواران که هر روز خانه‌ای به خانه و مزرعه‌ای به مزرعه خود می‌افزایند، تا دیگر جایی برای دیگران باقی نمی‌ماند و بازار خرید مسکن و زمین دچار بحران می‌شود، با این وجود چنین افرادی تنها و منزوی می‌باشند. اسارت قوم موجب خواهد شد که خانه‌های بسیاری خالی بمانند و یا ویران شوند. قحطی و خشک‌سالی بر زمین حاکم خواهد شد به طوری‌که از ده پیمانۀ بذر فقط یک پیمانۀ محصول و از یک تاکستان پنج هکتاری فقط پنج بطر شراب، به دست می‌آید.

وای دوم: (17-11:5) خطاب به می‌پرستان است که از صبح تا شب باده نوشی می‌کنند. آنها بزمی برپا می‌کنند و عیاشی می‌نمایند، اما توجهی به عمل دست‌های خداوند نمی‌کنند.

بخاطر این نوع اعمال بی‌فکرانه است که اسیر خواهند شد.

**شریف و عامی** از قحطی رنج خواهند برد و خواهند مرد. هیچ طبقه‌ای از این بلایا نخواهد توانست که بگریزد. اما خداوند انصاف خود را در داوری‌اش، آنگاه که ویرانه‌های اسرائیل چراگاه گله‌های بیگانه می‌گردد، نشان خواهد داد.

**18:5 و 19** وای سوم: خطاب به دروغگویان بی‌شرم و کسانی است که خدا را به مبارزه می‌طلبند و با گناه عهد و پیمان بسته‌اند و می‌گویند بی‌ایید ببینیم این داوری که خدا ما را بدان تهدید می‌کند چیست.

**20:5** وای چهارم: خطاب به کسانی است که شناخت روحانی ندارند و فرق بین **بدی** و **نیکی** را نمی‌دانند.

**21:5** وای پنجم: خطاب به انسان‌های خودبین

است.

22:5 و 23) وای ششم : خطاب به کسانی است که در نوشیدن مسکرات قوی افراط می‌کنند و با گرفتن رشوه عدالت را رعایت نمی‌کنند .

24:5 و 25) این انسانهای شریر که هیچ گونه حرمتی برای کلام خدا قائل نیستند، مانند **علف خشک** در آتش می‌سوزند. خدا **قوم خود** را داوری خواهد نمود و بدین جهت **کوهها** به لرزش در خواهند آمد و **کوچه ها** از اجساد پرخواهند شد. ولی هنوز داوری اش تکمیل نشده است!

26:5-30) آنگاه خداوند **بابل** را فراخواهد خواند - خستگی ناپذیر، کاملاً مسلح و آماده برای جنگ با اسبان و کالسکه هائی تندرو. این لشگر چون **شیر** به مردم حمله خواهند برد و سپس همگی را به اسارت خواهند برد و آن روز **تاریکی** برای یهودا خواهد بود.

### ب) دعوت و مسح اشعیا و مأموریت او (فصل ششم)

1:6) در سالی که **عزیا پادشاه مرد**، اشعیا رؤیائی از پادشاه پادشاهان دید. ما از انجیل یوحنا 41-39:12 آموخته ایم ، پادشاهی که اشعیا در رویا دید کسی نبود جز عیسی مسیح خداوند. اف . سی جنینگس<sup>1</sup> چنین تفسیر می‌کند:

*اشعیا چون یوحنا در جزیره بطمس «در روح» شد و ادونا (نام خدا به عنوان متعال) و براساس رساله به رومیان 5:9 «خدای متبارک تا ابد الابد» را باتمامی جلال و شکوهش می‌بیند که بر تخت معبد پرشکوه آسمانی نشسته است.*

5:2-6) بر بالای تخت خدا موجودات آسمانی یا

**سرافین** با «چهار بال برای پوشش و دو بال برای خدمت» ایستاده اند.

این نمایش تقدس خدا اقتضا می‌نمود که «بندۀ خدا» قبل از خدمت نمودن به او تطهیر شود. این رؤیا اشعیا نبی را عمیقاً ملزم نمود که به گناهان خود بیندیشد و این مسئله موجب شد که توبه کند.

6:6-8) و درست بعد از توبه بود که تطهیر شروع شد و پس از آن بود که اشعیا **صدای خداوند** را شنید و بلافاصله خود را وقف خداوند نمود و مأموریت خود را آغاز کرد.

6:9-10) مأموریت او اعلام کلام خداوند به **قومی** بود که در اثر انکار مداوم کلام خدا از نظر روحانی کور و کر شده بودند. آیات 9 و 10 تشریح کننده هدف نهایی رسالت اشعیا نمی‌باشند، ولی نتیجه غیرقابل اجتناب آن است. این آیات در عهد جدید به منظور تشریح انکار و طرد مسیحا توسط اسرائیل، نقل قول شده اند. و این<sup>1</sup> می‌نویسد:

*مردم به قدری در منحرف نمودن راههای خود  
اصرار ورزیده بودند که امکان هرگونه تحوّل  
روحانی را برای خود غیرممکن ساخته بودند.  
انسان ممکن است آنچنان دل خود را سخت کند  
که شرایط خود را غیرقابل علاج نماید و این  
مرحله، مجازات کنونی خدا بر علیه اوست.*

11:6-13) سؤال «تابکجا؟» یعنی داوری خدا بر مردمش چقدر طول می‌کشد؟ پاسخ این سوال این بود: «تا زمانی که شهرها ویران و غیرقابل سکونت شوند و خانه‌ها بدون سرنشین و زمین کاملاً ویران شود و خداوند مردم را به جاهای دور بفرستد.» خدا باقی مانده قوم (عشری از قوم) را معاف خواهد نمود،

1- Vine

اما حتي این مقدار به دوران عذاب بزرگ منتقل خواهند شد. این بذر مقدس مانند ریشه درختی بزرگ است که بعد از بین رفتن تنه درخت زنده می‌ماند.

### ج) کتاب عمانوئیل (فصول 7-12)

#### 1) تولد معجزه آسای مسیحا (فصل 7)

1:7 و 2) فصول 7 — 12 را بخاطر پیشگویی‌های روشنش در مورد مسیح، کتاب عمانوئیل نامیده‌اند. در فاصله بین فصول 6 و 7 اشعیا دوران حکومت یوتام را پشت سر می‌نهد و وارد حکومت آحاز می‌شود و این زمانی است که آرام و اسرائیل (افرایم) بر علیه یهودا متحد شده و اورشلیم را تهدید می‌کنند.

3:7) اشعیا و پسرش شاریاشوب در انتهای قنات برکه فوقانی به راه مزرعه گازر به ملاقات آحاز می‌روند. شاید پادشاه به آنجا رفته بوده که از منابع آبی شهر حفاظت کند. مزرعه گازر در جایی بود که مردم رخت‌های خود را می‌شستند و در آفتاب پهن می‌کردند تا خشک شوند.

4:7-9) خداوند از طریق نبی به آحاز اطمینان می‌دهد که نیازی نیست بترسد. پادشاهان آرام و اسرائیل (رصین و فقح) چیزی نیستند جز دو دم مشعل دود افشان که در شرف خاموشی می‌باشند. حتی گر چه برای حمله به یهودا متحد شده‌اند تا آنجا را تسخیر و پسر طبئیل را به پادشاهی یهودا بگمارند، ولی نقشه‌هایشان خنثی خواهد شد (آرام و اسرائیل یهودا را تسخیر نکردند ولی فشار بر یهودا در زمان پیدشرفت آشور بود). به همان اطمینان که دمشق شهر عمده سوریه (آرام) و سردمشق رصین است، اسرائیل شصت و پنج سال دیگر، ویران خواهد شد (ر. ک دوم پادشاهان 17). به همان اطمینان که شهر عمده اسرائیل سامره و



سرسامره فقح است، اگر آحاز کلام خداوند را باور نکند، سرنگون خواهد شد.

7:10-13) خداوند آحاز را فرمان داد که آیتی خواه در زمین و یا در آسمان بطلبد مبني براینکه اتحاد آرام و اسرائیل بر علیه یهودا موفّق نخواهد شد. آحاز که نمیخواست اعتماد خود را بر آشور ترك کند درخواست خدا را رد کرد. خداوند ناراضی از دیدگاه پادشاه، به هر حال آیت خود را به او نشان داد. و این می‌نویسد:

*وقتی که آحاز طلبیدن آیت را رد کرد، خدا آیتی به او به انتخاب خودش نشان داد و آن آیتی بود فراسوی شرایط زمانی آحاز که اوج نبوت و وعده خدا بود در رابطه با «خاندان داود.» و بدین ترتیب آحاز و کسانی نظیر او در برکات مجلد تحقق آن آیت، سهمی نداشتند.*

7:14) این نبوت نیز به نظر می‌رسد مانند بسیاری از نبوت‌های دیگر، بخشی در زمان حال (ایام آحاز) محقق شده و تکمیل آن موکول به آینده (در رجعت اول مسیح) خواهد شد. آیه 14 دقیقاً اشاره به مسیح است – پسر باکره که نامش عمانوئیل، خدا – با – ما، خواهد بود.

دوباره از و این نقل قول می‌کنیم:

*عبارت «بنابراین» در کتاب اشعیا همیشه معرف واقعه‌ای در آینده است. انتخاب عبارت Almah به جای Bethulah (دوشیزه‌ای که در خانه پدرش زندگی می‌کند و موقع ازدواجش رسیده است) بسیار مهم است. و این اشاره به شخصی است که بالغ شده و برای ازدواج آماده می‌باشد.*

7:15-17) آیالت 15 و 16 شاید اشاره به پسر دوم اشعیا باشد که گفته شده با اشعیا در زمره آیات

می‌باشند.

(18:8). این باکره زاده در فقر خواهد زیست (کره و عسل خواهد خورد) تا اینکه به سن تکلیف برسد. اما **قبل** از اینکه به سن تکلیف برسد پادشاهان آرام و اسرائیل معزول و بدین ترتیب اتحادی که یهودا از آن می‌ترسید، برهم خواهد خورد. اما خدا یهودا را با هجوم پادشاه آشور مجازات خواهد نمود. چگونه؟

(22\_18:7) خدا مگس‌ها (مصر) و زنبورها (آشور) را صدا خواهد زد و آنها به یهودا هجوم خواهند آورد. آشور برای خدا **استره‌ای** (تیغ) خواهد بود که موها را به طرز نامرتب خواهد چید و موجب شرمساری و زشتی خواهد شد. جنینگ می‌گوید:

*یهودا در آن روز واقعاً مفلوک خواهد شد،  
چونکه ثروت مردم در حد یک گوساله و دو  
گوسفند یا بز تقلیل خواهد یافت، ولی مراتع  
آنچنان سرشار خواهند بود که این سه حیوان  
هرقدر که لازم باشد می‌چرند.*

(25\_23:7) زمینی که قبلاً سرشار از محصولات بود با خار و خس پر خواهد شد و دیگر قابل کشت نخواهد بود و فقط گاوها و گوسفندها می‌توانند در آنها بچرند.

## (2) سرزمین پرشکوه مسیحا (8\_10)

(4\_1:8) خداوند اشعیا را هدایت می‌کند تا بر لوحه‌ای با خط درشت و در حضور دو شاهد - اورپای کاهن و زکریا بن یبرکیا این کلمات را بنویسد:  
**مهیر، شلال - حاش - بز،** تا آنها بعداً بدان گواهی دهند. این عبارت یعنی «بشتابید برای غارت، تعجیل کنید برای تاراج» و اشاره می‌کند به ویرانی آرام و اسرائیل توسط آشور. خداوند وقتی که اشعیا را هدایت کرد که این نام را به فرزند

تازه تولد یافته‌اش بدهد، آن را تفسیر نمود.

10:5-8) **خداوند بار دیگر** کلامی راجع به اسرائیل بر زبان آورد: «چونکه قوم حکومت شمالی آب‌های شیلوه را که به ملایمت جاری می‌شود خوار شمرده‌اند، از نهر (یعنی فرات) سیراب خواهند شد.» **شیلوه** (که در یوحنا 7:9 سیلوحا نامیده شده است) یک منبع مرموز آب در اورشلیم بود و در اینجا از آن به عنوان نماد کلام خدا از فیض و یا توکل به خداوند، استفاده شده است. رود افراته یا فرات نمودار **آشور** است که اسرائیل و آرام را تسخیر خواهد نمود. آشور همچنین به **یهودا** هجوم خواهد آورد و تمامی سرزمین عمانوئیل را اشغال خواهد کرد، ولی موفقیت او کامل نخواهد بود - **(فقط تا به گردن)**. دشمنان یهودا علیرغم نقشه‌ها و تمهیدات خود برای یهودا، به تدریج شکست خواهند خورد.

15:11-18) **یهوه اشعیا** را فرمان می‌دهد تا به مردم بگوید از **فتنه‌هایی** که بر علیه آنها می‌کنند **نترسند**، بلکه تنها متوکل به خداوند باشند. او (خدا) برای تمام کسانی که متکی به او می‌باشند، **مکان مقدس**، اما برای دیگران **سنگ مصادم** خواهد بود.

18:16-8) **اشعیا** فرمان می‌دهد که کلام خداوند توسط شاگردان امین حفظ شود تا اینکه تاریخ تحقق آنها را ثبت نماید. **نبی منتظر خداوند** که اینک از قوم خود دلسرد شده، خواهد ماند و به او **امیدوار** خواهد بود. **اشعیا** (یهوه نجات می‌دهد)، **شاریاشوب** (پسر اشعیا = باقیمانده قوم باز خواهند گشت) و **مهیر شلال** حاش بز (بشتابید برای غارت، تعجیل کنید برای تاراج)، از طریق معانی نامشان **آیات و علامات** رحمت احتمالی خدا نسبت به اسرائیل و مجازات دشمنان آنان می‌باشند.

19:8) نبی به مردم اخطار می‌دهد از مشورت با اصحاب اجنه (مدیوم‌ها) و جادوگران احتیاط کنند. انسان باید متوسل به خدای زنده شود، نه اینکه از مردگان به جهت زندگان سؤال کند. امروز نیز مشورت با واسطه‌های ارواح و جادوگران، چیز تازه‌ای نیست:

*انسان قبل از هر بحران بزرگی که در زندگیش به وجود آمد، درگیر این خرافات بوده است، چه در یهودا و اسرائیل قبل از اسارتش، چه در زمان تجسم مسیح و مرگش به خاطر کفاره گناهان انسان و چه اکنون. خدا آنچه را که لازمه هدایت و نیازهای روحانی است در کلام حقیقتش تدارک دیده است (ر.ک دوم تیموتائوس 3:16-17).*

20:22-22) تمام معلمان باید با کلام خدا آزموده شوند. اگر تعلیمات آنها موافق با کتاب مقدس نباشد «روشنی در ایشان نیست.» و بدین جهت در **عسرت و گرسنگی** آواره خواهند شد و به خاطر گرفتاری‌هایشان **پادشاه و خدای خود را** نفرین خواهند کرد و برای آسودن به زمین و آسمان چشم خواهند دوخت، ولی چیزی جز **تاریکی و ظلمت پریشانی** نخواهند یافت.

1:9-5) اینک به جلو رفته و به رجعت مسیحا می‌رسیم. قدمرو شمالی اسرائیل، **زمین نفتالی** نامیده شد که مهاجمان برسر آن رقابت می‌کردند و در آینده **محترم** خواهد شد. (**جدیل امته‌ها** که محل تولد نجات‌دهنده و صحنه بخشی از رسالت آشکار او بود). رجعت اول مسیح **نور** را به جدیل آورد و رجعت دوم مسیح **شادی** را برای قوم به ارمغان خواهد آورد و نقطه پایانی بر بردگی و جنگ خواهد نهاد.

6:9) رجعت اول مسیح در آیه ششم الف تشریح شده

است: «زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد...» در بخش اول صحبت از انسانیت و در بخش دوم صحبت از الوهیت او است و بقیه آیه اشاره به رجعت دوم اوست.

• **سلطنت بر دوش او خواهد بود** - او به عنوان پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب سلطنت خواهد نمود. بقیه آیه مبین جلال اوست.

• **اسم او عجیب خوانده خواهد شد** - عجیب، نه یک نام بلکه یک لقب است و صحبت از جلوه شخصیت در کار او می‌کند.

• **مشیر** - نشانه‌ای از حکمت او در کشورداری.

• **خدای قدیر** - قادر مطلق، حاکم اعلا.

• **پدر سرمدی** - و یا بهتر، پدر (یا منشاء) جاودانگی. او خود جاودانه است و جاودانگی را به کسانی که به او ایمان دارند، عطا می‌نماید. و این می‌نویسد: «در اینجا یک مکاشفه دوجانبه وجود دارد: (1) او در جاودانگی ساکن است و خود جاودانه است (15:57) و (2) او هدایت‌گری مشفق، مهربان، دلسوز، دانا، آموزنده و تدارک‌کننده است.»

• **سرور سلامتی** - کسی که در نهایت صلح و سلامتی را به این دنیای وحشتناک ارزانی خواهد داشت.

7:9) پادشاهی و صلح او را **نهایت نخواهد بود**. او نشسته بر **کرسی داود با انصاف و عدالت سلطنت** خواهد نمود. این مراحل چگونه تحقق خواهند یافت؟ **غیرت یهوه صباوت نسبت به مردمش، این را بجا خواهد آورد.**

12\_8:9) اشعیا نبی دوباره به طوفان داوری می‌پردازد و پیامش را به چهار بخش تقسیم می‌کند که هر کدام با عبارت «با این همه، خشم او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است» (آیات 17، 21 و 4:10) پایان می‌دهد.

**اسرائیل بی‌توجه به مجازات‌های قبل در غرور و تکبر خود ادعای ساختن شهری پرشکوه‌تر از پیش می‌نماید.** اما خداوند قول می‌دهد که آنها مورد حمله آرامی‌ها از مشرق و فلسطینیان از مغرب قرار خواهند گرفت.

9:13-17) این آیات شامل اخطارهای بیشتری در مورد هلاکت کلی قوم چه مرد پیر، مرد شریف و نبی‌ای که **تعلیم دروغ می‌دهد**، می‌باشند.  
9:18 - 21) زمین بخاطر **شرارت در آتش جنگ** داخلی، هرج و مرج، قحطی، غارت و آدم خواری، خواهد سوخت.

10:1 - 4) «وای» بر حاکمانی که حکم بی‌انصافی می‌دهند و حق **فقیران را ضایع** می‌کنند و **ظلم را مرقوم می‌دارند**. وقتی روز داوری خدا برسد تمام ثروتی را که از طریق نامشروع و اجحاف نمودن به دیگران بدست آورده‌اند، از دست خواهند داد.

10:5 - 11) خدا از **آشور** برای مجازات یهودا استفاده خواهد کرد. ولی آشوریان نقشه‌های فراتر از آن دارند! هدف آشور احداث یک امپراتوری بزرگ از طریق تسخیر کشورهای دیگر است. آشور به **سرداران** (یا فرماندهان) خود می‌نازد و همه آنها را **پادشاه** می‌داند و می‌گوید شهرهایی که بر سر راهش قرار دارند بزرگتر از آنچه که تاکنون تسخیر کرده‌اند، نمی‌باشند و **بت‌های** اسرائیل و یهودا قابل رقابت با بت‌های ممالکی که فتح کرده‌اند، نیستند

10:12 - 19) اما خدا **غرور و تکبر پادشاه آشور** را مجازات می‌کند، چون او موفقیت خود را **مدیون قوت و حکمت خود** می‌داند. **عصا و چوب** در دستان خداوند نباید در برابر دستی که او را نگه داشته است، **تکبر** نماید. مصیبتی وحشتناک بر جنگجویان نیرومند آشور که آنها نیز به خود و شوکت **جنگل و**

بستان خود می‌نازیدند، وارد خواهد آمد. نور اسرائیل خداوند است و خار و خشک، لشکریان آشور می‌باشند. بازماندگان این لشکر، قلیل خواهند بود به طوری که يك طفلهم می‌تواند آنها را بشمارد.

20:12-23) در آن روز بقیه اسرائیل هرگز بار دیگر چون آحاز به آشور اعتماد نخواهند نمود، بلکه بر خداوند اعتماد خواهند نمود. قسمت عمده این نبوت موكول به آینده و رجعت دوم مسیح است.

24:10-27) هر چند که پادشاه آشور از شمال به اورشلیم خواهد تاخت، ولی مردم یهودا نیازی نیست که بترسند، چونکه یهوه صبايوت وارد کار خواهد شد، آنچنانکه در هجوم میان و مصر دخالت نمود، و یهودا از ترس تسلط آشور، آزاد خواهد شد.

28:10-34) اینک ما تصویری زنده از شهرهای یاد شده و توصیفی جا ندار از رژه لشکر آشور داریم. به محض ورود مهاجمین اهل شهر وحشت زده می‌گریزند و به کوه اورشلیم می‌رسند. سپس خداوند وارد عمل می‌شود و ارتش مهاجم و متجاوزان را همچون بریدن بوته‌های جنگل نابود می‌کند.

### 3) پادشاهی هزار ساله مسیح (فصول 11 و 12)

1:11) فصل یازدهم صحیفه اشعیا نبی یکی از بزرگترین بخش‌های مربوط به هزاره، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید می‌باشد. اشعیا در يك گردش سریع اینک ما را به جلو رجعت دوباره مسیح می‌برد.

نخست ما شجره نامه پسر داود - نهالی از تنه یسعی - را می‌بینیم. یسعی پدر داود بود (اول سموئیل 12:17).

2:11) مسح مسیحا، روح خداوند در سه بخش تعریف شده است. دبلیو. ای. واین مختصراً به تشریح این سه بخش می‌پردازد:

نخست «روح حکمت و فهم»، مرتبط است با قدرت فکری. حکمت ذات امور را تشخیص می‌دهد و فهم تفاوت آنها را. دوم، «روح مشورت و قوت»، مرتبط است با امور عملی. مشورت یعنی توانایی قبول نتیجه‌گیری درست. قوت عبارتست از کاربرد نتیجه‌های درست. سوم «روح معرفت و ترس خداوند» و این مربوط است به متابعت و همراهی با یهوه. معرفت در اینجا یعنی شناخت یهوه. عیسی مسیح فرمود «او (خدا) را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم» (یوحنا 8:55).

3:11-5) سپس انصاف مطلق مسیح در حاکمیت در عبارتی شاعرانه و پرشکوه بیان می‌شود، و سپس به داوری او بر شریران، عدالت شخصی او، و پادشاهی سرشار از صلح و امنیت او پرداخته می‌شود.

6:11 – 9 الف) حتی حیوانات وحشی نیز مطیع حاکمیت مسیحا می‌شوند، حکومتی که این امکان را به وجود آورده است که **طفل كوچك با سوراخ مار بازی کند.**

9:11 ب) یکی از مجلل‌ترین وعده‌های کتاب مقدس، در نیمه دوم آیه نهم است که بیان‌کننده علت این شرایط ایده‌آل در دوران هزاره حکومت مسیح است: **زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند.**

10:11 – 16) مسیحا عَلَم قوم‌ها خواهد شد و **امت‌ها** به سوی او خواهند آمد و مقرر حاکمیت او مجلل خواهد بود. خداوند **بقیه قوم خویش را** از تمامی نقاط جهان دوباره جمع خواهد کرد. **یهودا** و اسرائیل (**افرایم**) با هم در صلح و صفا خواهند زیست و دشمنان خود را یعنی فلسطین، ادوم، موآب و عمون را مطیع خود خواهند نمود. **زبانة دریای مصر** (دریای سرخ) خشک خواهد شد، و نهر(فرات) به **هفت شاخه** تقسیم خواهد شد و مردم خواهند توانست با **کفش** از آن عبور کنند. **شاهراهی آشور** را به



اسرائیل خواهد پیوست و رفت و آمد به شمال آسان خواهد شد.

1:12 (6 – در آن روز اسرائیل سرود شکرگزاری و توکل سر خواهند داد. باقی مانده نجات یافته قوم با شادمانی تشنگی خود را از چشمه های نجات رفع خواهند نمود. در آن روز اسرائیل خدا را به خاطر مبلغین در میان امتهای و دعوت نمودن آنان به آرامش مسیح، شکر خواهند گفت.

## (د) داورى امتهای (فصول 13- 24)

### 1) داورى بابل (1:13 تا 23:14)

1:13 (5 – یازده فصل بعد صحیفه اشعیا نبی شامل نبوتها بر علیه اقوام بیگانه است. نخست به بابل قدرت جهانی که آشور را شکست داد (در حدود سال 609 قبل از میلاد) پرداخته می شود. در فصل 13 مشاهده می کنیم که بابل توسط ماد و پارس تسخیر می شود (539 ق. م). به هر حال بعضی از این نبوتها اشاره به انهدام نهایی بابل در دوران عذاب بزرگ است (مکاشفه 17 و 18).

خدا ارتش ماد و پارس («مقدسان خود») را فرا خواهد خواند که از دروازه های شهر نجیا (شهر بابل) وارد شوند و تمامی زمین را ویران کنند.

6:13 (13 – سپس به وحشت ناشی از این هجوم پرداخته می شود – ترس و درد، اغتشاش در نظم آسمانی و تقلید دهشتناک جمعیت. بعضی از این آیات مربوط به پیروزی ماد و پارس در روز **خداوند** است که در آن روز تحولات عظیم آسمانی اثر خود را بر تمام **جهان** باقی می گذارد.

13:14-22) در آن روز فراری بزرگ در بابل آغاز خواهد شد، بیگانگان به دیار خود خواهند گریخت و آنهایی که باقی میمانند کشته خواهند شد. آیات

19-22 حاوی نبوت‌هایی است که بخشی از آنها تحقق یافته‌اند، ولی تحقق کلی آنها موکول به آینده است.

مشکلاتی چند در مورد نبوت‌های مربوط به ویرانی کشور بابل و شهر بابل وجود دارند ( اشعیا 6:13 \_22؛ 4:14 \_23؛ 2:21 \_9؛ 1:47 \_11، ارمیا 12:25 \_14؛ 51:50). به عنوان نمونه تسخیر شهر توسط مادها ( اشعیا 17:13) در سال 539 قبل از میلاد، صورت گرفت و مشابه ویرانی سدوم و عموره ( اشعیا 19:13) نبود و بابل برای همیشه غیر مسکونی باقی ماند.

در اشعیا 20:13 \_ 22 حمله به اسرائیل از ناحیه شرق و توسط ماد و پارس است، ولی در ارمیا 3:50 از ناحیه شمال و توسط آشور است. مورد مطرح شده در اشعیا 20:13 \_ 22 موجب نشده است که قوم اسرائیل و یا باقیمانده قوم یهودا از خداوند تقاضای برگشت به صهیون را بنمایند ( ارمیا 4:50 و 5) و همچنین حصارهای بابل آنطور که در ارمیا 51:58 آمده است ویران نگردیده است.

وقتی که با اینگونه مشکلات روبرو می‌شویم، چگونه با آنها برخورد کنیم؟ قبل از هر چیز ما اعتماد کامل خود را به کلام خدا اعلام می‌کنیم. اگر مشکلی موجود است بخاطر ناآگاهی ما است. اما باید بخاطر داشته باشیم که نبوت‌ها غالباً ترکیبی از وقایع آینده نزدیک و آینده دور بوده‌اند، بدون اینکه اشاره‌ای به نشانه‌های زمانی شده باشد. به کلامی دیگر يك نبوت می‌توانسته است محلی، بخشی مربوط به دوران نبی، و بخشی مربوط به آینده و بخشی نیمه تحقق یافته در زمان نبی و تحقق کامل آن موکول به آینده بوده باشد. در مورد بابل نیز چنین است. همه نبوت‌ها در مورد بابل تحقق نیافته‌اند. بخشی از این نبوت‌ها در

آینده تحقق خواهند یافت.

بابل دارای نقشی ماندگار در دوران عذاب بزرگ است. اما محکومیت آن با رنگ‌های شفافی در مکاشفه فصول 17 و 18، به تصویر کشیده شده است. قبل از رجعت دوم مسیح، تحقق تمام نبوت‌ها در مورد ویرانی بابل دقیقاً موکول به آینده خواهد بود. آنچه که برای ما روشن نیست برای کسانی که در آن زمان زندگی می‌کنند، آشکار خواهد شد.

1:14 و 2) خداوند در رحمت بیکران‌ش اسرائیل را **در زمین‌شان** جمع خواهد نمود. در این بازگشت اقوام بیگانه هم در کنار آنها خواهند بود و در کنار مردم خدا با صلح و صفا زندگی خواهند کرد و اقوامی که قبلاً بر اسرائیل سروری می‌کردند، اینک در خدمت اسرائیل خواهند بود.

**یعقوب و خاندان اسرائیل** نماد اسارت یهودیان در بابل است. انتخاب آنها توسط خداوند یعنی رهاشدنشان از کشوری که در آن اسیر بودند و بازگرداندن آنان به زمین‌شان. **غربائی** (بیگانگان) که به **خاندان یعقوب** می‌پیوندند، بابلیانی هستند که ایمان می‌آورند. **قوم‌هایی** که آنها را به **مکان خود شان** می‌آورند متشکل از بازماندگان کورش و دیگرانی است که آنها را در برگشتشان یاری می‌کنند.

3:14 – 11) **اسرائیل** فارغ از هرگونه آزار و **بندگی**، سرود تحقیر **پادشاه بابل** را سر می‌دهند. خداوند قدرت بابل را در هم شکسته و به ظلم او پایان داده است. اینک زمین شادی می‌کند – حتی جنگل‌ها و باغ‌ها، چون دیگر ارتش پادشاه بابل آنها را لگدکوب نخواهد نمود.

صلح و آرامش سرانجام بر دنیا حکمفرما شده است. خوشا آنانی که از منصب قدرت خود افتاده‌اند. شکوه و عظمت پادشاه بابل از بین

رفته است و بابل در پوششی از **کرم** و **مور** پوشیده شده است و صدای **بربطهای** آن دیگر به گوش نمی‌رسد. (17-12:14) سرود تحقیر پادشاه بابل به سرود سقوط کسی می‌انجامد که او را تقویت می‌کند، و او کسی نیست جز شیطان (**لوسیفر**). رایری<sup>1</sup> می‌نویسد «این آیه بدیهی است که اشاره به شیطان می‌کند، چونکه متناسب با توصیف مسیح از شیطان (لوقا 18:10) می‌باشد و همچنین تفسیر اشعیا از شیطان فقط در مورد شیطان مصداق دارد (ر. ک اول تیموتاوس 6:3).» نظر به اینکه این ستاره صبح یا **دختر صبح** مغرورانه اراده خود را فوق اراده خدا قرارداد، بدین ترتیب از آسمان سقوط کرد. شیطان در نهایت به **اسفل هاویه** رفته و مجازات خواهد شد. ساکنان هاویه از کسی که داری چنین قدرتی بوده است و اینک چنین خوار و خفیف شده است، متعجب خواهند شد.

(21-18:14) اینک مسیر سرود دوباره به پادشاه بابل باز می‌گردد و می‌گوید وقتی که بیشتر **پادشاهان** در گورهای پرشکوه خود آرمیده‌اند، ولی گور او را نمی‌پذیرد و کسی بر مردن او ماتم نخواهد گرفت و سلسله پادشاهی او (**پسرانش**) منقرض خواهد شد.

(23 و 22:14) شهر بابل خالی از سکنه خواهد شد و توسط **جاروی** خداوند پاک خواهد شد.

## (2) داوری آشور (24:14-27)

در این آیات به توصیف ویران شدن **آشور** که در این زمان بر بابل تسلط دارد، پرداخته می‌شود. ارتش آشور در **کوههای** اسرائیل شکست خواهد خورد. تحقق کامل این نبوت موكول به دوران عذاب بزرگ است، آنگاه که پادشاه شمال به قصد تاراج سرزمین

1- Ryrie

عمانوئیل به آنجا حمله می‌کند و شکست می‌خورد.

### (3) داوری فلسطین (28:14-32)

28:14 (31- فلسطین نباید در مرگ آحاز نوه عزّیا که در اینجا **عصا** نامیده می‌شود، و کسی که با فلسطینیان جنگ کرد (دوم تواریخ 6:26 و 7) **شادی** نماید. حزقیای یکی از نوادگان او مانند **یک افعی** و **یک اژدهای پرنده** به او حمله خواهد کرد (ر. ک دوم پادشاهان 8:18) سپس **فقیران** خدا و نیازمندان، ایمن خواهند شد، اما خداوند فلسطین را **دچار قحطی** خواهد نمود و باقی ماندگان **مقتول خواهند شد**. آشور چون **دود** و ابر از شمال هجوم خواهد آورد. به هر حال مردم خدا در اورشلیم ایمن خواهند ماند.

32:14) اگر فرستادگان **امتها** بپرسند در اینجا چه خبر است، به آنان بگوئید **خداوند**، وعده‌های خود در مورد **صهیون** را تحقق بخشیده است و اورشلیم را محافظت می‌کند.

### (4) داوری موآب (فصول 15 و 16)

1:15 (7- اشعیا سرود مشابهی در رابطه با نابودی **موآب** سر می‌دهد. دو شهر مستحکم **موآب عار** و **قیر**، ناگهان ویران شده‌اند. شهرها و روستاها غرق اندوه و ماتم شده‌اند. حتی اشعیا نیز بر بازماندگان، آنگاه که از شهر می‌گریزند، ترحم می‌آورد. آینده تیره و تار و حاکی از ویرانی است و مردم با هر وسیله‌ای که می‌توانند به مرزها هجوم می‌آورند تا از خطر نجات یابند.

8:15 و 9) **فریاد** مردم تا به **حدود موآب** می‌رسد. نام شهر **دیجون** در آیه دوم، در آیه نهم تبدیل **دیمون** شده است - شاید این یک اشتباه نگارشی باشد چونکه دیمون مشابه واژه عبری **Dam** (خون) است. بنابراین «**آب‌های دیمون از خون پر شده**»

است. و حتی کسانی که گریخته‌اند تحت تعقیب شیر قرار می‌گیرند.

1:16 و 2) تشریح تخریب موآب در فصل شانزدهم آمده است. به موآبیان که به **سالع** (پترا، مرکز ادوم) گریخته‌اند تا در آنجا پناه گیرند، گفته شده **بزه‌ای** به عنوان **خراج** به **حاکم زمین** (پادشاه یهودا) در **کوه دختر صهیون** (اورشلیم)، آنچنانکه قبلاً بزه‌ها به سامریان می‌دادند (دوم پادشاهان 4:3)، تقدیم بدانند. اینک مردم آشفته و هراسان از بلای قریب الوقوع می‌گریزند.

3:16-5) **خداوند** به **موآب** می‌گوید **رانده شدگان یهودی** را **پنهان** کند تا ایمن باشند. **تاراج** **کنندگان**، **ستمکاران**، و دشمنان **نابود** خواهند شد و **خداوند** بر **کرسی داود** با **رحمت** و **راستی** و **انصاف** سلطنت خواهد کرد.

6:16-12) **موآب** به علت **غرور** و **تکبرش** سقوط می‌کند. زمین غرق ماتم و اندوه می‌شود. **مزرعه‌های** **پربر** **حشبون** عاری از محصول می‌شوند و **موهای سبمه** **پژمرده** می‌شوند. بار دیگر اشعیا نبی بر این خرابی گسترده نوحه سر می‌دهد. وقتی که **موآب** نزد بت‌هایش رفته و از آنها استمداد می‌طلبد، بت‌ها کمکی به او نمی‌کنند.

13:16 و 14) اشعیا با توجه به نبوّات پیشین خدا در مورد **موآب** به وقایعی اشاره می‌کند که **بعد از سه سال مثل سالهای مزدور**، یعنی دقیقاً در وقت معین، اتفاق می‌افتند.

### 5) داوری دمشق (فصل 17)

1:17-3) **الهام سوم** راجع به **ویرانی دمشق**، شهر عمده آرام (سوریه) و شهرهای اقماری آن است. **افرایم** (اسرائیل) بخاطر متحد شدن با **آرام** دچار چنان سرنوشتی خواهد شد. **افرایم** نیروی دفاعی

خود را و دمشق نیز سلطنت خود را از دست خواهند داد. دمشق در سال 732 قبل از میلاد توسط آشور ویران شد و سامره سیزده سال بعد سقوط کرد.

4:17 (6) در روز داوری، اسرائیل گرسنه و خوار و خفیف و چون مزرعه درو شده‌ای در وادی رفایم عریان خواهد شد - تعداد کمی از اهالی جان سالم به در می‌برند.

7:17 (11) سپس مردم به سوی خدای حقیقی و زنده، آفریننده و قدوس اسرائیل باز می‌گردند و هر نوع بتپرستی را تقبیح و ترک خواهند نمود. شهرهای دارای استحكامات مانند Amorites, Hivites بعد از حمله اسرائیل و تسخیر نمودن آنها، ویران خواهند شد. حال چرا این وقایع اتفاق می‌افتند؟ علتش اینست که مردم خدا او را ترک کرده‌اند و به سوی قلمه‌های غریب، یعنی عهدها، مذاهب و رسوم بیگانگان رفته‌اند. اما محصولش فاجعه و مصیبت خواهد بود.

12:17 (14) در آیه دوازدهم ما شاهد یک «وای» می‌باشیم که بعد از مکث کوتاهی در آیه 18 با یک «وای» دیگر دنبال می‌شود. «وای» اول قوم‌های بیگانه را به تصویر می‌کشد که با خروش فراوان و مسلح به سلاح‌های مدرن به اسرائیل هجوم می‌آورند. اما ناگهان توسط خداوند برگشت داده می‌شوند و با نابودی ارتش آرام دیگر اسرائیل در معرض تهدید نخواهد بود.

## 6) داوری ممالک ناشناخته در آفریقا (فصل

18)

در اینجا صحبت از «وای» نیست، بلکه سخن از «آه» حاکی از تعجب است، خطاب به یک قوم ناشناخته که ایلچیان برای مردم اسرائیل می‌فرستند (آیات 2 و 7). عبارت «آواز بالها»

احتمالاً بیانگر اشتیاق برای حفاظت قوم یهود است. در همان وقت سایر ملل بیگانه در حالی که خدا به آرامی آنان را می‌نگرد، مشغول شکار مردم خدا می‌باشند. اما سرانجام خدا آنها را نابود خواهد کرد و اجسادشان نصیب وحوش و مرغان شکاری خواهد شد.

سپس آن قوم به کوه صهیون آمده و هدیه‌ای برای یهوّه، خواهند آورد. آیه هفتم را احتمالاً می‌شود به این ترتیب قرائت کرد: «در آن روز هدیه‌ای از سوی مردم متفرق و غارت شده، به حضور یهوّه آورده خواهد شد...» (JND) و این سخن از احیاء اسرائیل در رجعت دوم مسیح می‌گوید.

### 7) داوری مصر (فصول 19 و 20)

3\_1:19) وقتی که خداوند برای داوری مصر نازل می‌شود، بت‌های مصر خواهند لرزید و مردم دچار وحشت و اضطراب خواهند شد. جنگ داخلی شروع می‌شود و بهترین مغزهای متفکر کشور به بت‌ها، فالگیران، جنگیران و جادوگران پناه خواهند برد.

10\_4:19) یک نفر شخص ستم‌کیش بر مصر حکم خواهد راند. خشکسالی شدید منابع آبی را خشک خواهد کرد و محصولات کشاورزی از بین خواهند رفت، صنعت شیلات و بافندگی مصر از بین خواهند رفت و تمامی جمعیت دچار ویرانی و فقر خواهند شد، خواه رهبران و خواه مردم عادی

11:19\_15) بهترین مشیران فرعون که در صوعن و نوف زندگی می‌کنند، هیچ ایده‌ای برای فائق آمدن بر شرایط سخت ارائه نمی‌دهند. در واقع مشورت‌های آنها مصر را بیچاره‌تر می‌کند تا آنجا که شرایط واقعاً نومید کننده می‌شود.

پانزده آیه اول این فصل، قبلاً تحقق یافته‌اند. بعد از مرگ Tirhakah که در زمان نبوت اشعیا بر



مصر حکومت می‌کرد، کشور مصر در اثر جنگ‌های داخلی به دوازده بخش تقسیم شده بود که همگی مطیع آشور بودند. سرانجام دوباره این حکومت تجزیه شده تحت نظر Psammetchus یا همان «آقای ستم‌کیش» آیه چهارم، متحد می‌شوند. تحقق بقیه نبوت‌های این فصل موکول به آینده است.

16:19 و 17) وقتی خداوند مشیت خود را نشان می‌دهد، مردم، **لرزان و هراسان** خواهند شد. تنها بردن نام **یهوه** موجب وحشت مصریان خواهد شد.

18:19-20) اما به **زمین مصر** نیز وعده احیاء داده شده است. **پنج شهر** از مصر از جمله هلیوپولیس (شهر خورشید) یا **شهر هلاکت**، تبدیل به مراکز پرستش یهوه خواهند شد.

**در آن روز مذبحی برای خداوند در میان زمین مصر و ستونی نزد حدودش برای خداوند خواهد بود** و هردوی آنها گواهی بر خداوند خواهند بود.

ژوزفوس مورخ گفته است که نبوت مندرج در آیه 19 در سال اول قبل از میلاد و هنگامی که اونیاس کاهن اعظم از اورشلیم گریخت و اجازه‌ای برای ساختن مذبحی در مصر به دست آورد، تحقق یافته است. ولی بدون شک مفهوم کلی این نبوت ایام هزاره است.

21:19 و 22) داوری خدا بر **مصر** در بازگشت مردم به سوی خودش و ستایش او، با موفقیت انجام خواهد شد.

23:19) **شاهراهی مصر** را (از طریق اسرائیل) به آشور متصل خواهد کرد و هم اهالی آشور و هم اهالی مصر یهوه را عبادت خواهند نمود.

24:19 و 25) سپس **اسرائیل سوم مصر و آشور خواهد شد** یعنی یک اتحاد سه جانبه را تشکیل داده و از پادشاهی مسیح برخوردار خواهند شد. توجه داشته باشید به تکرار عبارت «در آن روز» در آیات 16،

18، 19، 21، 23 و 24.

6:20-1) در سال 711 قبل از میلاد ترتاقان، فرمانده سپاه **سرجون پادشاه آشور** شهر فلسطینی **اشدود** را تسخیر کرد. در آن وقت **خداوند** به **اشعیا** گفت به عنوان **آیتی** و **علامتی** از سه سال خواری و خفت که بر **مصر** و **کوش** (حبشه)، در هنگامی که به تسخیر **آشور** در می‌آیند، وارد خواهد شد، عریان شود (فقط پلاس را از تن و نعلین را از پا برکنند نه اینکه کاملاً عریان شود). سپس مردم یهودا شاهد اعتماد نابخردانه مصر به آشور خواهند بود (بعضی از مفسرین می‌گویند آیه پنجم و ششم اشاره به فلسطین و یا فلسطین و یهودا است).

### 8) داوری بابل (1:21-10)

1:21-4) سه الهام مذکور در فصل 21 حاکی از اخبار وحشتناکی برای بابل، ادوم و عربستان است. **بیابان بحر بابل** و یا شاید بخشی از بابل در مجاورت خلیج فارس می‌باشد. ویرانی چون **گردباری** از **بیابان** بر بابل خواهد رسید. چونکه بابل همچنان مرتکب **تاراج** و خیانت می‌شد، توسط **عیلام** (ایران) و ماد (**مدیان**) محاصره و غائله فروکش می‌کند و بابل دیگر موجب اضطراب دیگران از جمله اسرای یهودی نخواهد شد. این واقعه آنقدر ترسناک است که اشعیا شدیداً هراسان می‌شود.

5:21) هنگامی که رهبران در مکانی امن جمع و مشغول باده گساری می‌باشند، ناگهان شیپور بیدار باش ارتش نواخته می‌شود («سپرها را روغن بمالید»). البته این آیه اشاره به میهمانی بلشصر در کتاب دانیال فصل پنجم است.

6:21-10) **خداوند** به اشعیا فرمان می‌دهد که **دیده‌بانی** بگمارد تا نحوه حمله این گروه انبوه،

مخصوصاً سواره نظام بی‌شمار را تشریح نماید. دیده‌بان بعد از انتظار چندین روزه پیداشرفت سواران را در ستون دو نفری گزارش می‌کند. و این شاید اشاره به سربازان ماد و پارس باشد. سپس، صدائی چون غرش شیر سقوط بابل و مذهب بتپرستی آن را اعلام می‌نماید. اعلامیه او پیامی از تسلی به اسرائیل است، مدتی که مورد تاخت و تاز بابل قرار گرفته و ویران شده بود. شایسته است بخاطر داشته باشیم که این نبوت در حدود دو‌یست سال قبل از سقوط بابل، بیان شده است. ما نیز می‌توانیم دیده‌بانی در در ملکوت خدا باشیم:

دیده‌بان کسی است که به مشورت خدا گوش می‌سپارد و می‌داند بعداً چه خواهد شد و منتظر واقعه می‌ماند. بنابراین اینک کسی که پیش‌بینی‌های خدا را از طریق تمام کتب مقدس می‌داند، نیات او را نه با تحقیق و تفسیر، بلکه با مقایسه کتب مقدس با هم در باوربه آنچه که واقع خواهد شد، می‌تواند به دیگران اندرز داده و اخطار نماید. او بر برج دیده‌بانی می‌ایستد (آیه 7) و خدا را متابعت می‌کند.

### (9) داوری دومه (ادوم) (11:21 و 12)

دومه همان ادومیا یا ادوم است. يك نفر ادومی نگران از دیده‌بان می‌پرسد امشب کی به پایان می‌رسد؟ آیا تهدید آشوریان تمام خواهد شد؟ پاسخ اینست:

شب پریشانی شما پایان می‌یابد و روز تازه‌ای در پی خواهد آمد، ولی به زودی شب دیگری خواهد آمد. اگر شما در پی پاسخی تسلی‌بخش هستید نخست باید برگشت یا توبه کنید. فقط

آن زمان است که پاسخی می‌یابید که بدان امید دارید؛ شب رنج‌های شما به پایان می‌رسد و روز تازه و درخشان رهایی طلوع خواهد کرد.

### (10) داوری اعراب (17-13:21)

شرایط وحشتناکی در انتظار عرب است. قافلله‌ها از ترس ارتش آرام در **جنگل منزل** (پنهان) خواهند کرد، و کسانی که از کشتار می‌گریزند از گرسنگی و تشنگی شدید، رنج خواهند کشید. **خداوند** مقرر کرده است که **بعد از یکسال شوکت قیدار تلف شود**، و فقط تعداد اندکی از جنگجویان مشهورش نجات می‌یابند. عبارت «**سال‌های مزدوران**» به معنی یکسال کامل است، نه یک روز کم و نه یک روز بیش.

### (11) داوری اورشلیم (فصل 22)

5\_1:22) **وادی رؤیا** اشاره به اورشلیم است (ر.ک آیات 9-11). شهر در محاصره است. مردم **بر بام‌ها** ایستاده‌اند تا دشمن را در دروازه ببینند. کوچه‌هایی که زمانی جشن‌ها در آن برگزار می‌شد در معرض بلا و ویرانی قرار گرفته‌اند. حاکمان و مردم عادی که قصد فرار دارند، بدون هیچ تقلایی، اسیر می‌شوند. اندوه اشعیا، وقتی که تهدید داوری خدا را بر اورشلیم می‌بیند، غیرقابل تسلی است.

11\_26:22) **عیلام و قیر متحدان جنوبی و شمالی** ارتش بابل می‌باشند. ارابه‌ها و سواره نظام آنان، **وادی‌های** اطراف شهر را پر کرده‌اند. یهودیان نقشه بزرگی برای مقاومت در محاصره کشیده‌اند. آنها به دنبال **زرادخانه (اسلحه‌خانه جنگل)** می‌روند و خانه‌ها را ویران می‌کنند تا سنگ‌ها برای تعمیر **حصار** تهیه کنند و برای منابع تأمین آب چاره اندیشی می‌کنند. آنها هر کاری انجام می‌دهند جز اینکه به **صانع**، که همه چیز را از خیلی **پیش‌تر** از آن آفریده است، بنگرند.

14\_12:22) وقتی که **خداوند** آنها را به توبه فرا می‌خواند، در عصیان و سنگدلی زندگی می‌کنند. بدین جهت آمرزیده نخواهند شد.

19\_15:22) **شبنام** نماینده بارگاه حزقیایا که **خود** را آماده مقام و منصب پر شکوهی می‌کند، توسط اشعیا آگاه می‌شود که خدا تلاش‌های او را بی‌ثمر خواهد نمود. **خداوند** او را در اسارت مانند **گوی سخت** پیچیده شده **دور خواهد انداخت**، و در سرزمین بیگانه خواهد مرد، و داستان او مدت‌ها در خاطره‌ها خواهد ماند. شاید **شبنام** رهبر گروهی بوده است که از اتحاد با مصر، حمایت کرده بودند.

24\_20:22) بعد از تنزل مقام **شبنام**، **الیاقیم** (خدا مقرر خواهد نمود) به جای او خواهد نشست. او نمادی از عیسای **خداوند** است. **الیاقیم** یک رهبر رئوف و مسئولیت‌پذیر و در ضمن دارای قدرت کافی خواهد بود. به او **کلید خانه داود** داده خواهد شد و بر تخت پادشاهی خواهد نشست و خادمان را برای بارگاه خود انتخاب خواهد نمود (در کتاب مکاشفه 7:3، گفته شده که **کلید خانه داود** به عیسای **خداوند**، داده خواهد شد). **الیاقیم** در جایگاه و منصب خود استوار خواهد شد و دارای قدرت مطلق در قلمرو خدمت خود خواهد بود.

25:22) از آنجا که **الیاقیم** آن **منجی‌ای است که در مکان محکم دوخته شده**، عزل و قطع او اشاره به اسارت خاندان یهودا است، چونکه او نماینده خاندان یهودا بوده است.

## 12) داورى صور (فصل 23)

دریانوردان **صور** در برگشت از **ترشیش** (احتمالاً در اینجا به معنی اسپانیا است) به سمت صور و هنگام رسیدن به **کتیم** (قبرس) خبر سقوط صور را می‌شنوند. وقتی آگاه می‌شوند که خانه‌هایشان ویران شده و

**مدخلی** برای ورود به شهر ندارند ناله، اندوه و ماتم سر می‌دهند. **تاجران صیدون** در بهت و حیرت به آنان می‌نگرند و به یاد می‌آوردند چگونه این هم‌سایگان صوری‌شان از **دریا گذشته** بودند و بر ایشان از مصر **علیا (شجون)** غله آورده بودند. آه که چه بر سر این تاجران **امتها** آمد! **صیدون** مادر صور وقتی که امواج دریا بر ویرانه‌های صور بازتاب نوحه شهر را به گوششان می‌رساند **شرمنده** می‌شود. گویا که صور هرگز **فرزندانی** نداشته است تا آنان ساکن شوند. **مصر** نیز وقتی می‌شنود بهترین مشتری خود را از دست داده است، اندوهگین می‌شود.

9\_6:23) خداوند به اهالی صور می‌فرماید به دنبال پناهگاهی در اسپانیا (**ترشیش**) باشند. زمانی آنها **ساکنان** یک **شهر مفتخر** بودند و اینک **پایه‌هایشان** آنها را به سرزمین‌های دور می‌برد. چگونه **صور** با تمام قدرت و ثروتش و جلالش دچار این مصیبت شد؟ بله! این ارادهٔ **یهوه صباوت** بود تا تکبر انسان را با تمامی **جلالش**، خوار سازد.

17\_10:23) با توجه به حمله نبوکدنصر به **صور** به مردم گفته می‌شود به کشورهای دیگری بگریزند. خدا بابلیان را برانگیخته است تا **مکان** شهر تجارت را ویران نمایند. حتی اگر مردم در **کتیم** پناهنده شوند، در آنجا نیز **راحت** نخواهند بود. نبی متعجب است از اینکه یک قوم گمنام که سنگ بنای آن را **آشور** نهاده است، اینک آمده‌اند تا صور را نابود کنند. **صور** به مدت **هفتاد سال** در **روزگار پادشاهی کلدانیان** به **دست** فراموشی سپرده خواهد شد. در پایان هفتاد سال صور دوباره تجارت خود را با **جميع ممالک جهان** از سر خواهد گرفت.

18:23) **تجارت و اجرت** صور به خداوند اختصاص می‌یابد و در رجعت دوم مسیح «دختر صور با ارمغانی» خواهد آمد (مزمور 12:45). گنجینه‌های صور

قربانی‌های مقدسی خواهد بود که به حضور خداوند، عرضه خواهد شد.

### (13) داوری بقیه زمین (فصل 24)

3\_1:24) داوری خدا که از اسرائیل شروع شد به تمامی زمین و حتی موجودات شریر آسمانی گسترش می‌یابد. اشاره به **کاهن** در آیه دوم این گمان را به وجود می‌آورد که منظور از زمین در آیات 1 تا 3، اسرائیل است. توجه داشته باشید چگونه این بخش در نوسان است بین **زمین** و **قوم**. ویرانی در اینجا به معنی تحولات عظیمی است که تمام طبقات اجتماعی را دربر می‌گیرد.

13\_4:24) عبارت «**ربع مسکون**» در آیه چهارم، گستردگی صحنه داوری را می‌رساند. علت **ملوث** شدن زمین اینست که انسان **عهد جاودانی را شکسته** است، Bibleknowledge Commentary می‌گوید «مردم عهد ملزم به اطاعت بی‌قید و شرط کلام خدا بودند.» عبارت «شهر مغشوش» احتمالاً می‌تواند اورشلیم و یا به مفهوم گسترده‌تری تمام تمدن‌های زمینی باشد.

20\_14:24) بازماندگان قوم، یهوه را به خاطر نجات فیض بخشش می‌سرایند و می‌ستایند. سپس نبی بر وحشت عظیم روز «عذاب بزرگ» نوحه سر می‌دهد و آن زمانی خواهد بود برای مجازالت **جنایت کاران** و فرار از آن غیرممکن خواهد بود. **زمین چون مستان** متزلزل می‌شود و آنچنان سقوط می‌کند که برخاستنش غیرممکن می‌شود.

23\_21:24) موجودات شریر آسمانی در آن روز داوری خواهند شد. این آیات معادل است با مکاشفه 19:19، 20 و 3\_1:20. **پادشاهان زمین** نیز که عاملان اجرای نیات خدا می‌باشند در رجعت دوم مسیح مشمول این داوری خواهند شد. جلال خداوند بر **آفتاب** و

ماه پیشی خواهد گرفت تا بدانجا که هر دو شرمنده خواهند شد.

## هـ ( سرودها (فصول 25-27)

### 1) سرود ستایش اسرائیل برای برکات ملکوت

#### (فصل 25)

5:1-25) فصول 25 تا 27 را «کتاب سرودها» نامیده‌اند. در این فصول یهودیان باز گشته خداوند را برای رهانیدنشان از طریق عذاب بزرگ می‌ستایند. شهرهای دشمن (نه الزاماً یک شهر خاص) از بین رفته‌اند و امت‌ها بدین وسیله از قدرت یهوّه، آگاه شده‌اند. خدا دیگر برای فقیران و مسکینان و غریبان تبدیل به قلعه و پناهگاه شده است.

9:6-25) خداوند در کوه صهیون ضیافتی از لذیذترین توشه‌های روحانی برپا کرده است. او روپوش غفلت و شرارت و کوری شیطانی تمامی قوم را که تاکنون پنهان بوده برداشته است. او موت را (با برخاستن مقدسین دوره عذاب که مرده بودند) مغلوب کرده است، او اشکها را از چشمان پاک کرده و عار قومش را رفع نموده است. باقیمانندگان خواهند گفت «اینک این خدای ماست که منتظر نجات او بوده‌ایم، پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد.»

12\_25\_10) احتمالاً موآب به نمایندگی دشمنان اسرائیل شرمنده و پایمال خواهد شد. در آیه 11 خدا با شناوری مقایسه شده است که دست‌های خود را در داوری در میان موآبیان می‌گشاید.

### 2) سرود ستایش یهودا در صخره دوران (فصل

#### (26)

4:1-26) باقیمانندگان قوم، در یهودا زندگی تازه



خود را در ایمان و توبه جشن می‌گیرند. اینک شهر خدا با شهر انسان (10:24) مقایسه می‌شود. امت عادل (اسرائیل آمرزیده شده) سلامتی کامل را که از سوی یهوه آمده است، تجربه می‌کند. با توجه به آیه سوم، بلیس. پی. فیلیپ سراینده سوره‌های روحانی چنین می‌نویسد:

من این آیه را بیشتر از هر آیه‌ای در کتاب مقدس دوست دارم: «دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت زیرا که بر تو توکل دارد.»

مودی آیه سوم را در سخنان زیر به آیه چهارم مرتبط ساخته است:

«درخت سلامتی ریشه‌هایش را در شکاف صخره دوران دوانیده است.»

آنها به این نتیجه رسیده‌اند که «صخره جاودانی و یا صخره دوران (Njku - حاشیه) در یاه (مخفف یهوه در زبان عبری) خداوند است.» آگوستوس توپلادی<sup>1</sup> ایده یکی از مشهورترین سروده‌های خود در زبان انگلیسی به نام «صخره دوران» را از این آیه گرفته است. او در این سرود پناه بردن در شکاف پرتگاه‌های صخره‌ای را در هنگام طوفان به تصویر کشیده است:

صخره دوران، ای پناهگاه من،  
بگذار خود را در تو پنهان کنم؛  
بگذار آب و خون،  
از پهلوی دریده تو جاری شود،  
باشد که گناهانم دوباره شفا یابد،  
مرا از قدرت گناهانم پاک نما،  
وقتی من نفس‌های آخر را می‌کشم،  
وقتی چشمانم در مرگ بسته می‌شود،  
وقتی که به دنیاها ناشناخه می‌روم،

1- Augustus Toplady

و تو را بر تخت داوریات می‌بینم،  
 آه ای صخره دوران، پناهم ده  
 بگو که خود را در تو پنهان کنم.

5:26 و 6) غرور تمدن انسان در زیر گام‌های  
**فقیران و مسکینان** منکوب شده و **شهر رفیع** پایمال  
 می‌شود.

7:26-15) آیات 7 تا 19 ظاهراً تکرار دعا‌های  
 باقیمانده قوم در دوران عذاب بزرگ می‌باشد. خدا  
 راه را برای آنها **هموار** کرده است و آنها  
 مشتاقانه در **انتظار** خداوند می‌باشند تا خود را  
 آشکار نماید. تنها وقتی که خداوند در داوری عمل  
 می‌کند، **شریران عدالت را خواهند آموخت**. دست خدا  
 برای نیازمندان **افراشته** شده است، ولی وقتی که  
 دست خدا در خشم فرود آید، **شریران خجل خواهند شد**  
 و سپس **آتش‌بس** در اسرائیل اعلام خواهد شد.  
 آمرزیدگان تحت حاکمیت **آقایان** بسیاری از امت‌ها  
 بوده‌اند. **اما تنها خدا**، خدای آنها بوده است.  
 قوم‌هایی که برای اسرائیل مشکل آفرین بودند دیگر  
**زنده نخواهند شد** تا مردم خدا را دوباره آزار  
 نمایند. این آیه رستاخیز جسمانی شریران را  
 انکار نمی‌کند، بلکه وعده می‌دهد که قدرت‌های  
 بیگانه دوباره تجدید نخواهند شد.

16:26-19) اما بعد از اینکه اسرائیل متحمل  
 مشقتی مانند درد زایمان شود، ظاهراً تا **مردگان**  
 قوم زنده نشوند، عذاب تمام نخواهد شد. یهوّه با  
 وعده‌ای قطعی مبنی بر تجدید حیات ملی آنگاه که  
**شب‌نم نباتات** شاداب (روح القدس) در زمین جاری  
 شود، دعای قومش را پاسخ داد.

20:26 و 21) در این زمان خداوند به باقیمانده  
**قوم** ایماندار خود می‌گوید که خود را **در حجره‌های**  
**خویش پنهان** کنند تا او خشم خود را بر دنیای  
 مرتد، فرو ریزد.

### (3) سرود خدا برای اسرائیل آمرزیده شده (فصل 27)

1:27) در روز آینده خداوند، یهوۀ مارتیزرو لویاتان<sup>1</sup> (آشور) و مار پیچیده لویاتان (بابل) و همچنین اژدهائی را که در دریا است (مصر)، مجازات خواهد نمود.

بعضی از مفسرین این سه هیولا را نماد بابل و بعضی هم آنها را نماد شیطان که قدرتهای جهانی را تقویت می‌کند، می‌دانند. این هیولا مار و اژدها (پیدایش 1:3 و مکاشفه 3:12؛ 2:13؛ 1:16) نامیده شده است

2:27-6) در آن روز خدا بر تاکستان شراب آمرزیده شده اش (اسرائیل) شادی کرده و سرود خواهد خواند و شب و روز آن را محافظت خواهد نمود. او دیگر نسبت به قومش خشمگین نمی‌شود. اگر قدرتهائی به دشمنی با باقی مانده آمرزیده شده قوم بر خیزند، آنها را مانند خار و خس می‌سوزاند. برای او (دشمن) بهتر می‌بود که برای حفاظت و صلح به خداوند متوسل می‌شد. در طول دوره هزاره اسرائیل غنچه و شکوفه خواهد آورد و ایشان روی ربع مسکون را پر از میوه خواهند ساخت.

7:27-9) خدا اینک آنچنانکه با اربابان امتهای برخوردار نمود، با اسرائیل برخورد نکرده است. تأدیب خداوند از اسرائیل محدود و به اندازه بوده است. خداوند اسرائیل را از تبعید رها نید تا گناه بت پرستی آنها را پاک کند. این عمل آنگاه کامل می‌شود که اسرائیل تمامی بت‌های خود را ویران کند.

10:7 و 11) در این زمان اورشلیم مانند دشتی که

1- هر جانور یا خزنده غول پیکر زمینی و دریائی.

گاوها در آن می‌چرند، مخروبه دیده می‌شود و زنان در آنجا شاخه‌ها را برای سوزاندن جمع خواهند نمود. تمام این امور واقع شده است، چونکه مردم از خود هیچگونه شناخت روحانی نشان ندادند.

12:27 و 13) در آن روز خداوند حقیقت و دروغ را از زمین اسرائیل، خواهد کوبید. سپس یهودیانی را که در چنان امت‌های بیگانه‌ای مثل آشور و مصر پراکنده شده‌اند، دوباره جمع خواهد نمود. آنها به اورشلیم خواهند آمد و خداوند را عبادت خواهند نمود.

## و) سقوط و تجدید حیات دوباره اسرائیل و اورشلیم (فصول 28-35)

### 1) وای بر افرایم / اسرائیل (فصل 28)

4-1:28) سامره تاج تکبر و گل پژمرده میگساران اسرائیل (افرایم) بود. بلندی شهر چون تاجی بر وادی بارور مردم میگسار، عیاش، پول پرست و شهوت پرست بود. فاتحان آشور آماده ایستاده‌اند تا شهر را که چون انجیر نوبر شده است بلعند.

5:28 و 6) یهوه صبايوت وقتی که باز می‌گردد تا ملکوت خود را مستقر نماید تاج جلال و افسر جمال باقیمانده ایماندار قوم، خواهد شد. اورهبران را قدرت خواهد بخشید تا داوری او را اجرا نمایند و دشمن را به دروازه‌های خود باز گردانند.

7:28 و 8) اینک اشعیا نبی به یهودا باز می‌گردد. اهالی یهودانیز مانند اهالی اسرائیل مست شده و در قی و نجاست خود می‌غلطتند. حتی کاهن و نبی هم فاسد شده‌اند.

9:28 و 10) رهبران مذهبی خدا را استهزا می‌کنند و می‌گویند خدا طوری با آنها صحبت می‌کند که گویا کودک هستند. آیا خدا فکر می‌کند با بچه طرف است

که بچگانه با آنها صحبت می‌کند؟

13\_11:28) خدا می‌فرماید «بسیار خوب، چونکه شما به زبان ساده و قابل فهم من گوش نسپردید، من یک لشگر بیگانه (آشور) را به میان شما می‌فرستم.» زبان بیگانه مهاجران نشانه‌ای از داوری مرد می‌است که خداوند، آنگاه که صلح و آرامش را به آنان عرضه داشت و به آنان آموخت تا صلح و آرامش را به دیگران عرضه بدارند، رد نمودند.

14:28 و 15) حاکمان یهودا به **عهد** خود با مصر که از آنها در حمله آشور دفاع کند، بالیدند، ولی عهد آنها با مصر به معنی عهد با **موت** و **هاویه**، برای آنان خواهد بود. آنها به **دروغ** و **دروغگوئی** متکی بودند. البته **عهد با موت و میثاق با هاویه** یک پیمان واقعی نبود. به نظر می‌رسد که تعلیم این بخش اینست که یهودا در عهدی که با موت و هاویه بسته بود، احساس ایمنی می‌کرد چونکه در واقع، با مصر متحد شده بود. بعضی از مفسرین این عهد را تصویری از عهد آینده اسرائیل می‌دانند (دانیال 27:9).

16:28 و 17)، خدا مسیح، **سنگ آزموده** را به عنوان تنها کسی که شایسته توکل است مقرر نمود. کسانی که متوکل به او شوند هرگز نخواهد ترسید. تحت حاکمیت مسیح همه چیز و همه کس **مزه عدالت و انصاف** را خواهد چشید و داوری خدا تمامی آنچه را که انسان بدان به دروغ توکل می‌نمود، محو خواهد نمود.

22\_18:22) قدرت سیاسی یهودا برای حفاظت خود در هنگام آمدن مهاجران، از بین خواهد رفت و هر دشمنی که بدانجا حمله بیاورد پیروز خواهد شد. مردم خیلی دیر واقعیت آنچه را که خدا گفته بود، خواهند فهمید. **بستر کوتاه‌تر و لحاف تنگ‌تر است**، یعنی عهد بسته شده در حد تأمین تمایلات جسمانی

تنزل خواهد نمود. خداوند در داوورای برعلیه قومش، آنچنانکه قبلاً در مقابل دشمنان قومش برخاست، بر خواهد خاست - چنان مجازاتی که به نظر آنها عجیب خواهد بود. چون اگر خدا را استهزا کنند فقط بندهای خود را افزوده اند.

29\_23:28) آنچنانکه هربرت واندرل<sup>1</sup> می‌گوید، این نبوت حاکی از اینست که:

خدا با ارائه سه تصویر از کار یک برزگر، با مردمش سخن گفت، نخست اینکه یک برزگر همیشه زمین را شخم نمی‌زند، بلکه می‌ایستد تا زمان کاشتن فرا رسد. (آیه 24)، به همین ترتیب داوری ما به محض اینکه اهداف خداوند در زندگی ما تحقق یابد، به انجام می‌رسد. سپس نبی می‌گوید که برزگر دانه خود را با آگاهی می‌کارد، یعنی گشیز را در جای خود و گندم و ذرت را در جای خود می‌کارد (آیات 25 و 26). این مسئله به ما اطمینان می‌دهد که خداوند به دقت نظم متناسب با نیازهای خاص ما را انتخاب می‌کند. و سرانجام اشعیا کار سخت بوجاری محصول را به تصویر می‌کشد. برزگر با دقت بسیار گشیز و زیره را می‌تکاند و گندم را با خرمن کوب سنگین‌تری می‌کوبد، ولی آن را در زیر ارا به و بار اسب خرد نمی‌کند (آیات 27 و 28). بدین ترتیب خدای قادر و مطلق ملایم‌ترین راه ممکن را با توجه به شرایط ما به کار می‌گیرد و هرگز اجازه نخواهد داد بیشتر از آنچه که تحمل می‌کنیم، بر ما صدمه وارد آید.

## 2) وای براریئیل / اورشلیم (فصل 29)

4\_1:29) اریئیل شهر ممتازی در اورشلیم بود که مرکز حکومت داود بود. مردم آنجا احتمالاً مراسم مذهبی خود را هر ساله انجام می‌دادند، اما خدا آنها را به تنگی خواهد انداخت تا اینکه چیزی جز

1- Herbert Vanderlugt

اریئیل (آتش‌دان) باقی نماند. عبارت اریئیل دو معنی دارد، «شیر خدا» و «مذبح» (ر.ک حزقیال 15:43 و 16 که در آنجا اریئیل به «آتش‌دان» ترجمه شده است). شهری که روزگاری «شیر خدا» بود اینک تبدیل به «آتش‌دان» شده است و اهالی آنجا قربانیانی هستند که در آتش می‌سوزند.

8:29 (5-8) با این وجود خدا ناگهان وارد کار می‌شود و دشمنان مانند گرد نرم و کاه پراکنده می‌شوند. درست در آن هنگام که دشمنان فکر می‌کنند اورشليم را کاملاً شکست داده‌اند، شکست خواهند خورد و از خواب غفلت بیدار خواهند شد.

12:29 (9-12) مردم خود خواسته‌اند که کور باشند و خدا نیز آنها را کور کرده است و چون **مستان** تلوتلو می‌خورند و کلام خدا برای آنها نامفهوم است. کلام خدا برای عده‌ای **تومار مختوم** و برای عده‌ای بی‌معنی است. هرکس عذری دارد.

13:29 (و 14) نظر به اینکه مذهب آنها کاملاً ظاهری و تنها ترس آنها از خداوند اینست که احادیث انسانی را حفظ کنند، خدا نیز حکمت حکیمان و **فهم** فهیمان ایشان را از آنان خواهد گرفت. «عمل عجیب» در آیه 14 اشاره به هجوم سنحاریب است. دبلیو. ای واین می‌نویسد:

*حاکمان یهودا در پی کسب حمایت مصر بودند. جلب حمایت یک متحد یک عمل سیاسی است، ولی از نظر خدا چنین عملی عصیان محسوب می‌شد. از اینرو خدا سیاست آنها را خنثی و داوری را در حد شرایطی که کمکی به آنها نشود، تقلیل داد، باشد که تنها به خدا متوکل شوند.*

امروز «عمل عجیب» توسط انجیل به سامان می‌رسد (ر.ک اول قرن‌تیان 18:1-25).

15:29 (و 16) **وای** بر رهبرانی که در توطئه با مصر، مردم را فریب می‌دهند و می‌پندارند که خدا

آنها را نمی‌بیدند. آنها همه چیز را واژگونه می‌کنند و گل را به جای کوزه‌گر می‌گذارند و بالعکس، بدین ترتیب قدرت و دانش خدا را انکار می‌کنند.

(21-17:29) ولی روز رهایی وقتی می‌رسد که خدا همه چیز را دگرگون کند. آنچه که امروز جنگل وحشی (لویاتان) است مبدل به بوستان و آنچه که اینک بوستان است تبدیل به جنگلی وحشی خواهد شد. سپس کران خواهند شنید و کوران خواهند دید و حلیمان شادمانی خود را در خداوند مزید خواهند کرد. دشمنان و استهزاءکنندگان و همچنین بهانه جویان، کسانی که حقیقت را سبک می‌شمارند، نابود خواهند شد.

(24-22:29) آیات آخر این فصل به تشریح باقیمانده ایمانداران که در اینجا یعقوب نامیده می‌شوند پرداخته است. انسان دیگر خجل و سرافکننده نخواهند بود. فرزندان یعقوب خواهند فهمید که چگونه خداوند آنها را آمرزیده است و بدین جهت او را جلال خواهند داد. آنانی که گمراه و متمرّد بوده‌اند، تعلیم یافته و اصلاح خواهند شد.

### 3) وای بر متحدان مصر (فصول 30 و 31)

(7-1:30) پسران فتنه‌انگیز سیاستمداران یهودا هستند که با مصر برعلیه آشور متحد می‌شوند. از آنجا که هیچ گزارشی مبنی بر چنین اتحادی وجود ندارد، ما براین عقیده‌ایم که موردی مربوط به آینده است. یهودا خواهد آموخت که مصر ارزش آن را ندارد که به آن امیدوار بود.

کاروان‌های حامل پیدشکش‌های یهودا به مصر از مناطق خطرناک جنوبی عبور کرده و به مصر می‌روند، اما هرچند که فرستادگان یهودی تا صوعن و جانیس پیش می‌روند ولی نقشه آنها محکوم به شکست است.



خدا مصر را «رهب الجلوس» (هیولائی که بی‌سرو صدا نشسته است) نامیده است.

14\_8:30) فرزندان، به یاد داشته باشند که قرارداد با مصر و سایر قراردادهای نامناسب به منزله ترک **شریعت خداوند** از طریق انبیاء اوست. یهودا خواهد دید که مصر دیوار شکسته‌ای است و نمی‌توان بدان تکیه نمود. در واقع **دیوار بلند** شکافته شده و می‌ریزد و مانند ظرفی سفالین کاملاً خرد می‌شود به طوری‌که از **پاره‌های** آن هیچ استفاده‌ای نمی‌توان نمود.

17\_15:30) خداوند به یهودا گفته بود «نجات شما منوط به برگشت به سوی من و توکل به من است و **قوت شما** در اعتماد به من است نه گریز به مصر.» او جواب داد «**نی** بلکه به سوی دشمن **فرار می‌کنیم**.» پاسخ خداوند به اظهارات آنان اینست که «مسئله‌ای نیست، فرار خواهید کرد، اما فرار شما از ترس و نوعی عقب‌نشینی خواهد بود؛ شما توسط نیروهای انسانی **تعاقب** می‌شوید، و آنقدر می‌گریزید که چون **عَلَم برتلی** تنها و بی‌کس خواهید ایستاد.»

25\_18:30) اما هنوز هم **خداوند انتظار می‌کشد** تا رأفت نماید. خدا منتظر است تا سرنوشتی که خود انتخاب کرده‌ایم و نادانی انتخاب را به ما بیاموزد. وقتی که یهودا به سوی خداوند برگردد، خداوند معلم و راهنمای آنان خواهد بود - خداوند آنان را کامیاب و زمین‌هایشان را با **باران** حاصلخیز خواهد نمود. خداوند برای آنان شفا دهنده، صخره و مدافع خواهد بود. مردم خدا بت‌های خود را مانند یک شیئی نجس بیرون افکنده و فریاد خواهند زد «**دور شو**.»

33\_26:30) **روشنائی** شدید مذکور در آیه 16 را می‌توان سمبول جلال و عدالت دانست. قوم‌های بی‌خدا در غربال ویرانی الک خواهند شد. **آشور** توسط

خداوند زده خواهد شد و هر ضربه داوری با آوای موسیقی و سرود و هلهله شادمانی یهودا، دنبال خواهد شد. **آتش** فروزان **توفت** (جهنم) آماده است تا به **پادشاه** شیر خوش‌آمد بگوید.

31:1-3) خدا بر ضد کسانی است که برای کسب کمک به مصر رفته‌اند و برای پیروزی به اسبان اربه‌ها و سواران اعتماد کرده‌اند. او بر ضد **خاندان شیر** (یهودا) برخواهد خاست. کمک دهنده (مصر) لغزش خواهد خورد و کسی که از او کمک می‌طلبد (یهودا) شکست خواهد خورد.

31:4-9) خدا مانند **شیری** است که **گروه شبانان** (آشور) می‌کوشند او را فراری دهند. خداوند مانند **مرغان** بر فراز اورشلیم می‌چرخد و آماده است از آن دفاع کرده و شهر را **رستگار** نماید. وقتی **اسرائیل** به سوی خدا باز گردد بت‌های خویش را **ترک خواهد نمود**. آشوریان با دخالت مستقیم خداوند نابود خواهند شد. مرگ سنحاریب تحقق کامل این نبوت نیست، بلکه این نبوت در آینده و در دوران عذاب بزرگ تحقق خواهد یافت.

#### 4) حکومت پادشاه عادل (فصل 32)

32:1-8) پنج آیه اول این فصل راجع به پادشاهی هزار ساله مسیح می‌باشد. او **پادشاهی** است که به **انصاف حکمرانی** خواهد نمود. **سروران** احتمالاً دوازده حواری مسیح می‌باشند (ر.ک متی 28:19). این **مرد «مثل پناه‌گاهی و پوششی از طوفان خواهد بود.»** - این مرد همان عیسای خداوند است که سرپناهی برای ما تدارک دیده و ما را محافظت می‌کند و دیگر کوری روحانی انسان را زیان نخواهد رسانید و **گوش‌ها** دیگر برای شنیدن و اطاعت کلام، بسته نخواهند شد. کسانی که اینک طالب **معرفت** می‌باشند، آن را خواهند یافت و کسانی که **الکن**

هستند، بدون تعلل سخن خواهند گفت. افراد بی‌تفاوت و بی‌حس محترم نخواهند بود. آمدن مسیح انسان را در نور حقیقی قرار داده و مکنونات درونی او را فاش می‌سازد. ذات احمقان و شریران نیز بدین ترتیب فاش شده و براساس شرارت خود مجازات خواهند شد. افراد کریم و سخی نیز در معرض دید قرار گرفته و متبارک می‌شوند. آیات 6-8 بیانگر آن نوع زندگی است که اشعیا در زمانه خود می‌بیند و در آن زندگی می‌کند.

15\_9:32) ولی این ملکوت هنوز مستقر نشده است. زنان یهودا هنوز با تجمّل زندگی می‌کنند و راحت‌طلب و از خودراضی می‌باشند. به زودی طوفان داوری خواهد وزید و محصولات نابود و شهر خالی از سکنه و متروک خواهد شد. مصائب یهودا تا **ریخته شدن روح**، در زمان رجعت دوم مسیحا، ادامه خواهد یافت. سپس **بیابان‌ها** به **بوستان** و **بوستان‌ها** به **جنگل** تبدیل خواهند شد.

20-16:32) **انصاف و عدالت** اجتماعی در تمام جنبه‌های زندگی جاری خواهد شد و منجر به **سلامتی**، **آرامی**، ایمنی و اطمینان خواهد گردید. دشمن (**جنگل**) با اعلام داوری خدا سرنگون و **شهر** (مرکز آن) ویران خواهد شد. آن زمان دوران شادی خواهد بود، آنگاه که مردم می‌توانند در امنیت کامل بذر بکارند و **گاوها و الاغ‌ها** می‌توانند بدون هیچ خطری در دشت چرا کنند.

### 5) **وای بر غارتگر / آشور (فصل 33)**

6\_1:33) تباهی و خیانت آشور به او باز خواهد گشت (آیات 1 و 2) سپس مردم خدا از او تقاضای رهایی در هنگام مصیبت می‌نمایند. وقتی که خدا وارد عمل می‌شود صدائی رعدآسا قوم‌های بیگانه را فراری خواهد داد. و اینک نوبت یهودیان است تا

هجوم برده و اموال دشمن فراری را **غارت** نموده و آنها را مانند حمله **موران** به کلی بریابند. مسیح اینک بر تخت نشسته و **صهیون از انصاف و عدالت** پر شده است و مردم خدا با **خزائن** روحانی غنی شده اند.

(9\_7:33) این آیات اشاره به زمانی است که حزقیال **رسولان سلامتی** (فرستادگان پادشاه جهت ترک مخاصمه) را نزد سنحاریب فرستاد و سنحاریب او را ملزم به پرداخت سیصد وزنه نقره و سی وزنه طلا نمود (دوم پادشاهان 13:18-16). ولی حتی پرداخت این باج هم آشور را از حمله به یهودا باز نداشت. سنحاریب به یهودا حمله برد و آنجا را غارت کرد و شهری مخروبه را پشت سر گذاشت.

سفیران یهودا به خاطر شکست ماموریتشان به تلخی گریه می‌کنند. آشوریان با هجوم به یهودا قول خود را نقض کرده اند و شهر تبدیل به مخروبه ای متروک شده است.

(12\_10:33) در زمان مقرر **خداوند بر می‌خیزد** تا با دشمن مقابله نماید. او با طنزی قوی آشور را به زنی تعبیر می‌کند که از **گاه حامله شده** و **خس می‌زاید**. به کلامی دیگر شرمندگی او بیهوده است. خداوند همان خشمی را که بر دیگران وارد آورد بر او وارد خواهد ساخت و او را به کلی نابود خواهد نمود. **آهک** و **خارها** اشاره به داوری کامل است.

(16\_13:33) **ای** اخطاری به امتهای خدا ناشناس: **ای شما که دور هستید** و به یهودیان صهیون: **ای شما که نزدیک می‌باشید**. تنها کسانی از آتش خشم خدا و شعله‌های داوری او مصون می‌باشند که در **صداقت سلوک** نمایند و خود را از هر گونه شرارتی دور نگه دارند.

(17:33) **آنگاه باقیمانده ایماندار در امنیت و رضایت کامل پادشاه را در زیبایش خواهند دید و**

### زمین بی‌پایان را خواهند نگریست.

الف. جی گوردون این آیه را به صورت یک سرود تنظیم کرده است:

من پادشاه را در زیبائیش خواهم دید،  
 در سرزمینی بسیار دوردست،  
 وقتی که سیاهی‌ها رخت بر بسته،  
 و تاریکی‌ها به روشنائی روز بدل شده باشند.  
 من او را در شکوهش خواهم دید.  
 آن بزه‌ای که زمانی ذبح شده بود:  
 آه چگونه می‌توانم بازتاب دهم آن ایثار را  
 جز اینکه بگویم،  
 هللویا، هللویا  
 هللویا بر بره‌ای که زمانی قربانی شد،  
 هللویا، هللویا  
 هللویا، آمین

18:33 و 19) آن لحظه **خوف** وقتی که آشور طلاها را برای گرفتن **خراج** وزن می‌کرد، وقتی که جاسوسانش **برج‌های** شهر را می‌شمردند تا بر آنها حمله کنند، وقتی که یهودیان زبان بیگانه آشوریان را در سرزمین خود شنیدند، دیگر گذشته است و چیزی از آنها به یاد نخواهد ماند.

20:33-22) در **صهیون** هزاره سلطنت مسیح، این **جشن مقدس** بار دیگر مورد توجه خدا قرار خواهد گرفت. شهر چون خیمه‌ای خواهد شد که میخ‌هایش در امنیت بر زمین کوبیده و همیشه پایدار خواهد ماند. خداوند برای صهیون همه چیز خواهد بود. خداوند برای صهیون، جویبار، حافظ، تازه‌کننده و زیبائی خواهد بود و هیچگاه دیگر **کشتی** یا **سفینه بزرگ** دشمن بر آن نخواهد گذشت، چونکه **خداوند** در آنجاست.

23:33 و 24) مفسرین در تفسیر آیه 23 و اینکه آیا اشاره آن اورشلیم و یا دشمنان اورشلیم می‌باشد، توافق نظر ندارند. اگر اشاره این آیه

به دشمنان صهیون باشد، پس نشانه‌ای از سرنوشت هر کشتی‌ای است که احتمالاً به شهر حمله کند. ولی اگر اشاره‌اش به اورشلیم و ضعف و ناتوانی مردم باشد، خواه ناتوانی از گشودن باد بان باشد و خواه ناتوانی در کوبیدن میخ چادر، آنگاه مورد حمله و غارت قرار می‌گیرد.

در آن ملکوت پرشکوه لنگان نیز نصیبی از غنیمت خواهند برد. بیماران شفا خواهند یافت و گناه قوم، آمرزیده خواهد شد.

### (6) وای بر تمامی قوم (فصل 34)

34:1-4) در فصل 34 ما شاهد غضب خدا بر تمامی قوم‌ها به طور عام و بر ادوم به طور خاص می‌باشیم. ادوم ممکن است نماد سایر قوم‌ها باشد. وقتی که یهو امت‌ها و اقوام بیگانه را داوری می‌کند، هوا پر از بوی تعفن لاشه‌های تجزیه شده و کوه‌ها از باده خون گداخته می‌شود. حتی نظم آسمان پرستاره نیز در آن روز پاشیده خواهد شود.

34:5-7) شمشیر خداوند سیراب از خون بره‌ها، بزها و قوچ‌ها (مردم معمولی)، گاوان وحشی، گوساله‌ها و گاوان نر (نجبا و رهبران) بر ادوم نازل خواهد شد.

8:34) اینک روز انتقام خداوند:

*کلمه «انتقام» اهمیت خطیری دارد و آن مفهومی را که در عرف ما مطرح است نمی‌رساند. این کلمه اشاره به عمل خدا در اجرای حکمی است که چون یک قاضی عادلانه اجرا می‌کند (یادداشت‌های روزانه Scriptnre Union).*

34:9-17) این بخش شامل سرنوشت ادوم است و آن عبارتست از جهنمی سوزان با آتش خاموش نشدنی و ویرانه‌ای با پرنندگان مرموز بر فراز آن و جانوران وحشی در میان آن.

خدا باز نخواهد ایستاد تا اینکه آنجا را کاملاً تغییر شکل داده و ویران نماید.

در آنجا هرچند حکومت هست، ولی پادشاه و امیرانی شایسته نخواهند بود و ویرانه‌های آن پوشیده از خار و خس و مسکن جانوران عجیب و هیولاها خواهد شد.

هر مخلوق خارق‌العاده‌ای **رفیقی** خواهد داشت و همه در آنجا تکثیر خواهند شد و خدا ویرانه‌ها را به آنها می‌دهد تا آنجا را **نسلاً بعد از نسل**، **متصرف** شوند.

### (7) جلال ملکوت آینده (فصل 35)

7:35-1) به علت نابودی اقوام عاصی و گردنکش، ملکوت پرشکوه خداوند و نجات‌دهنده‌ی ما عیسی مسیح، شروع می‌شود. ویژگی‌های این دوران عبارتند از حاصلخیز شدن هرچه بیشتر مزارع و حضور خداوند در **جلال** و **زیبائی** تمام. مقدسین خدا همگی دلگرم در حضور خدا خواهند بود و هر نوع ناتوانی از بین خواهد رفت و تبدیل شدن بیابان به مزارع پربر و حاصلخیز با شادی عظیمی جشن گرفته خواهد شد.

8:35-10) راه‌های دشوار بیابان به جهت بازگشت اسرا به اورشلیم تبدیل به طریق (**شاهراه**) و در انحصار مردم نجات‌یافته خواهد بود. **بازگشت** اسرائیل از اسارت و آوارگی جهانی در **خوشی** و **شادمانی** جاودانی در خانه پدر، آنگاه که عیسی باز می‌گردد، توأم خواهد بود.

در بعضی از ترجمه‌های کتاب مقدس، عنوان مختصری بر بالای صفحات رساله اشعیا نوشته شده است: «مبارک باد کلیسا» و «لعنت بر اسرائیل». در واقع تقریباً تمام این پیشگوئی‌ها مستقیماً اسرائیل را نشانه رفته‌اند - خواه برای اسرائیل

طلب برکت شده باشد و خواه لعنت و کلیسا بعد از آن می‌آید. جنینگ به تقبیح برخوردار غیرمذصفانه بسیاری از مسیحیان با اسرائیل پرداخته است:

*توجه ما فقط معطوف به وعده برکات عهد عتیق است و غافل هستیم از یهودیان بینوا، و این خطای بزرگی است! ولی با این وجود در این تضاد عنصری از حقیقت نهفته است چونکه «تمام وعده‌های خدا در عیسی مسیح بلی و آمین است.» این خطا ناشی از این تصور است که خدا دیگر کاری با اسرائیل ندارد و این مواعید در گرم کننده فقط برای مسیحیان است نه برای اسرائیل به عنوان یک قوم! خدا را سپاس باد که هر نوع برکات روحانی و مادی بر اساس عهد جدید و فیض شامل یهودیان نیز می‌شود.*

این بخش نافی این وعده که مستقیماً و قبل از بنیاد کلیسای خدا به اسرائیل داده شد، مبنی بر اینست که با مسیح‌پسند، یعنی عیسی یکی می‌شود، نخواهد بود.

## II- تحوّل تاریخی: کتاب حزقییا (فصول

36-39)

### الف) نجات یافتن حزقییا از دست آشور

(فصول 36-37)

#### 1) آشور خدا را به مبارزه می‌طلبد (فصل 36)

36:1-3) در فصل سی و ششم ربشاقی (عنوانی برای ساقی است ولی در اینجا به عنوان فرماندار و یا فرمانده سپاه استفاده شده است) یکی از فرستادگان پادشاه آشور با سه نماینده از سوی حزقییا نزد قنات برکه فوقانی به راه مزرعه گازر ملاقات می‌کند. این همان محلی است که آحاز در آنجا ایستاده و منتظر کمک از سوی آشور بود و نه



یهوه تا از اتحاد آدوم و افرایم نجات یا بد  
(3:7).

10\_4:36) **ربشاقی** به آنها می‌گوید که **اعتماد**  
آنان بر **مصر** احمقانه است چون هر کس به او **تکیه**  
کند، **مجروح** می‌شود. هرچند آنها ادعا می‌کردند به  
یهوه اعتماد دارند، ولی **حزقیایا مکان‌های بلند** و  
**مذبح‌های یهوه را برداشته** بود. چنین اقدامی غفلت  
عمدی محسوب می‌شد. **حزقیایا مکان‌های بلند** بتپرستی  
را برداشته بود، اما پرستش یهوه را در معبد  
تقویت می‌کرد. سپس **ربشاقی** با طعنه به فرستادگان  
**حزقیایا** گفت اگر **سنحاریب دو هزار اسب** به پادشاه  
یهودا بدهد، او قادر به تأمین **سواران** کافی برای  
اسبها نیست. حال که یهودا آنقدر از نظر مردان  
جنگی در اقلیت است، چگونه می‌تواند امیدوار باشد  
که حتی با کمک مصر هم شده، آشور را شکست دهد؟ و  
سرانجام اینکه او به دروغ مدعی می‌شود که **خداوند**  
به آشور فرمان داده است که یهودا را **ویران** کند.

20\_11:36) فرستادگان **حزقیایا** ترسیدند که اگر  
**ربشاقی** به زبان عبری صحبت کند ممکن است روحیه  
مردان یهودا را تضعیف کند، بنابراین از او  
تقاضا کردند به **زبان آرامی** سخن بگویند. او نه  
تنها تقاضای آنها را نپذیرفت بلکه با صدای **بلند**  
**حزقیایال** را متهم کرد که به مردم وعده دروغ امنیّت  
می‌دهد. او به مردان یهودا وعده می‌دهد اگر مطیع  
او باشند، غذای فراوان و مزارع پر بار و حاصلخیز  
خواهند داشت. سپس **ربشاقی** به تسخیر شهرهایی (از  
جمله سامره) اشاره می‌کند که **خدایان** آنها  
نتوانسته‌اند آنها را از حمله نیروی عظیم آشور،  
محافظت نمایند، پس دیگر چه شانس برای **اورشلیم**  
باقی مانده است. سپس مغروران اعلام می‌دارد که  
مردم باید تسلیم آشور شوند.

22\_21:36) فرستادگان **حزقیایا** آنچنانکه **پادشاه**

امر فرموده بود پاسخی به ربشاقی ندادند، اما گزارش واقعه را به اطلاع شاه رسانیدند.

## 2) خداوند آشور را نابود می‌کند (فصل 37)

37:1-4) چون حزقیال پادشاه آنچه را که ربشاقی گفته بود شنید، بسیار اندوهگین شده و به معبد رفت و از آنجا فرستادگانی نزد اشعیا گسیل داشت و گفت **پسران به فم رحم رسیده‌اند و قوت زائیدن نیست.** آنچنانکه جی آر آلکساندر می‌گوید این تشبیه حاکی از «درد شدید و خطر قریبالوقوع، فوریتی حیاتی، ضعف شدید و کاملاً محتاج کمک دیگران شدن است.» حزقیال در ترسی که بر ایمانش سبقت بسته بود به ربشاقی می‌گوید ممکن است خدا **سخنان** طعنه‌آمیز اخیر او را شنیده و او را **توبیخ** نماید.

37:5-7) خداوند از طریق اشعیا به حزقیال اطمینان داد که دلیلی برای ترسیدن او از پادشاه آشور وجود ندارد، چونکه او **روحی** بر سنحاریب خواهد فرستاد (شاید روح درک و فهم) تا بدان وسیله **خبری** شنیده و به **ولایت خود خواهد برگشت** و در آنجا کشته خواهد شد.

37:8-13) وقتی که **ربشاقی** اورشلیم را ترک کرد تا نزد سنحاریب برود، مشاهده کرد که سنحاریب از **لاکیش** تغییر جهت داده و در ده مایلی شمال غربی به جنگ با **لبنه** رفته است. البته بخشی از سپاه او اورشلیم را در محاصره داشتند. سپس پادشاه آشور **خبری** می‌شنود مبنی بر اینکه **ترهاقه** پادشاه کوش (اتیوپی) در مصر قصد حمله به او را دارد. سنحاریب باز **ایلچیان**ی نزد **حزقیال** فرستاد و مکتوبی با همان لحن کفرآمیز و طعنه‌آمیز که قبلاً ربشاقی بر زبان آورده بود، برای حزقیال فرستاد و ضمن برشمردن فتوحات تاریخی پادشاهان آشور به

تکرار سخنان ربشاقی پرداخته و گفت اعتماد او به یهوه احمقانه است.

20\_14:37) **حزقیا مکتوب سنحاریب** را به معبد برد و آن را به **حضور خداوند** گسترده و در دعائی مختصر و مفید که حاکی از ایمان بزرگ پادشاه بود از خدا تقاضا نمود تا **یهودا** را از دست پادشاه **آشور** نجات دهد تا «**جميع ممالک جهان بدانند که [او] تنها یهوه است.**»

29\_21:37) یهوه از طریق اشعیا در یک بیان شعرگونه نخست اورشلیم را به عنوان **باکره** به تصویرکشیده و سپس می‌گوید که سنحاریب موفق نخواهد شد بر **باکره دختر صهیون** دست اندازد و شکست خواهد خورد. یهوه، آشور را به خاطر **اهانت** به خودش و بالیدن بر فتوحات پیشینش در یهودا و مصر، به باد تمسخر می‌گیرد و می‌گوید، تمام این فتوحات که به دست آشور انجام گرفته است تقدیری است که از ازل ترتیب داده است. خدا به سنحاریب می‌گوید که او فقط ابزاری در دست یهوه است و آنچه را که خدا از قدیم طراحی کرده است، انجام می‌دهد. همان خدائی که همه چیز را درباره این پادشاه شریر می‌داند، او را مانند حیوانی که مهار به بینی او گذاشته باشند، به **آشور** باز می‌گرداند.

32\_30:37) سپس خداوند به حزقیا اطمینان می‌دهد که طی سه سال که یهودا در محاصره آشور است، می‌توانند محصولات غذایی کافی برای خوردن داشته باشند و یهوه **اورشلیم** را نگه خواهد داشت و در پایان سال سوم جریان عادی زندگی را از سر می‌گیرند، چون **غیرت یهوه صبایوت** نسبت به مردمش، این امر را تضمین می‌کند.

35\_33:37) خداوند به حزقیا اطمینان می‌دهد که **پادشاه آشور** وارد **اورشلیم** نخواهد شد و حتی

نخواهد توانست آنقدر نزدیک شود که بدان شهر حمله کند، چون خدا این شهر را حمایت کرده است و نیروی مهاجم را به راهی که آمده است بازخواهد گردانید.

36:37) و چنین نیز شد. فرشته خداوند صد و هشتاد و پنج هزار نفر از اردوی آشور را در طی یک شب زد.

یکی از بزرگترین شعرها در زبان انگلیسی که سروده شده در سال 1815 می‌باشد، این واقعه را به تصویر کشیده است. از آنجا که بسیاری از خوانندگان به این سروده در زبان اصلی‌اش دسترسی ندارند، به نقل آن با ترجمه‌ای جدید می‌پردازیم:

#### «هلاکت سنجاریب»

آشوریان مانند گرگ وارد آغل شدند،  
و چشمان حریصان در پی جامه ارغوانی و طلا است؛  
و نیزه‌هایشان چون انعکاس ستاره در آب می‌درخشند،  
وقتی که امواج آبی شبانه بر جلیل می‌پیچد.  
مانند برگ درختان، در تابستان سبز می‌باشند.  
وقتی که لشگرها با بیرق‌هایشان در غروب آفتاب دیده می‌شوند.

مانند برگ درختان، در خزان زرد می‌باشند.  
آن لشگر در فردای حمله‌اش خشک و نابود خواهد شد.  
چونکه فرشته مرگ بالهای خود را بر او می‌گستراند.  
و بر صورت دشمن چون گذشته می‌وزد.  
و چشمان خوابیدگان در مرگ و سرما باز می‌شود.  
و دل‌هایشان در سنگینی رشد می‌کند.  
و آنجا توسنی است با منخزین گشاده  
ولی تنفس او حاکی از غرور نیست.  
و کف‌های سفید دهانش بر چمن می‌باشد.  
و چون موج صخره‌ها یخ می‌بندد  
و سواری آشفته حال و نزار  
با شب‌نم‌هایی که برابریش و غباری که بر زره‌اش شسته  
است.

و خیمه‌ها خاموشند و پرچم‌ها فرو افتاده.  
و نیزه و شمشیرها غلاف شده‌اند و شیپورها نواخته

نمی‌شوند.

و پنجره‌های آشور پر از شیون و زاری است.  
و بتها در معبد بعل ویران شده‌اند.  
و قوت آنها با شمشیر درهم شکسته می‌شود.  
و چون برف در پرتو جلال خدا ذوب می‌شوند.

جورج گوردون، لرد بابرون (1788-1824)

37:37 و 38) سنحاریب به نینوا بازگشت تا به دست پسرانش ادر ملک و شراصر، هنگامی که در بت خانه‌اش، عبادت می‌کرد، کشته شود.

### (ب) بیماری و شفای حزقیا (فصل 38)

38:1-8) فصل سی و هشتم از نظر تاریخی دنباله فصل سی و هفتم نیست، چونکه در آیه ششم خداوند به حزقیا قول رهایی از آشور را می‌دهد، در حالی که در پایان فصل سی و هفتم خطر آشور تمام شده است.

وقتی که **حزقیا** به شدت بیمار می‌شود، به حضور خدا برای شفا استغاثه می‌کند و **خدای پدرش داود**، **پانزده سال** به عمر او می‌افزاید و علامتی برای تضمین این وعده و نابودی سنحاریب به او می‌دهد. و آن علامت اینست که **سایه درجاتی که از آفتاب بر ساعت آفتابی آحاز [افتاده است] ده درجه به عقب بر می‌گردد**. مفهوم عبری آیه هشتم مشکل است، ولی احتمالاً به نظر می‌رسد که آحاز ستونی برپا کرده بود تا زمان را مشخص کند و خدا به طور اعجازآمیزی آن درجه را در مقابل چشمان حزقیا ده درجه تغییر داد.

38:9-15) حزقیا به شکرانه بازیافتن سلامتی‌اش شعری سرود که در بخش‌های تاریخی کتاب مقدس منحصر به فرد است و این شعر با اندوهی که در هنگام شنیدن خبر مرگش در **فیروزی انجام** جوانیش شنید، او را فرا گرفت، شروع می‌شود: **آه که دیگر خداوند را مشاهده نمی‌کنم و این مبین زیبایی خداست، آه که**

دیگر انسان را نخواهم دید. حیات او مانند خیمه شبانان برچیده و چون پارچه آماده شده، در هم می‌پیچد. او به تشریح احساس خود از مرگ و تلخی جان، تضرع و استغاثه و بی‌پناهی خود در مقابل ضربه خدا می‌پردازد.

20\_16:38 ولی ناگهان در آیه 16 تحولی ایجاد می‌شود. حزقیایا می‌گوید که با این مصیبت‌ها، **مردمان زیست می‌کنند** و همین مصیبت‌هاست که اثر نیکویی بر شخصیت انسان می‌گذارند. اینک خداوند او را از مرگ می‌رهاند، و به حزقیایا می‌گوید که گناهانش را بخشوده است. آیه 18 بازتاب دیدگاه کتاب مقدس نسبت به حالت غیرجسمانی مقدسین عهد عتیق است. اینک حزقیایا به خاطر اینکه زنده مانده است از خدا تشکر میکند و به پسران خود امین بودن خداوند را می‌آموزد و تصمیم می‌گیرد در **تمام روزهای عمر خود** یهوه را بستاید.

21:38 و 22) این دو آیه از نظر تاریخی در بین آیات 6 و 7 قرار دارد. کلی با تنظیم این آیات می‌نویسد: «خداوند علاقه خود را به مردم خود نشان می‌دهد، مهم نیست که چقدر ضعیف و ناتوان هستند.»

*1- نشانه‌هایی که خدا می‌دهد تضمینی است بر تحقق وعده‌هایش و دلگرمی‌دادن به کسانی که به آنها وعده می‌دهد. تحقق وعده مستلزم عملی از سوی کسی است که وعده را می‌گیرد. حزقیایا اطمینان دارد که شفا می‌یابد، اما برای اینکه شفا یا بد لازم است دانه‌ای انجیر بر زخمش بگذارد (آیه 21). وقتی ما به حضور خدا دعا و تقاضای کمک می‌کنیم، سهم خود را در تحقق وعده خود انجام نمی‌دهیم، و درواقع این نوعی امتحان نمودن خداست و نه توکل به خدا.*

*2- دیگر اینکه تعهد عمده‌ای که ما باید در یک زندگی سالم و دلخواه در نظر داشته باشیم اینست که بتوانیم خدا را جلال دهیم و اعمال*

نیکو انجام دهیم و فهم و معرفت و فیض خود را  
بیفزائیم و آماده برای رفتن به آسمان شویم.

### ج) گناه حزقیا (فصل 39)

39:1-7) فصل 39 کتاب اشعیا حاوی گزارشی از  
اشتباه بزرگ حزقیا مبنی بر اعتماد نمودنش به  
ایلچیان است که از سوی پادشاه بابل برای تبریک  
گفتن به او مبنی بر شفا یافتنش، نزد او آمدند.  
حزقیا احتمالاً به این امید بود که بابلیان یهودا  
را در مقابل تهدید آشور حمایت می‌کنند. وقتی  
اشعیا جریان ماجرا را شنید، آنگاه داوری خدا را  
علام کرد و گفت خداوند می‌گوید یهودا توسط  
بابلیان به اسارت خواهد رفت و پسران پادشاه در  
قصر پادشاه بابل، خواجه سرا خواهند شد. این  
پیدشگویی هفتاد سال بعد، وقتی که آشور و نه  
بابل، تهدید عمده برای یهودا بود، تحقق یافت.  
39:8) پاسخ حزقیا به سخنان اشعیا این بود که  
«کلام خداوند که گفتنی نیکوست» و این سخن بازتاب  
تابعیت و اعتمادش به این مورد بود که او شخصاً  
در این ماجرا صدمه‌ای نخواهد دید.

### III- نبوت‌های تسلی‌بخش راجع به اسارت

#### آینده (فصول 40-66)

اگر 39 فصل پیشین این کتاب به عهد عتیق مربوط  
است، بیست و هفت فصل بعد این کتاب سرشار از  
تساویر عیسی مسیح و مرتبط با عهد جدید می‌باشد.  
در این بخش از کتاب اشعیا (فصول 40-66)، نگاه  
اشعیا متوجه آینده یهودا در اسارت بابل و سپس  
آینده تمامی قوم‌ها در رجعت دوم مسیح است.

#### الف) تسلائی به اسرائیل در مورد نجات

#### دهنده‌ای که خواهد آمد (فصول 40-48)

## 1) تسلی خدا مبنی بر آموزش و صلح (11:40-1)

1:40 و 2) فصل چهلیم با پیغام تسلی بخش برگشت قوم از اسارت و رفع مشکلات اورشلیم شروع می‌شود مبنی بر اینکه گناه وی (اورشلیم) آمرزیده و برای تمامی گناهانش، دو چندان از خدا می‌یابد. تحقق کامل این پیشگوئی هاموکول به رجعت دوم عیسی مسیح است. در این روزگار جهان وحتى کلیسا شدیداً نیازمند تسلی است. هریک از ما می‌توانیم سهم خود را در تسلی مردم خدا، انجام دهیم.

از خداوند، توانائی طلب کن  
از خداوند قدرت تسلی بخشیدن بطلب  
باشد که تو نیز از تسلی دهندگان باشی  
جدا شده،

برگزیده شده برای محبت به خلق خدا  
چون بار همگان سنگین است  
و هر دلی مملو از بار اندوه خود می‌باشد  
و دلگرمی نیاز بزرگ دوران است  
تسلی، مسیح گونه.

### الف. ای هامیلیتون

5:3-40) یحیی تعمیددهنده با دعوت خدا مبنی بر اینکه «راه خداوند را مهیا سازید» نقش پیشگام مسیح را در اولین رجعتش کاملاً ایفا نمود (متی 3:3)، اما ایلیا (الیاس) نقش پیشگامی مسیح را در رجعت دومش به عهده خواهد داشت (ملاکی 5:4 و 6). آماده نمودن راه برای آمدن مسیح یک آمادگی اخلاقی و روحانی است و نه عملی مهندسی و هموارسازی راه. مورگان نوشته است:

ایمانداران جهان آنگاه که خود را به مسیح تسلیم می‌کنند و نسبت به او کاملاً وفادار می‌مانند و به او اعتماد دارند، درواقع تعمیرکننده و مستحکم‌کننده راه آمدن مسیح می‌باشند.



کوهها و تپه‌ها نماد انسانهای سرکش و مغرور و دره‌ها نماد انسانهای عادی است. تمامی ناهمواری‌ها و ناهنجاری‌های ذاتی می‌بایست هموار گردد و جلال خداوند مکشوف گردد، به طوری که تمامی بشریت آن جلال را مشاهده کند (ر.ک مکاشفه 7:1).

8\_6:40) خداوند نبی را هدایت می‌کند که به انسان «ندا کن!» و به او بگو که چقدر فانی است و کلام خدا چقدر ماندنی است. در حالی که این آیات بیانگر ناپایداری تمام انسانهاست، احتمالاً سروران اسرائیل را مدنظر دارد.

عبارت «کلام خدای ما تا ابدالابد استوار خواهد ماند»، به عنوان شعاری برای تعدادی از مکتب‌های مسیحی مخصوصاً در ترجمه لاتینی‌اش «*Verbum Deimanet In aeternam*» پایدار مانده است. ویلیام کلی نوشته است که:

هر چه که به پایان نزدیک می‌شویم، نیاز شدیدی به آسودن در کلام خدا حس می‌کنیم. ممکن است با توجه به آنچه که هستیم، این اقدام مشکلاتی داشته باشد، چون کلام خدا در انتقال اعتماد به ابدیت، ظاهراً ناتوان است، ولی در واقع کلام خدا مستحکم‌تر از آسمان و زمین است.

11\_9:40) آیات 10 و 11 نشان‌دهنده جدیت و نیکویی خداست - جدی بودن نسبت به کسانی است که از شناختن او خودداری می‌کنند، اما نیکوئی او متوجه گله و برّه‌های خودش می‌باشد که در میان قوم‌ها پراکنده شده‌اند. این آیات آمدن قدرتمند و مجلل او را به تصویر می‌کشند.

2) تسلای خدا مبنی بر دخالت خودش در امور

(31\_12:40)

12:40) این آیه هم یک گزارش قدیمی از عظمت خدا

در مقایسه با بطالت مطلق بت‌هاست. یهوه آب‌های دریا را به کف دست خود پیموده و افلاک را با وجب اندازه کرده و غبار زمین را سنجیده کوه‌ها را وزن نموده است.

13:40 و 14) هیچ کس تاکنون روح خدا را هدایت نکرده است. تمام کارهای خدا در خلقت و تقدیر بدون هیچ کمک خارجی صورت گرفته است.

15:40-17) **امت‌ها** از نظر خداوند چون **قطره دلو** می‌باشند. تمام چوب‌های جنگل‌های **لبنان** و همه **حیوانات** برای یک **قربانی سوختنی** شایسته برای او، کفایت نمی‌کنند.

18:40-26) کدام **شبه** خدا را که انسان ساخته است می‌توان با عظمت خدا مقایسه نمود؟ ثروتمندان بت‌های خود را با فلزات گرانبها و فقیران با چوب می‌سازند. آیا آنها چیزی از قدرت و ماهیت خدا **نشنیده‌اند و ندانسته‌اند**؟ کدام بت می‌تواند بر عظمت کسی که ستارگان را آفریده است، سبقت جوید؟ وقتی خدا ستارگان را فرامی‌خواند تا در شب بیرون آیند، هیچ یک از آنها **گم نخواهند شد**.

27:40-31) اگر هر کسی از اهالی یهودا هنوز نسبت به حفاظت خدا از خودش شک دارد، بگذار بدانند **آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت**. تصور اینکه خدا ستارگانی را که آفریده است و به طریق خطانا پذیری نظم بخشیده است، بیشتر از انسان محافظت می‌کند، تصوری به خطا است.

### (3) تسلی خدا راجع به مددکار اسرائیل (فصل

(41

1:41) خدا تمامی قوم‌ها را به رویارویی با خود فرامی‌خواند، آنها باید **قوت تازه** بیابند، یعنی قوی‌ترین ادله خود را عرضه بدارند.

4:21) نخست یهوه به تشریح دعوت خود از کورش شخصی که از **مشرق برانگیخته** شده می‌پردازد. زمان گذشته برای تشریح قطعیت آنچه که در آینده واقع می‌شود، به کار رفته است. در اینجا باید یادآوری نمود که بعضی از مفسرین بر این باورند که آیه دوم و سوم، دعوت از ابراهیم است، ولی فتوحات نظامی فرد مذکور در این آیات بسی فرا تر از پیشرفت‌های ابراهیم است. این مرد (کورش پادشاه پارس) فتوحات بی‌شماری در پرونده خود دارد. ایستادگی در مقابل نیروی عظیم او، چون مقاومت **غبار و گاه** در مقابل باد بود. او برق آسا به مکان‌های تازه حمله می‌برد. **کیدست که** کورش را برانگیخت و امتی را به امت دیگر تسلیم نمود؟ او کسی نیست جز یهوه - **اول و با آخرین** است، یعنی که با آخرین نسل، او هنوز همان است.

5:41) قوم‌ها از شنیدن آمدن مرد فاتح دچار وحشت می‌شوند. مردم می‌کوشند یکدیگر را دلداری دهند که عدلی برای ترس وجود ندارد. سپس شبانان بتی می‌تراشند تا آنها را از هلاکت نجات دهد.

8:41-10) آیات 8 تا 20 بیان‌کننده محبت ذاتی خداوند و حفاظت او از قومش می‌باشند. سؤالی که مطرح می‌شود اینست که: «آیا بت‌ها هرگز تاکنون چنین از شما محافظت کرده‌اند؟» خدا آنها را از اور کلدیه فراخواند تا **بنده** او باشند و آنها از حضور خدا، رابطه خدا، کمک خدا و قدرت حمایت‌کننده خدا، مطمئن شوند.

«مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشو زیرا که من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.»

این یکی از دوست داشتن‌ترین آیات صحیفه اشعیا نبی می‌باشد.

16\_11:41) دشمنانشان رسوا و **هلاک** خواهند شد. خدا یاور آنهاست و آنها را **نصرت** خواهد داد. خداوند از اسرائیل به عنوان خرمن کوب خود بر علیه ملت ها استفاده خواهد نمود و اسرائیل از خداوند **شادمان** خواهد بود.

20\_17:41) **فقیران و مسکینان** توسط خداوند حمایت خواهند شد. زمین در دوران هزاره ملکوت پر آب و **وادیها** پرگندم و درختان گوناگون خواهند شد. و این درسی خواهد بود برای تمام کسانی که خدا آنها را حفاظت می کند.

24\_21:41) در آیه 21 خداوند به دعوی خود با قوم ها بازمی گردد و از آنها می خواهد بت هایی بتراشند که بتوانند **چیزهایی آینده** را پیشبینی کنند، یا حتی آنچه را که واقع می شود را بیان کنند: **بیائید و نبوت کنید!** بیائید **نیکوئی** و حتی **بدی** کنید - هر کاری که نشان دهد واقعاً چیزی می توانید انجام دهید! ولی آنها نمی توانند، آنها **ناچیز** هستند و **عمل** آنها **هیچ** است.

28\_25:41) در آیه 25 مجدداً شاهد ورود کورش به صحنه هستیم ولی این بار در قالب کسی که از **شمال** می آید. او قاعدتاً از شرق، پارس (شرق - آیه دوم) آمد، سپس ماد (در شمال) را تسخیر کرد و از آنجا فتوحات دیگر خود را شروع کرد. کورش به نام خداوند اشاره کرد و به این ترتیب اعلام نمود که خدا تنها کسی است که او را هدایت کرده و تقویت نموده است (عزرا 1:2). هیچ بتی تا آن زمان آمدن کورش را پیشگوئی نکرده بود. بلکه این خدا بود که آمدن او را در جهت پیشرفت قومش پیشگوئی نمود. بت ها همگی فریبنده و غیرقابل اعتماد می باشند.

29:41) آخرین آیه فصل 41 تضاد بین خدا و «**بت های ریخته شده**» را به روشنی بیان می کند. و این آیه

را چنین تفسیر می‌کند:

به همه بت‌ها نگاه کن! همه باطل هستند، حاصل  
عمل آنها هیچ است. باد و بطالت حاصل کار این  
بت‌های ریخته شده است.

#### 4) تسلی خدا به خادمان خداوند (فصل 42)

4:42-1) عبارت «بنده» توسط اشعیا نبی به مسیحا و تمامی قوم اسرائیل و باقیمانده خداپرست قوم (10:43) و کورش، اطلاق شده است. معمولاً مفاد یک بخش مشخص می‌کند که چه کسی مورد نظر است. در آیات 4-1 به روشنی بنده مورد نظر عیسی خداوند است - که حمایت شده و برگزیده شده توسط خدا و برانگیخته شده توسط روح القدس است.

او انصاف را برای امت‌ها صادر می‌سازد. او هیاوگر نیست، توبه‌کنندگان را خُرد نخواهد نمود و پرتو کم‌رنگ ایمان را خاموش نخواهد ساخت. او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد. مراد از انصاف ملکوت عادلانه اوست.

42:5-9) خداوند خالق، قادر مطلق، اینک مسیحا را مخاطب ساخته و می‌گوید از طریق این شخصی که او را به عدالت خوانده است قصد دارد چه اهدافی را تکمیل نماید.

خدا جلال خود را به کس دیگری نخواهد داد و ستایشی را که مختص اوست، به بت‌ها نخواهد داد. پیشگویی خدا اینک واقع شد. و حال او بار دیگر آینده را نشان می‌دهد.

42:10-13) بنی اسرائیل پراکنده در میان دورترین قوم‌ها فراخوانده می‌شوند تا بار دیگر با هم جمع شده و مسیحا را که مانند مرد جنگلی و جبار می‌آید تا انتقام خدا را از دشمنانش بستاند، تکریم نمایند. قوم‌های قیدار و سالع (اعراب) نیز

در این سرود نو شرکت خواهند داشت.  
 (17:42-14) در این آیات یهوه صحبت می‌کند. زمان خودداری او سپری شده است، اینک خشم خود را بر دشمنانش جاری می‌سازد و به بازماندگان ایماندار اسرائیل رأفت می‌کند و تمام بتپرستان را شرمزده خواهد نمود.

(22:42-18) عبارت «بنده» در آیه 19 دیگر اشاره به مسیحا نیست بلکه مراد اسرائیل است که نسبت به اعمال یهوه، کور و کر شده است.

آیه 19، «کیست که مثل بنده من کور باشد و کیست که کر باشد مثل رسول من که می‌فرستم؟ کیست که کور باشد، مثل مسلم من و کور مانند بنده خداوند» را می‌توان به طریق زیر نیز ترجمه نمود:  
 «آیا کسی از بنده من اسرائیل، کورتر و کسی از برگزیده من کورتر می‌باشد؟» (ترجمه جدید کتاب مقدس).

اسرائیل وارد عهد ارتباط با خداوند شده بود، ولی بر اساس دعوت عالی خود عمل نکرد. خداوند شریعت را تکریم کرد. شریعت از نظر خداوند قابل احترام بود، اما اسرائیل شریعت را حقیر شمرده و اطاعت نکردند و در نتیجه خدا آنان را به دست غارتگران و تاراج‌کنندگان سپرده، تا از ترس خود را در حفره‌ها پنهان کنند.

(25:42-23) اشعیا نبی می‌پرسد: «کیست در میان شما که به این گوش دهد... و کیست که یعقوب را به تاراج و اسرائیل را به غارت تسلیم نمود؟ آیا خداوند نبود که به او گناه ورزیدیم؟»

خدا آتش خشم خود و آتش جنگ را بر اسرائیل جاری ساخته بود، اما گویا هیچ کس اهمیت تأدیب او را تشخیص نداد و آن را در دل خود نپذیرفت.

(5) تسلاي خدا مبنی بر احیای اسرائیل (فصول

## 43 و 44

43:1-7) یهوه با لحنی تسلی دهنده به قوم خود اطمینان می‌دهد که نیازی به ترس ندارند، چون کسی که آنها را آفریده و شکل داده و آمرزیده و عده داده که در طوفانها و آتش با آنان خواهند بود. **قدوس اسرائیل، مصر را به عنوان کفارہ آنان** داده است، و این وعده‌ای است که بعد از برگشت یهودیان از اسارت مصر، تحقق یافته بود. و این می‌نویسد:

*خداوند برای رهائی اسرائیل سلطنت بر ایران را با مجازنمودن کورش و پسرش کمبوجیه برای تصرف مصر و کشورهای مجاورش، به کورش پاداش داد. سبأ ناحیه‌ای وسیع در بین نیل سفید و نیل آبی و در مجاورت اتیوپی قرار داشت. تصرف این ناحیه، صرفاً یک هدیه نبود، بلکه بهای فدیہ (کفارہ یا پوشش دهنده) بود که به جای مردم پرداخته شد و بدان وسیله مردم پوشش داده شدند.*

چونکه اسرائیل گراندها، مکرم و دوست داشتنی است، خدا مردان را به عوض او خواهد داد، یعنی که داوری از هر سو بر امتها وارد خواهد آمد، تا **پسران و دختران** خدا به سرزمین خود بازگردند. آیات 5 تا 7 بیان‌کننده جمع شدن دوباره قوم می‌باشد.

43:8-13) اینک خداوند اسرائیل و **جمیع امتها** را به آزمایش فرامی‌خواند تا **شهود خود** را در مورد توانایی آینده‌نگری و پیش‌بینی وقایع آینده، توسط بتها، **بیاورند**. در اینصورت بگذار بدانند که فقط خدا، راست است. **خداوند** اسرائیل را به عنوان **شهود** خود می‌نامد، و آنها باید شهادت دهند بر اینکه او تنها خدای واقعی و جاودانی است، و **غیر از او نجات‌دهنده‌ای و رهاننده‌ای نیست** و

اراده و اعمال او را نمی‌توان خنثی نمود.

(21\_14:43) خداوند اراده نموده است **بابل** را به خاطر اسرائیل ساقط نماید، و این امر در این مهم که او **خداوند قدوس و آفریننده و پادشاه** آنان می‌باشد، واقع خواهد شد. او کسی است که آنها را از **دریای سرخ** بیرون آورد و تعاقب‌کنندگان مصری آنان را در همان زمان هلاک نمود. اما واقعه خروج قوم از مصر در مقایسه با آنچه که اینک می‌خواهد انجام دهد، ارزشی ندارد. او **را هی در بیا بان** برای قوم خود مهیا خواهد ساخت تا از اسارت بازگردند. در زمین تازه مکانهای متروک فراوانی آب را تا بدان درجه تجربه خواهد نمود که **حیوانات صحرا** خدا را **تمجید** خواهند نمود. **قوم** خدا نیز نام خدا را تمجید نموده و خواهند ستود.

(24\_22:43) این آیات اشاره به اسرائیل قبل از روزهای اسارتش است. مردم به حضور خدا نمی‌رفتند و از خدا به **تنگ** آمده بودند. هر چند آنان **قربانی‌های** خود را با بی‌مبالاتی به حضور خداوند می‌آوردند، و دل‌هایشان از خدا دور بود، بنابراین چون این بود که اصلاً قربانی به حضورش نمی‌آورند. آنها خداوند را نه با هدایای خود، بلکه با گناهان خود، گران‌بار نمودند!

(28\_25:43) با این وجود خداوند در فیض خود **خطای** آنان را **محو نمود** و آنها را بخشید و **گناهانشان** را فراموش کرد. وقتی که چنین کارهایی انجام داده بودند، آیا می‌توانستند خود را شایسته بدانند؟ خیر! سراسر تاریخ آن قوم از آدم و تاکنون گزارشی قطع نشدنی از گناه و سقوط بوده است. اینست علت داوری آنها.

(5\_1:44) در این آیات ما ضربان قلب خداوند را برای مردمش می‌شنویم. محبت او نسبت به قومش با تمام گناهانشان، خاموش نشدنی است. او آنها را



**يعقوب** (عوض‌کننده)، اسرائیل (شاهزاده خداوند) و **يشرون** (نیکوکار) می‌نامد. خدائی که آنها را **آفرید و سرشت**، آنها را برگزید تا **معاونش** باشند. بخشی از وعده خداوند مبنی بر **ریختن روح خود** بر قومش در پنتیکا ست تحقق یافت، ولی تحقق کلی آن موقوف به رجعت دوم مسیح است. سپس **زمین** تشنه، هم از بعد حقیقی و هم از بعد تمثیلی پر از آب خواهد گردید. **ذریّت** اسرائیل متبارک خواهند شد، و از اینکه خود را از آن **خداوند و از آن یعقوب** بدانند، افتخار خواهند نمود.

6:44-8) **خداوند، پادشاه اسرائیل** و یگانه است - تنها خدای واقعی اوست. او هر به اصطلاح خدائی را که ادعای پیش‌بینی آینده را می‌کند، به مبارزه می‌طلبد، مخصوصاً با توجه به **قوم قدیم**، اسرائیل. قوم خدا دیگر نیازی نیست بترسند، چون خداوند آنچه را که می‌باید واقع شود به آنان گفته است. آنها **شاهدان** خداوند هستند. مبنی بر اینکه او آینده را پیش‌گوئی نموده است و اینک او **تنها خداست**. او خود **صخره‌ای** (خدائی) را نمی‌شناسد، پس اسرائیل چگونه می‌تواند ادعای ساختن **صخره** (خدای دیگری) را بنماید؟

9:44-11) **آنانی که بت‌های تراشیده می‌سازند محکوم** به شرمساری و نومیدی می‌باشند. بت‌ها **بی‌نفع** می‌باشند و قدرتی ندارند.

12:44-17) در اینجا ناظر آهنگری هستیم که بتی فلزی برای یک نفر شخص ثروتمند می‌سازد. او به سختی کار می‌کند و بت را به شکل دلخواه می‌ریزد، سپس دست از کار می‌کشد تا غذا بخورد و آب بیاشامد و استراحت کند. اگر بت ساز نیاز به خوردن و نوشیدن و استراحت دارد، پس در مورد بت بی‌جانی که ساخته است، چه بگوئیم؟

و یا اینکه در اینجا ناظر نجاری هستیم که بتی چوبی برای مرد فقیری می‌سازد. او با اسکنه با دقت کننده چوبی را می‌تراشد تا **شبه انسان** شود. شاید او خود آن درخت را کاشته بوده است. او بخشی از این درخت کننده شده را برای **سوخت** و بخشی را برای **گرمای خانه‌اش** و بخشی دیگر را برای ساختن یک **خدا** به کار می‌برد و سپس در پیش آن خدائی که به دست خود ساخته است، **سجده می‌کند**.

(20\_18:44) خدا **چشمان** بتپرستان را به خاطر اینکه نخواستند ببینند، **بسته** است، آنها هرگز نمی‌خواهند اندکی بیندیشند که آن درخت هم مخدوم و هم خادم آنان است، و نخواستند فکر کنند که بخشی از آن درخت را ستایش و بخش دیگری را صرف ساختن و سائل خانگی می‌کنند! آنها آن چوب را سوزانیدند و غذای خود را بر آن پختند و بالاخره تبدیل به خاکستر شد. آنها گمراه هستند و فریب خورده‌اند و نمی‌توانند **جان خود را** برهانند و هیچگاه با این حقیقت روبرو نخواهند شد که خدائی که در دست خود دارند، **دروغ** است.

(23\_21:44) از **اسرائیل** دعوت شده است که **بیاد** آورد خدا خالق ایشان است و هرگز آنها را فراموش نمی‌کند و آنها **بنده** او می‌باشند. او **ابر غلیظ گناهان** آنها را که موجب می‌شد چهره او را نبینند، **محو کرده** است. او آنها را از اسارت خریده است و آنها را به نزد خود دعوت به **بازگشت** نموده است. تمامی مخلوقات فراخوانده شده‌اند تا **فریاد** برآورده و **بسرایند**، چونکه **خداوند یعقوب را فدیة کرده است**.

(27\_24:44) خدا خود را به باقی ماندگان امین به عنوان **ولی** و **یهوه** (خداوند)، خالق، حافظ و احیاءکننده، معرفی نموده است. او **نیات کاذبان و جادوگران** کلدانی و حکمت

حکیمان را باطل نموده است. او نبوت نبی خود را مبنی بر اینکه اورشلیم و یهودا احیاء خواهند شد و قومش تحت فرمان کورش از اسارت بازخواهند گشت، تائید (برقرار) می‌نماید.

(28:44) این نبوت مربوط به کورش است و نکته قابل توجه اینست که نام کورش 150 تا 200 سال قبل از اینکه متولد شود، ذکر گردیده است، و تعجب‌آور نیست که خداوند او را «شبان من» نامیده است. دوباره از کورش به عنوان کسی که خداوند او را برای رهائی قومش از بابل و بازسازی هیکل، برگزیده است، یاد می‌شود. ژوزفوس مورخ یهودی می‌نویسد:

*کورش با خواندن کتاب اشعیا که دویست و ده سال پیش از تولد او نوشته شده بود، به این واقعیت پی برد. این امور را اشعیا 140 سال قبل از ویرانی هیکل پیشگویی کرده بود. وقتی که کورش این نبوت‌ها را خواند، خود را ملزم دانست تا به آنچه که در مورد او پیشگویی شده است، جامه عمل بپوشاند.*

6 - تسلاى خدا مبنی بر وجود کورش، مسیح خدا

(فصل 45)

(6:1:45) خداوند کورش، مسیح خویش (همان عبارتی که در زبان عبری آمده است) را دعوت کرد، چونکه امپراتوری پارس پیش نمونه‌ای از مسیحا بود که رهائی نهائی را به قومش ارزانی می‌دارد. یهوه قول می‌دهد که او را بر امت‌ها و مخصوصاً بابل، پیروز می‌گرداند و تمام موانع را بر سر راه پیروزی او مرتفع خواهد نمود و گنج‌های ظلمت و خزاین مخفی را بر او خواهد گشود. خداوند خطاب به کورش از خود به عنوان تنها خدای حقیقی که او را به اسم خوانده است و او را ملقب به مسیح و شبان نموده است (28:44) و کسی که او را برای

مأموریتش مجهز نموده است، سخن می‌گوید. خدا همه این امور را به خاطر مردمش انجام می‌دهد، باشد که تمامی جهانیان آگاه شوند که غیر از او خدائی نیست..

(7:45) آیه هفتم آنچنان که عده‌ای براساس ترجمه کینگ جیمز و سایر ترجمه‌های جدید، ادعا می‌کنند. بدین معنی نیست که خدا «بدی» را آفریده باشد. دلچ<sup>1</sup> می‌گوید که مارسیون فرقه مرتد مسیحی و والنتیان و سایر فرق صوفیانه از این آیه برای تعلیم اینکه خدای عهد عتیق وجودی متفاوت با خدای عهد جدید بوده است، استفاده و در واقع سوء استفاده می‌کنند.

دلچ با اشاره به مشکلات شرارت (بدون شک شامل مصیبت‌ها) می‌گفت: «بدون شک شرارت به عنوان یک کار مستقیم خدا نیست، بلکه یک اقدام اتوماتیک خلقت است که به خاطر رهایی به انسان داده شده است.»

در این بخش تضادی هست بین نور و ضد نور یا **ظلمت**، بین **سلامتی** و ضد آن یا مصیبت. آنچه را که خدا مجاز می‌دارد، **پدید** می‌آورد. عده‌ای فکر می‌کنند که **نور و ظلمت** اشاره به دو عنصر است که ایرانیان آن دو را به عنوان دو خدا که با هم در کشمکش ابدی بودند، حرمت می‌نهادند (عده‌ای دیگر می‌گویند که نشانه‌ای دال بر اینکه کورش پیرو چنین آئینی بوده باشد، در دست نیست). همچنانکه کورش در کشورگشائی‌های خود پیش می‌رفت، پیشرفت او برای اسرائیل به منزله **سلامتی** و برای دشمنان اسرائیل به منزله **بدی** (مصیبت) بود و خدا هم در این میان کسی بود که بر اجرای کامل برنامه نظارت داشت.

8:45) شرایط ایده آل وفور **عدالت** (یا انصاف) و **نجات** (یا رهائی) در این آیه در درجات کمتری نتیجه شفاعت کورش برای اسرائیل بود. تحقق کامل چنین شرایطی موکول به دوران ملکوت هزاره است.

11\_9:45) «**وای**» بر کسی که حق یهوه را مبنی بر استفاده از بیگانگان برای آمرزش یهودا زیر سؤال ببرد. او چون **کوزه ای** است که به **کوزه گر** برگشته و بگوید تو **دست** نداری - یعنی در واقع قدرتی نداری - آیه یازدهم احتمالاً باید سؤالی قرائت شود، «آیا از من سؤال نمودید که در رابطه با **پسرانم** چه نیّتی در آینده دارم، و آیا شما **اعمال دست‌های مرا به من تفویض** می‌نمائید؟» به کلامی دیگر: «شما چه حقی دارید که از من سؤال کنید؟»

12:45 و 13) همان کسی که **انسان** را آفرید و **آسمانها و زمین را گسترده**، کورش را **برانگیدخت** تا **اسیران** او را آزاد سازد و **شهر** او اورشلیم را **بنا** نماید. در عین حال که بازسازی اورشلیم در واقع بعداً و طی فرمان اردشیر (نحمیا 2:8 ب) صورت گرفت، ولی این عملی بود که سنگ بنای آن تحت نظارت کورش و با رها ساختن یهودیان از اسارت در بابل نهاده شد.

17\_14:45) دشمنان قدیم اسرائیل روزی با هدایا و خراج‌های خود نزد او **خواهند آمد**، و اعتراف خواهند نمود که خدای واقعی تنها خدای یهودیان است و **دیگری نیست**. این وعده که خدا می‌دهد، موجب خواهد شد که باقی مانده ایماندار قوم خدا را به خاطر داوری نفوذناپذیر و راههای عجیبش بستایند. سازندگان و ستایش‌کنندگان خدایان دروغین **خجل** و رسوا **خواهند شد**، اما اسرائیل که توسط خداوند **نجات** یافته است، بعد از رجعت دوم مسیحا، دیگر **خجل** و رسوا نخواهد شد.

18:45 و 19) وقتی **خداوند جهان را سرشت**، آن را

عبث نیافرید. او جهان را طوری آفرید که انسان در آن سکونت کند و خود را در بیانی روشن و قابل فهم به انسان آشکار نمود. خدا خالق بی‌نظمی نبود و نه با هرج و مرج سروکار داشت، بلکه خود را به عنوان خدای مطلق و متعال در راستی و عدالت آشکار ساخت.

20:45 و 21) او امتهای را فرامی‌خواند تا بت‌های خود را بشکنند و به درگاه خدای قادر مطلق دعا کنند و نشانه‌ای بیاورند مبنی بر اینکه بت‌هایشان می‌توانند آنچنانکه که او آینده را پیشگوئی می‌کند، آینده را پیشگوئی نمایند. تنها او می‌تواند آینده را پیشگوئی کند و او تنها خدای عادل و نجات‌دهنده است.

25\_22:45) او امتهای را دعوت می‌کند که برای رهائی نزد او بیایند و اعلام می‌دارد که هر زانوئی پیش او خم خواهد شد و هر زبانی به او اقرار خواهد کرد (ر.ک رومیان 11:14؛ فیلیپیان 2:9-11).

این مراحل در دوران هزاره ملکوت، تحقق خواهند یافت. سپس انسان اقرار خواهد کرد که عیسای خداوند تنها منبع عدالت و قوت است. تمام دشمنانش با ندامت نزد او خواهند آمد و اسرائیل در خداوند عادل شمرده شده، فخر خواهد کرد.

(7) تسلاى خدا مبنی بر سقوط بت‌های بابل (فصل

(46

1:46 و 2) بت‌های بابل بیل و نبو بر ارا به‌های ایرانیان حمل می‌شوند و وقتی حیوانات آنها را حمل می‌کنند، واژگون می‌شوند. خدایانی که آنها معرفی می‌کنند، نمی‌توانند خود را از این مخمصه نجات دهند، بلکه خود را به اسیری می‌برند.

3:46 و 4) برخلاف این بت‌ها که توسط انسان حمل

می‌شوند، خدای حقیقی مردم خود را حتی تا زمان پیری‌شان **حمل** خواهد نمود. جیمز استوارت آیات فوق را بدین ترتیب تلخیص کرده است:

*اشعیا می‌فرماید انسان باید بداند که یکی از بزرگترین تضاد بین مذهب راست و دروغ اینست که مذهب دروغین بار مرده‌ای بر جان انسان است که باید آن را حمل کند، در حالی که مذهب راستین قدرت زنده‌ای است که جان را با خود حمل می‌کند.*

7-5:46) کدام بتی توانسته است خود را چون خدا، نشان دهد؟ آیا جز اینست که مردم را می‌فریبد تا سخاوتمندانه پول خود را به زرگر بدهند تا بتی برای‌شان بسازد؟ سپس **سجده** نموده آن را **عبادت** می‌کنند و بعد آن را به **دوش می‌برند** و بعد برجایش **می‌گذارند** و در آنجا **بی‌حرکت** می‌ماند و نه دعائی می‌شنود و نه کسی را **می‌رهاند**.

8:46 (8-11) هر کسی که متمایل به بت‌پرستی است، باز ایستد و **بیاد** آورد که تنها خدا وقایع را قبل از اینکه واقع شوند، به نیت تحقق تمام نقشه‌هایش، آشکار ساخت. او کورش ( **مرغ شکاری مشرق**) را فراخواهد خواند تا مردمش را از دست کلدانیان نجات دهد.

12:46 و 13) کسانی که گردن‌کشی می‌کنند و از مواجهه با آنچه که خدا نشان می‌دهد، همچنان به انکار او می‌پردازند، اینک بشنوند نیت خدا را مبنی بر استقرار **نجات در صهیون**.

### **(8) تسلاي خدا مبنی بر سقوط بابل (فصل 47)**

4-1:47) در این آیات شهر **بابل** در قالب یک ملکه **باکره** زیبا تصویر شده که مجبور به پایین آمدن از **کرسی** خود شده و اینک به خدمت پرداخته است، و کارهای پست انجام می‌دهد. برهنه از **نهر عبور** می‌کند تا به اسارت برود. او کاملاً عریان در معرض

دید عموم قرار خواهد گرفت. خدا **انتقام** خواهد گرفت و **احدی** از انتقام او مصون نخواهند ماند، چونکه او **نجات دهنده و قدوس اسرائیل** است. (15\_5:47) بابل به جهت چهار گناه مجازات خواهد شد.

1- حتی گرچه خداوند او را مقرر نمود تا مردمش را به اسارت ببرد، ولی به او فرمان نداد که ظالم و بی‌رحم باشد. او در ایفای نقش خود افراط کرد و اینک می‌گوید «**تا به ابد ملکه خواهم بود**»، اما خدا می‌گوید «**دیگر تو را ملکه ممالک نخواهند خواند**».

2- او گردن‌کش و مغرور بود و فکر می‌کرد که دیگر هیچ چیز نمی‌تواند موفقیت او را مختل نماید. اما در **یک روز** او **بیوه** و بدون **اولاد** خواهد شد و هیچ **سحر و افسونگری** او مانع چنین مصیبتی بر او نخواهند بود.

3- او فکر می‌کرد که از هرگونه محاکمه و مجازاتی ایمن است. اما خودبینی و غرور و خودکفائی‌اش با مصیبت‌ها، پاداش داده خواهد شد.

4- او متوکل به جادوگران و ستاره‌شناسان بود. جنینگس می‌نویسد: «یهوه بابل را می‌گوید تمام این نیروها را به کمک بطلید، چون به شدت به آنها نیازمند است.» مجازات خدا، دوزخی فروزان خواهد بود، نه آن آتشی که آرامش‌بخش است و برای گرم‌شدن بدان پناه می‌برند. کسانی که با بابل داد و ستد داشته‌اند به راه خود می‌روند و نمی‌توانند او را **رهائی دهند**.

**(9) تسلاى خدا مبنی بر بازگشت اسرائیل پس از**

**تأدیب (فصل 48)**

1:48 و 2) خدا در اینجا اسرای **یهودا** را در بابل مخاطب قرار می‌دهد. بیشتر آنها احتمالاً کافر



شده‌اند، و تن‌ها تعداد اندکی هنوز به یهوه وفادار مانده‌اند. خداوند شکایت دارد که آنها خود را **اسرائیلی** (شاهزاده خدا) می‌نامند، ولی شاهزاده نیستند. آنها از **یهودا** (ستایش) بودن ساقط شده‌اند، و دیگر خدا را ستایش نمی‌کنند. آنها به خدای اسرائیل اقرار می‌کنند ولی به گناهان خود اعتراف نمی‌کنند. آنها خود را **از شهر مقدس می‌خوانند** ولی خودشان مقدس نیستند. آنها به **خدای اسرائیل اعتماد دارند**، ولی خداپرست نیستند.

5:3-48) یهوه تاریخ زندگی آنان را پیشگوئی کرده بود و آنچنان که پیشگوئی کرده بود به **عمل آورد**. خدا با شناخت گردنکشی و سخت دلی آنان آنچه را که قرار بود انجام دهد، **اخبار نمود**، مبادا آنچه را که انجام می‌دهد به حساب بتهایشان بگذارند.

6:48-8) اینک خداوند می‌خواهد چیز **تازه‌ای** را پیش‌بینی نماید و آن رهائی از اسارت به رهبری کورش پادشاه ایران است. خدا آنها را از اسارت خواهد رهانید تا دیگر نتوانند بگویند «اینک این چیزها را می‌دانستم!»

9:48-11) خداوند به اسارت و تبعید یهودا پایان خواهد داد، آنهم نه به خاطر اینکه شایستگی‌اش را دارد، بلکه **اسم خودش** چنین خواهد کرد. او آنها را **قال گذاشته** است ولی نه **مثل نقره**، اما آنها را در **کوره مصیبت** (اسارت بابل) **قال گذاشته** است، اینک او آنها را **به خاطر نام خودش**، نامی که نباید توسط آنان **بی‌حرمت شود**، جمع خواهد نمود و افتخار این رهائی را با بتهای قسمت نخواهد نمود.

12:48-16) خدا با معرفی خود به عنوان ازلی و ابدی، خدای مطلق (**اول و آخر**)، خالق و نگهدارنده کائنات، تنظیم‌کننده تاریخ، خدای نبوت‌کننده معرفی و اعلام می‌دارد که او کسی را که دوست

می‌دارد (کوروش) برمی‌انگیزد تا بابل را شکست دهد و مردم اسرائیل را نجات دهد. توجه داشته باشید به سه شخص تثلیث در آیه 16 - **خداوند، روح خدا، و من** (یعنی مسیح). این موضوع برمی‌گردد به یک شکل غیرقابل رؤیت کورش در مقایسه با اصل آن که عیسی مسیح خداوند است، کسی که امت یهود را از آوارگی جهانی‌شان، در رجعت دومش، می‌رهاند.

19-17:48) دوباره **خداوند** از مردم اسرائیل به عنوان **ولی و خدا و تعلیم‌دهنده** و راهنمای آنان می‌خواهد که به او گوش بسپارند. چنانچه آنها او را اطاعت کنند آنگاه از **سلامتی و عدالت** و فراوانی و ارتباط لاینقطع او برخوردار خواهند شد.

22-20:48) خداوند باقی مانده ایماندار و خدادوست قوم را دعوت می‌کند از بابل **بیرون** رفته و به **آواز ترنم** خداوند را به عنوان رهاننده خود، اعلام نمایند (ر.ک مکاشفه 4:18). آیه 21 در خروج از مصر تحقق یافته بود. اگر یهوّه توانست آنها را از مصر خارج کند، پس خواهد توانست مجدداً آنها را برهاند. **شریران** اسرائیل که خداوند را اطاعت نکنند و در بابل بمانند، هرگز **سلامتی** را نخواهند دید.

## **(ب) مسیحا و طرد او توسط اسرائیل (فصول 49-57)**

### **(1) مسیحا به عنوان خادم (فصل 49)**

در فصل 49 تا 53 خدا به خاطر اینکه قومش مسیحا را انکار کرده‌اند با آنان برخورد می‌کند. این فصل، فصل بنده رنجبر یهوّه نام دارد.

6-1:49) **بنده** یهوّه در فصل 49 ممکن است در آیات 1 تا 3 بنی اسرائیل محسوب شود، اما منظور از

بنده خدا در این فصل عیسی‌ای خداوند است. در آیه سوم از **اسرائیل** به نام یاد شده است، اما منظور از اسرائیل در اینجا مسیح «شاهزاده واقعی خدا» است، نه قوم اسرائیل. در آیه پنجم و ششم مشخص شده است که بنده، کیست. جریان احیاء اسرائیل در این آیات آمده است، نخست بازگشت قوم تحت نظر کورش و سپس رهایی آینده، آنگاه که مسیحا، ملکوتش را برقرار می‌نماید.

«بنده» اینک ضمن گزارش دادن نحوه تولدش، نامی که قبل از تولد به او داده شد (متی 1:21) و پیام قاطع و معتبرش، و امتیاز خاصش به عنوان بنده خدا، و شاهزاده خدا (اسرائیل)، که یهوّه در او جلال یافته است، مردم را دعوت به متابعت می‌نماید. سپس به تشریح مشکلاتی که در اثر انکار قوم اسرائیل برایش به وجود می‌آید (ر.ک متی 16:11-24) می‌پردازد. سپس رضایت خود را از «اجرت»ی که خدا به او می‌دهد، اعلام می‌دارد (مقایسه کنید آیه چهارم را با متی 11:25 و 26). خدا او را صرفاً به خاطر تولد تازه دادن به اسرائیل دعوت نکرد، بلکه او را دعوت کرد تا به همه **امتها** تولد تازه ببخشد. آیه ششم ب در کتاب اعمال رسولان 13:47 نقل و به مسیح اطلاق گردیده است.

7:49) عیسی مسیح خداوند در اولین رجعتش عمیقاً مورد تحقیر و نفرت قوم **اسرائیل** قرار گرفت. او از نظر اجتماعی حقیر و **مکروه امتها** بود. اما در رجعت دومش سلطنت‌های زمینی با او بیعت خواهند بست. عبارت «**بنده حاکمان**» در مورد اسرائیل بخوبی مصداق داشته است. مقایسه کنید یوسف، مردخای، عزرا، نحمیا و دانیال را.

8:49-13) خدا با برانگیختن مسیح از مردگان دعای او را مستجاب نمود، سپس او را برگزید تا اسرائیل را به سرزمین خود بیاورد. بنده یهوّه

**قوم** را دعوت به بازگشت به سرزمینشان می‌کند و شرایط ایده‌آل را برای برگشت آنان فراهم می‌سازد. آنها از سراسر جهان، از دورترین نقطه **سینیم** (احتمالاً چین) گرفته تا نزدیکترین مکان، باز خواهند گشت. آن روز که اسرائیل بازگردد، و تسلی و رأفت خدا را تجربه نماید، روزی فرخنده و طربناک برای تمامی جهان خواهد بود.

16\_14:49) در این زمان شهر **صهیون** در قالب کسی که احساس می‌کند یهوه او را **ترک کرده** است، به تصویر کشیده شده است. پاسخ یهوه به او اینست که امکان دارد مادر شیردادن به بچه‌اش را فراموش کند.

اما خدا هرگز شهر خود صهیون را فراموش نمی‌کند. صهیون **بر کف دستان** خداوند، **نقش** شده است، و **حصارهایش** هرگز از فکر او بیرون نمی‌روند. ما ذاتاً **کف دستان یهوه** را مقایسه می‌کنیم با درد عشقی که مسیح به خاطر ما متحمل شد. یک شاعر بزرگ مسیحی انگلیسی به زیبایی این مورد را بیان کرده است:

*نام من در کف دستان خدا  
تا ابد پاک نخواهد شد؛  
نام من حک شده بر دل او همیشه خواهد ماند،  
به نشانه فیض بی‌پایانش.*

آگوستوس توپلادی

17:49 و 18) فرزندان اسرائیل شتابان به صهیون باز می‌گردند، در حالی که انبوه شیران مطرود می‌شوند. انبوه کسانی که بازگشته‌اند در شهر به هم می‌پیوندند و مانند **عروسی** خواهند شد که به **جواهرات** آراسته می‌شود.

21\_19:49) **خرابه‌ها و ویرانه‌های** اسرائیل از **کثرت** جمعیت تنگ خواهند شد. صهیون در شگفت خواهد شد

که چگونه اینهمه یهودی بازگشته‌اند، گذشته از آن مگر نه اینست که او مدتها بیوه و بی‌فرزند بود؟

22:49 و 23) با علامتی از **خداوند**، امتها از خواب برخوانند خاست و با شتاب از تبعیدگاه به دیار خود بازخواهند گشت. پادشاهان امتها مردم خدا را خدمت خواهند نمود و اسرائیل خواهد فهمید که اینها پاداشی است که در قبال انتظار برای خداوند، گرفته است.

24:49-26) اگر **اسیران** بابل مورد اجحاف **ستم** **پیشگان جبار** قرار گرفته باشند، بدانند که یهوه با **دشمنانشان مقاومت** خواهد نمود و **پسرانشان** را **نجات** خواهد داد. وقتی که دشمنان حاصل کاشته‌های خود را درو کنند، آنگاه جهان خواهد دانست که **خداوند نجات‌دهنده** اسرائیل و **قدیر یعقوب** است.

## 2) مسیحا به عنوان شاگرد واقعی (فصل 49)

1:50-3) یهوه با لحنی صمیمانه به اسرائیل یادآوری می‌نماید که به خاطر هوسی کوچک او را **طلاق** نداده بود (ر.ک ارمیا 8:3) و نه اینکه آنها را به خاطر پرداخت بدهی به امتها تسلیم کرده بود. علت اصلی ترک کردن آنان **گناهان و تقصیرهای** آنان بود. هیچکس در میان قوم او را خوشامد نگفت و هیچکس به دعوت او پاسخ نداد. آیا آنها فکر می‌کردند که خدا قادر به **نجات** آنان نیست؟ آیا مگر غیر از اینست که **خداوند دریای سرخ و نهر اردن** را خشک کرد تا آنان از دست دشمن بگریزند؟ آیا مگر غیر از اینست که **خدا آسمان** را به **ظلمت** **ملبس** می‌سازد؟

4:50-9) سپس در این آیات مسیحا صحبت می‌کند. امتی که در عهد عتیق پشت پا به یهوه زدند، در عهد جدید او را مضروب کردند. او به عنوان شاگرد واقعی به این جهان آمد، آموخته شده توسط خدا تا

به کلمات شایسته سخن گوید. هر روز **گوش** او آماده شنیدن هدایت خدای پدرش برای آن روز بوده است. او در انجام اراده خدا لذت می برد، حتی اگر اراده خدا این باشد که بالای صلیب برود. او عقبگرد نکرد و داوطلبانه خود را در معرض رنج‌ها و **رسوائی** قرار داد. **خدا** در اطمینان کامل مسیح را **اعانت** می‌کند و او نیز **روی خود را مثل سنگ خارا** ساخته و به اورشلیم می‌رود. البته مسیح از طریق رستاخیزش از مردگان اعانت شده بود. و اینک با دشمن یعنی شیطان در نبرد است تا او را محکوم کند (ما نیز اکنون می‌توانیم درگیر چنان مبارزه‌ای باشیم - رومیان 31:8 - 39) و همه دشمنان او **مثل رخت مندرس شده** می‌باشند که **بیدایشان را خواهد خورد**.

10:50) دو آیه آخر این فصل اشاره به دو گروه مردمان است. گروه اول کسانی که در وابستگی به **خداوند** زندگی می‌کنند. آنها به نیاز خود برای کسب هدایت خدا معترف می‌باشند و **به اسم یهوه توکل و به خدای خویش اعتماد** می‌نمایند و اینانند که مذهب می‌باشند.

11:50) گروه دوم کسانی هستند که می‌کوشند متکی به هدایت خود باشند و نیازی به هدایت خدائی در خود حس نمی‌کنند. آنها می‌توانند در **روشنائی آتش خویش**، گام بردارند، ولی از نظر خداوند کسانی هستند که در **اندوه خود** خوابیده‌اند.

**(3) مسیحا به عنوان حاکم عادل (1:51) تا**

**(12:52)**

1:51-3) تمام کسانی که در اسرائیل خواهان رهائی می‌باشند، باید مراقبت خدا را از خود به خاطر داشته باشند، چونکه خدا آنها را از **صخره** (بین‌النهرین) باز آورد. آنها باید به یاد آورند

برخورد فیاض خدا را با **ابراهیم و ساره** و موفقیت‌های فراوانی که به آنها عطا گردید، و دلگرم باشند و دلگرم شوند از وعده خداوند مبنی بر **تسلی صهیون**. توجه داشته باشید به سه بار تکرار عبادت «**بشنوید**» در آیات 1 و 4 و 7 و سه بار تکرار عبارت «**بیدارشو**» در آیات 9 و 17 و فصل 52 آیه اول.

6:4:51) در دوران ملکوت هزاره، مسیح علاوه بر سلطنت بر همه اقوام، بر اسرائیل نیز سلطنت خواهد نمود. در پایان ملکوت هزاره **آسمان و زمین** از بین خواهند رفت و همه بی‌ایمانان نابود خواهند شد، ولی مردم خدا جاودانه ایمن خواهند ماند.

7:51 و 8) خداوند به قوم بازمانده ایماندار سفارش می‌کند در دوران تاریک عذاب بزرگ از **مردمان نترسند**، چونکه محکومیت انسانهای شریر و رهائی مردمش قطعی شده است.

9:51-11) این مورد بازمانده ایماندار قوم را بر آن می‌دارد تا از **خداوند** بخواهند در رهائی مردمش آنچنان که آنها را از مصر (**رهب**) و فرعون (**اژدها** = نماد فرعون) نجات داد و **دریای سرخ** را خشک نمود، تا **فدیه شدگان عبور کنند**، تعجیل نماید. یادآوری دخالت خدا در گذشته موجب می‌شود که بازگشت **فدیه شدگان** را به **صهیون** پیش‌بینی کنند.

12:51-16) یهوه پیامی تسلی‌بخش به کسانی که از ظالمان خواه نبوکدنصر و خواه هر ستمکار دیگری در آینده، هراسان هستند، می‌دهد. آنها فقط باید از **خداوند** که **آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد**، بترسند، و آن وقت است که دیگر از **انسان** نخواهند ترسید. **اسیران ذلیل به زودی رها خواهند شد و در حفره نخواهند مرد و نان ایشان کم نخواهد شد**. این اسیران در زمان کورش آزاد

شدند و توسط مسیحا در ظهور پر جلالش، نیز آزاد می‌شوند. یهوه چنین خواهد کرد - کسی که بی‌نهایت عظیم است و فوق‌العاده رئوف، مردم خود را در زیر سایه دست خویش پنهان خواهد نمود. او کلام خود را در دهان آنان خواهد نهاد تا بدان وسیله مبشرین او در جهان شوند. آیه 16 احتمالاً در مورد عیسی مسیح خداوند هم مصداق دارد. پدر کلام خود را در دهان مسیح نهاد و او را محافظت و تجهیز نمود تا بتواند آسمان و زمین دوره هزاره را غرس نموده و صهیون را بگوید: «تو قوم من هستی.»

20\_17:51) «برخیز، برخیز!» این فرمان خداوند است به اورشلیم، بعد از آن شب تاریک رنج‌هایش، آنگاه که هیچ یک از پسرانش نتوانستند او را دستگیری کنند، و زمانی که در اثر قحطی و شمشیر ویران شده بود، و هنگامی که مردانش مثل آهوی در دام افتاده، بی‌حرکت شده بودند.

23\_21:51) اینک خداوند کاسه غضب خود که اورشلیم را مست کرده بود، از او خواهد گرفت و آن را به دشمنانش، کسانی که بر او ستم می‌کنند، خواهد داد.

1:52 و 2) دوباره خداوند صهیون را دعوت به بیدار شدن از خواب اسارت و پوشیدن لباس زیبای خود می‌نماید. دیگر هرگز اورشلیم مورد هجوم کافران قرار نخواهد گرفت. البته این پیشگویی مربوط به آینده و ابتدای ملکوت هزاره است.

6\_3:52) اسرائیل که هیچگاه به غلامی فروخته نشده بود، بی‌نقره فدیّه داده خواهد شد. قوم بنی‌اسرائیل به عنوان میهمان به مصر فرود شدند، ولی بعداً از آنها سوء استفاده شد و سپس آشور برایشان بی‌سبب ظلم نمودند، و این بار هم به صورت غلام فروخته نشدند. اینک بار دیگر مردم خدا توسط دشمنانی که چیزی به خدا نمی‌پردازند،



مورد ستم قرار می‌گیرند. خدایگان دشمنان شاد مانند و به نام خداوند همه روزه اهانت می‌شود. ولی خدا قدرت خود را به دشمنانش نشان خواهد داد و آنها خواهند فهمید که او همان کسی است که وعده نموده است.

آیات بعد برگشت یهودیان را از آوارگی جهانی به تصویر می‌کشند، یعنی هنگامی که تبعیدیان برای آمدن به **صهیون** از **کوهها** می‌گذرند. **دیدبانان شان سلامتی سلطنت مسیح را ندا می‌دهند.** دیدبانان بر روی حصار اورشلیم وقتی که می‌بینند **خداوند به صهیون** باز می‌گردد، با شادی **ترنم** می‌کنند و اورشلیم آماده برگزاری جشن ر هائی خداوند قادر مطلق می‌شود.

11:52 و 12) به تبعیدیان توصیه می‌شود که آلودگی های دیار اسارت را در هنگام حمل ظروف معبد به اورشلیم، از خود دور نمایند، آنان دیگر نیازی نیست بترسند، چونکه خدای اسرائیل پیش رویشان خواهد خرامید و آنها را حفاظت خواهد نمود.

**11:524) مسیحا به عنوان قربانی حامل گناهان**

**(12:53 تا 13:52)**

آیات پایانی این فصل در واقع مربوط به فصل 53 می‌باشند، چون پی‌گیر تاریخ بنده یهوه از آغاز زندگی زمینی‌اش تا مصلوب شدنش و ظهور پرجلالش می‌باشند. آدولف سفیر که خود یک مسیحی یهودی است تعبیری حماسی بر عظمت نبوت صلیب، ارائه داده است:

*چه فصل متبارک و نفیسی! چه تعداد از مردم عهد باستانی توسط تو ای خداوند به پای صلیب رسیدند! - صلیبی که بر آن نوشته شده بود «عیسی مسیح، پادشاه یهود.» آه چه تعبیر*

پر شکوهی دارد، فردای آن روز. اسرائیل تو به کرده و ایما ندارد، به آن مسیح که بر صلیب میخکوبش کردند می‌نگرند و اعلام می‌دارند «**اومطمئنناً اندوه‌های ما و گناهان ما را بر خود گرفت، اما ما چه کردیم؟**»  
ما خداوند را مضروب کرده و کتک زدیم و تحقیر نمودیم.

13:52) بنده یهوّه در طول رسالت زمینی‌اش، محتاطانه عمل کرد. ولی در رستاخیزش از مردگان و صعودش به آسمان و نشستن در دست راست خدای پدر، متعال گردید.

14:52) بسیاری از عمق رنج‌های مسیح در رجعت اولش در عجب بودند، چونکه قیافه او آنقدر زشت بود که شباهتی به آدمیان نداشت.

15:52) ولی وقتی که دوباره بیاید انسان از عظمت جلال او دهان خود را می‌بندد. پادشاهان امت‌ها وقتی که شکوه و عظمت غیرقابل توصیف او را می‌بینند، خاموش می‌مانند و سپس خواهند فهمید که مرد حقیر جلجتا پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب است.

آیا خدا هم تو را فراموش کرد،  
و روی از نیاز عمیق تو برگردانید،  
وقتی که مضروب و حقیر بودی؟  
و اینک جلال تو می‌درخشد.

میس س. تامپسون

1:53) باقی مانده توبه نموده قوم اسرائیل به یاد می‌آورند زمانی را که خبر رجعت اول مسیح شنیده شد و بسیاری تصدیق نکردند. و در نتیجه قدرت نجاتبخش خداوند بر بسیاری منکشف نشد.

2:53) عیسی مسیح خداوند در حضور نگاه مشتاق خداوند چون نهالی خوش‌نقش و نگار در این جهان پر از گناه، روئید. او چون یک ریشه در زمین بود. اسرائیل زمین خشک و بذری ناخوشایند بود.

قوم اسرائیل می‌توانست **جمال** خدا را مشاهده کند، ولی در ظهور او جمالش را ندید. اف. بی‌مایر به تشریح اسرار حقارت مسیح می‌پردازد:

نهال نارس، طفل شیرخواره با درد و رنج راه خود را در زمین خشک پیمود و جذابیتی برای دیگران نداشت. سیمای حقارت بار عیسی مسیح در عهد جدید به خوبی در داستان والدین روستائی او و گهواره‌اش در آخور، شاگردان ماهی‌گیرش، بی‌خانمانی، پیروان فقیرش، دزدان و جنایتکارانی که در طرفین او مصلوب شدند و حقارت کلیسایش در عهد جدید به تصویر کشیده شده است. چنین حقارتی افکار مغشوش انسان را از تمیز او و از عظمتش، آنگاه که خواهد آمد، ناتوان ساخت.

3:53) او مردی صاحب غم‌ها و خوار و مردود رنجور بود. او مورد نفرت انسان و حتی قوم اسرائیل، قرارگرفت.

«مرد غم‌ها» نام او بود.  
 نام پسر خدا که می‌آید.  
 گناهکاران تباه شده سرائیدند  
 هلولیا، چه نجات دهنده‌ای!  
 مردی که شرم و ریشخند را بر خود گرفت،  
 و به جای من محکوم شد و مرد،  
 بخشش مرا با خورش مهر تائید زد.  
 هلولیا، چه نجات دهنده‌ای!  
 فیلیپ. بی‌بلیس

6:4:53) باقی مانده ایماندار قوم اینک حقیقت مسیح را اعلام می‌دارند و اقرار می‌کنند که «او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش جمع نمود، اما وقتی او را بر صلیب دیدیم تصور کردیم که خدا او را به خاطر گناهان خودش مجازات نموده است، ولی اینطور نبود! او به خاطر **تقصیرات** ما و به خاطر **گناهان** ما مصلوب گردید، باشد که ما **سلامتی** را بیابیم و **شفا** یابیم.»

واقعیت اینست که ما گمراه بودیم و هر کدام به راه خود می‌رفتیم و خداوند گناهان ما را بر او نهاد و بی‌گناهی جانشین ما شد. تا آن زمان که باقیمانده ایماندار قوم اسرائیل مسیح را اقرار نمایند، ما مسیحیان اقرار می‌کنیم که:

او به خاطر تقصیرهای ما مضروب شد،  
و گناهان ما را بر پیکر خویش بر صلیب تحمل کرد.  
او صلح و آرامش را به ما داد، و گناهان ما را گرفت.  
و ما را از بندهایمان رها ساخت.  
و با تازیانه‌ای که،  
بدن عریان او را کوبید  
جان‌های ما شفا یافت.  
او در بین گناهکاران محسوب شد.  
وقتی که خدا او را فراموش کرد،  
وقتی که قربانی شد تا کفاره گناهان ما شود،  
وقتی که شریعت خدا انجام شد،  
و همه گناهان ما، همه گناهان ما،  
همه گناهان ما، بر او برقرار گرفت.  
ما همه سرگردان بودیم،  
دور از گله شبان مهربان،  
ولی شبان گوسفندان، ما را یافت،  
که در کوهستانها عریان و نالان بودیم،  
و ما را به خانه آورد، ما را به خانه‌مان آورد،  
و ما را به سلامت به خانه خدا بازگردانید.

توماس، او، کیس هولم<sup>1</sup>

خداوند ما عیدسی مسیح متحمل رنج‌های زیادی شد، بدن او مضروب شد، پهلویش پاره شد، تازیانه خورد، زخم‌های عمیق برداشت، تاج خار بر سرش نهادند، به دست و پایش میخ کوبیدند، و بر پهلوی او نیزه زده شد.

<sup>1</sup> - Thomas. O. Chisholm

7:53 و 8) او چون **گوسفندی** که به آرامی و بدون هیچ گلیه ای **نزد پشم برنده اش** می‌برند، صلیب را تحمل نمود. او را نه به زندان انداختند و نه محاکمه‌ای مذبذبه نمودند (یا «از ظلم و آزار **داوری گرفته شد**»). به نظر می‌رسید که دیگر از **زمین منقطع** شده باشد و برای گناهان مردم قربانی شد.

9:53) انسانهای شریر توطئه کردند تا او را با جنایتکاران دفن کنند، ولی اراده خدا غالب آمد و او بعد از **مرگش با دولتمندان** - در مقبره تازه یوسف نامی از رومه دفن گردید. انسان دفن شرم‌آوری را برای او طراحی کرده بود، هر چند که او **هیچ ظلم نکرد** و دروغ نگفت.

10:53 و 11 الف) اما **خداوند را پسند آمد که او را مضروب کند و به دردها مبتلا سازد**. وقتی که **جان او قربانی گناه شد**، **آنگاه ذریت خود** - یعنی تمام کسانی که به او ایمان دارند - **را خواهد دید**. **عمر او دراز**، و در کمال قدرت جاودانه خواهد زیست. تمام نیات خدا در او آشکار خواهد شد و گروه بی‌شمار کسانی را که در خون او آمرزیده شده‌اند **خواهد دید** و **سیر خواهد شد**.

11:53 ب) او «**به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید**». شاید معنی این عبارت اینست که شناخت او از اراده پدر، او را به سوی صلیب خواهد فرستاد. او با مرگ و رستخیزش توانست ایمانداران را به عدالت فراخواند. معنی محتمل دیگر آن اینست که «با شناختن خدا انسان عادل می‌شود» (یوحنا 3:17). در هر دو صورت عادل شدن برای **بسیاری** در صورتی مقدور است که مسیح گناهان آنها را بر خود حمل کند. آخرین بخش سرود روحانی توماس کیس هولم نقل قولی از آیه فوق است.

*چه کسی می‌تواند نسل او را بشمارد؟*

چه کسی می‌تواند تمام پیروزی‌های صلیب او را بیان کند؟  
 میلیونها مرده، اما اکنون زنده‌اند،  
 خدای پیروز، خداوند پیروز،  
 خداوند پیروز و پادشاهی که می‌آید!

(12:53) حاصل دیگر کار فرجامین او اینست که یهوه او را در میان بزرگان یعنی مقدسین، که بزرگی آنها در ارتباطشان با اوست، نصیب خواهد داد و او غنیمت را با زورآوران تقسیم خواهد کرد. در اینجا نیز زورآوران ایما ندارانی هستند که در خود ناتوان اما در خداوند قوی هستند. برای پیروزی مجلل او چهار دلیل ارائه شده است:

(1) او جان خود را به مرگ تسلیم نمود؛ (2) با خلافکاران محسوب شد، که منظور همان دو دزدی است که در طرفینش مصلوب شدند؛ (3) گناهان بسیاری را بر خود حمل کرد، و (4) برای گناهکاران وساطت کرد. دیوید بارون آیه فوق را چنین تفسیر می‌کند:

(2) فعل *Yaphgia* (شفاعت کردن) نمونه‌ای از یک آینده ناکامل یا نامحدود است، و بیانگر آغاز کاری است که هنوز تمام نشده. تحقق این کار آن طوری که دلیج می‌نویسد دعای مسیح نجات‌دهنده بر صلیب بود: «پدر اینها را پیامرز زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند.» اما این عمل وساطتی را که بر صلیب آغاز نمود، هنوز هم در دست راست خدا، جایی که اینک نشسته است، ادامه می‌دهد چون او پادشاه و نجات‌دهنده است.

مودی نیز در رابطه با این آیه مهم نوشته است:  
 «محزون اما شادمان، فقیر اما غنی، مرده اما زنده...»

(5) مسیح به عنوان آمرزنده و احیاءکننده  
 (فصل 54)

3:54-1) شروع این فصل با کلمه «بسرا» پس از پایان فصل 53 که به تشریح مرگ، دفن، رستاخیز و صعود مسیح، می‌پردازد، تطابق ندارد. آیه اول اسرائیل در تبعید را با امت احیاء شده و آمرزیده شده، و پربار و شادمان، مقایسه می‌کنند. پولس رسول این آیه را در رساله به غلاطیان 4:21-31 برای تشریح اورشلیم آسمانی در برابر شهر زمینی، نقل قول نموده است. مرزهای این شهر متناسب با افزایش جمعیت گسترش خواهند یافت و مردم خدا **شهرهای متروک را، مسکون خواهند ساخت.**

4:54 - 8) تمام خفته‌های قوم در رابطه با بردگی در مصر (جوانی) و اسارت در بابل (بیوگی) فراموش خواهد شد چونکه یهوه قوم را به متابعت خود در خواهد آورد. اسارت قوم گوشه‌ای از غضب آنی خداوند بود و احیاء قوم رأفت و رحمت **عظیم** او را نشان خواهد داد.

9:54 و 10) همانطور که خدا با نوح عهد بست، اینک قول می‌دهد وقتی که اسرائیل وارد ملکوت هزاره شود دیگر هرگز توبیخ و خشم خدا را نخواهد دید. 11:54 و 12) هر چند که اورشلیم رنجیده و مضطرب شده است، اما خدا آن را آبادتر و زیباتر خواهد ساخت. **سنگهایش از سنگ سرمه و بنیادش با یاقوت زرد نهاده خواهد شد. مناره‌ها و دروازه‌ها و حدود (مرزها)ی شهر از سنگهای گرانبها - زبانی تشبیهی برای بیان زیبائی فوق‌العاده - ساخته خواهد شد.** دین آدولف اورشلیم آینده را در این قطعه انگلیسی، بیان کرده است:

در فراسوی افق‌هایت،  
برج‌های شهر افراشته است،  
جایی که خدای ما ساکن است،  
آن خانه پرشکوه از آن ماست،

کوچه‌ها در یاقوت می‌درخشند،  
و دروازه‌ها در طلا،  
و رود شادمانی جاری است،  
که شادی‌های ناگفته را جاری می‌سازد.

15\_13:54) معرفت خدایی به همه کس داده خواهد شد و شادکامی و پیروزی همه‌گیر خواهد شد. **عدالت** غالب خواهد شد. دیگر ترسی از حمله و تبعید و **ظلم** نخواهد بود و هر کسی که برای اسرائیل مشکل بیافریند مجازات خواهد شد.

16:54 و 17) خدائی که **آهنگر** (سازنده) و **خراب‌کننده** را آفرید، بخوبی می‌تواند مخلوق خود را کنترل نماید. یهوه مقرر نموده است که هیچ اسلحه‌ای **بر ضد** اسرائیل، موفّق نخواهد شد و اسرائیل هر کسی را که به ضدش برخیزد، **تکذیب** خواهد نمود. این آزادی‌ها و عطایا و پیروزی‌ها **نصیب بندگان خداوند**، می‌باشند. بله! خداوند در قدمرو طلایی صلح و آرامش و پیروزی، آنها را چنین حمایت خواهد نمود.

**(6) مسیحا به عنوان مبشر جهانی (1:55) تا**

**(8:56)**

1:55) روح خداوند دعوتی بشارتی به اسرائیل فرستاد تا بازگردد، و همزمان **همه کس** را از همه جا به میهمانی انجیل دعوت نمود. آنچه که لازم است احساس نیاز (تشنگی) است. این برکات آب گوارا و **شراب** شادی بخش و **شیر** شیرین کلام خداست. آنها هدایائی مجانی از ناحیه فیض خدا می‌باشند که خداوند آنها را **بی‌نقره و بی‌قیمت** عطا می‌نماید.

5\_2:55) اسرائیل با جدا شدن از خدا منابع قدرت و انرژی خود را تلف کرد. رضایت واقعی و لذت پایدار تنها در خداوند یافت می‌شود. اگر اسرائیل



به سوی خدا باز گردد تمامی رحمت‌های امین و عده داده شده به داود را در یک عهد جاودانی خواهد یافت (ر.ک مزامیر 3:89 و 4 و 28 و 29). این برکات در عیدسی مسیح خداوند و سلطنت پرشکوه او تحقق می‌یابند. امت‌های ناشناخته نیز از منافع آن سلطنت بهره‌مند خواهند شد و ارتباطی دوستانه در بین اسرائیل و سایر اقوام برقرار خواهد شد.

6:55 و 7) راه یافتن برکت در یافتن خداوند و ترک گناه است. کسانی که به سوی خداوند بازگشت کنند از رحمت و مغفرت او برخوردار خواهند شد.

8:55 و 9) انسان نباید با افکار و طریق‌های خود خدا را داوری نماید. خدا در طریق‌هایی فکر و عمل می‌کند که فراسوی حدسیات انسان است. هیچ حقیقتی والاتر از این حقیقت که طرح نجات انجیل، کلاً از ناحیه فیض خداست، و خدا هیچ کوشش فردی را جهت نجات ارج نمی‌نهد، وجود ندارد. ویلیام کوپر به سبک شیوای خود، این حقیقت را در یک شعر انگلیسی بیان کرده است.

آه . . . . چقدر متفاوت است کارهای پیچیده انسان  
با طرح ساده و سبک آسمانها!  
بدون زرق و برق فریبنده،  
بدون زیورهای خوشه‌ای بر اندامش.  
رها از خودنمایی، آنچنان که از ضعف،  
ایستاده چون کوهی، استوار،  
پرشکوه در اوج سادگی.  
منقوش به سر در، از دوردست،  
چشمک زن مانند درخشش ستارگان،  
نوشته‌ای خوانا در تجلی نور خود،  
سخنان جان‌فروز خدا. . . . :  
ایمان آور و زیست کن.

10:55 و 11) کلام خدا مانند برف و باران که بر زمین می‌ریزند و باز نمی‌گردند، نافذ و غیرقابل مقاومت است.

تمام ارتش‌های جهان نمی‌توانند آن را باز دارند. آنها تنها نیت خود را به جا می‌آورند. سخنان خدا در رسیدن به اهداف خود، هرگز شکست نمی‌خورد.

«همچنان کلام من که از دهانم صادر می‌گردد خواهد بود، نزد من بی‌ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که می‌خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید.»

12:55 و 13) کسانی که خداوند را می‌جویند با **شادمانی** دیار تبعید و اسارت را ترک خواهند گفت و با **سلامتی** به وطن بازمی‌گردند. طبیعت در آزادیش شادی خواهد کرد و لعنت و نفرین از روی زمین برداشته خواهد شد و زمین بارور خواهد گردید. به جای **خار صنوبر** و به جای **خس، آس** (نوعی درخت است) **خواهد روئید**. تمام برکات پیش‌روی هزاره ملکوت برای خداوند **شهرتی و آیتی جاودانی که منقطع نشود** به بار خواهند آورد، یعنی یادآوری پایدار از فیض و نیکوئی خداوند خواهند بود.

1:56 – 8) تبعیدیان با نزدیک شدن طرح نجات خداوند دعوت به **انصاف و عدالت و حفظ سبب** می‌شوند. **نه غریبان و نه خصی** (اخته شده) نباید بترسند که مبادا محروم از برکات ملکوت مسیح شوند. در واقع کسانی که کلام خداوند را اطاعت می‌کنند، موقعیت بهتری خواهند داشت. آنگاه معبد به خانه عبادت برای تمامی **قوم‌ها** تبدیل خواهد شد، نه فقط برای اسرائیل، بلکه خدا تمام قوم‌ها را در گله خود جمع کرده و به خاندان اسرائیل خواهد افزود.

7) **مسیحا به عنوان داور شیرین (9:56) تا**

(21:57)

12\_9:56) آیه نهم اشاره به اسرائیل در روزهای عصیان اوست.

قوم‌ها (**حیوانات**) فراخوانده می‌شوند تا بر قوم اسرائیل هجوم آورند، چونکه دیده‌بانان‌شان خطر را حس نمی‌کنند. آنها مانند **سگان گنگ** می‌باشند که نمی‌توانند پارس کنند و مردم را آگاه سازند. آنها چرت می‌زنند و در رؤیای خود زندگی می‌کنند. آنها مزدور و خود جو و **شبانان حریص** می‌باشند. آنها دوستان خود را به نوشیدن و عیاشی دعوت می‌کنند و می‌گویند: «فردا بهتر از امروز خواهد شد، و گستاخ‌تر می‌شوند.»

1:57 و 2) دو آیه اول فصل 57 دنباله آیات 9 تا 12 فصل پیش است. در میان همه این گناهان و خطاها، **عادلان** معذب هستند و تلف می‌شوند. از دیدگاه انسانی هیچ‌کس به فکر آنها نیست. اما خدا مواظب آنهاست - او خدا دوستان را از **بلاها** حفظ می‌کند و آنان را به **سلامتی و آرامش** رهنمون می‌شود.

6\_3:57) حتی در حین تبعید عده‌ای به بت‌پرستی خود ادامه می‌دهند. از این نظر آنها **اولادان** والدین بی‌ایمان خود یعنی **فاسقان** و **زانیان** می‌باشند. **اولاد عصیان** و نسل **کذاب**، خداوند را استهزاء می‌کنند. آنها در آتش شهوات خود و پرستش درختان و قربانی‌نمودن **اطفال** به بعل یا مولک در **میان وادی**، می‌سوزند.

10\_7:57) در معابد کوهستانی ارتباطی زناکارانه با بت‌ها برقرار شده است. آنها به جای نوشتن قانون خدا بر **درها و باهوها** (سفر تثنیه 9:6؛ 20:11)، تصاویر شهوت‌آور خود را به **پشت درها** آویخته‌اند و به شهوترانی مشغولند. آنها هدایای خود را به **پادشاه** (مولک، یعنی پادشاه) می‌دهند و **رسولان** خود را برای یافتن پلیدی‌های تازه‌تری به

هاویه می‌فرستند. حتی وقتی آنها به خاطر افراط کاری‌هایشان از نفس می‌افتند، هنوز هم دست‌بردار نیستند، بلکه چنین به نظر می‌رسد تجدید قوا می‌کنند و به دنبال شرارت‌های بیشتری می‌روند.

11:57-13) آنها بدون ترس از خداوند دروغ می‌گویند. چونکه خدا آرامش خود را نگه داشت، آنها خدا را حرمت ننهاده‌اند. ولی خدا خود عادل پنداری آنان و گناه آنان را آشکار خواهد ساخت و بت‌هایشان کمکی به آنان نخواهند نمود. خدایانشان آنها را به تلخی درمانده می‌کنند، اما کسانی که **بر او توکل** کنند از برکات او برخوردار خواهند شد.

14:57-19) خدا به ایمانداران تبعیدی راهی را وعده می‌دهد که برای بازگشت آنان مهیا کرده است، راهی که تمام موانع در آن برطرف خواهد شد. چون خدائی که در مکان **عالی و مقدس** ساکن است و در **دل‌های افسردگان و متواضعان** منزل دارد، تا به **ابد با جان‌هایی که آفریده است، مخاصمه** نخواهد نمود، چون در غیر اینصورت همه آنها با خشم او نابود خواهند شد. خدا خشم خود را بر گناه و **طمع** آنان جاری ساخت و از آنها **روی برگردانید**، ولی خشم خدا را حدی و مرزی است. خداوند آنانی را که از بت‌پرستی دست برمی‌دارند **شفا** خواهد داد، و **ثمره لبها** را به آنان عطا خواهد نمود.

20:57 و 21) اشعیا مقایسه درخشانی در بین **شریران و دریای متلاطم** انجام داده است که در اینجا در قالب یک شعر زیبا، آمده است:

**شریران چون دریا می‌باشند.**

**طوفانی و متلاطم، و آرامی ناپذیر،**

**اما امواج این دریا،**

**توده‌های لجن و کثافت است.**

**برای عادلان سلامتی، اما برای شریران، سلامتی نیست.**

## ج) داوری گناه اسرائیل - توبه و احیا (فصول 58-66)

نه فصل آخر صحیفه اشعیا نمایشی از نتیجه ایمان و کفر است. آلفرد مارتین می‌نویسد:

*بخش‌های آخر صحیفه اشعیا بیان‌کننده تحقق پرشکوه وعده‌هایی است که خدا به جهت اسرائیل بنده خود و کانال برکت او به جهان، داده است. در تمام این فصول مقایسه‌ای قوی در بین عاصیان و ایمانداران انجام شده است، مقایسه‌ای که در هر قسمت از گستره کلام خداوند، مشهود است.*

### 1) لذات روحانیت واقعی (فصل 58)

58:1-5) اشعیا نبی می‌بایست با صدای بلند **تقصیرهای** یهودا را اعلام نماید. چنین به نظر می‌رسد که قوم لذت واقعی را در مراسم مذهبی روزانه یافته‌اند و خود را چنین می‌نمایانند که گویا قومی مطیع می‌باشند. در واقع آنها خدا را متهم به بی‌تفاوتی در رابطه با مراسم دینی و توبه خود می‌نمایند، اما خدا هم آنها را متهم به خوشنود بودن در مراسم خود و کاهیدن جان در روزه‌داری می‌نماید. روزه‌داری آنها آن نوع روزه‌ای نیست که خدا را مدنظر داشته باشند. روزه واقعی یک ژست ظاهری و تظاهر به بی‌حوصلگی نیست.

58:6-8) خدا روزه‌ای را می‌خواهد که بتواند **بندهای شرارت را بگشاید و گره‌های یوغ را باز کند.** خداوند روزه‌داری را می‌خواهد که **گرسنگان را غذا دهد و فقیران را پناه دهد و برهنگان را بپوشاند و همسایه نیازمند خود را یاری کند.** کسانی که بدینگونه عمل می‌کنند اطمینان دارند به هدایت و **صحت** و حمایت خداوند. عبارت **صحت تو** شاید اشاره به اعمال خداپسندانه یاد شده فوق و

یا عدالت خداست که به ایمانداران نسبت داده شده است.

تفسیر آیات 5 تا 8 در Scottish psalter ، نقل قول ارزشمندی است:

بگذار افسردگان در همدردی تو سهیم شوند.  
 بگذار بینوایان، آوارگان و فقیران تحت حمایت تو باشند.  
 بپاخیز یتیمان را غذا بده، تا برکات بیابی.  
 آوارگان را به خانه‌ات دعوت کن.  
 سفره خود را بر آنان بگشا، تا سیر شوند و بیسایند.  
 بگذار کسی که از سرما معذب است توسط تو گرم و پوشانیده شود.  
 افسردگان را شاد ساز.  
 سپس روشنائی چون صبح در آرامش و شادی، هر روزه بر تو خواهد آمد.  
 و جلال خداوند بر تمام راههای تو خواهد درخشید.

9:58\_12) شخص خدا دوست اطمینان دارد که هرگاه خداوند را بخواند، او دعایش را اجابت خواهد فرمود و خواهد گفت «اینک حاضر هستم». چنانچه آنها دست از ظلم و بیداد و مخالفت می‌کشیدند، اگر آنها انگشت اتهام خود را که به سوی خداوند گرفته بودند باز کشیده و از استهزا نمودن او دست می‌کشیدند، اگر دست از تهمت و افترا می‌کشیدند، اگر احتیاجات روحانی و جسمانی دیگران را برآورده می‌کردند، آنگاه وعده خدا برای آنان این بود که شبشان به روز بدل خواهد شد و از هدایت، فرآورده‌های فراوان، سلامتی و قوت، زیبائی و سرشاری و احیای قومی برخوردار خواهند کرد.

«پسران شما خرابه‌های قدیم شهرهایتان را بنا خواهند کرد، و شما به عنوان مردمی که حصارها و

شهرهای خود را بازسازی نمودند شناخته خواهید شد» (آیه 12 - LB).

13:58 و 14) اگر مردم خدا سبّت را از طریق پرهیز از کار و خوشی‌های جسمانی، حرمت بگذارند، و سبّت را به عنوان خوشی و روز مقدس خداوند محسوب بدارند، آنگاه در خداوند که روز سبّت را داده است متلذذ خواهند شد و خداوند در زمین مقام رهبری بدانها خواهد داد و نصیبی را که به یعقوب وعده داده بود، به آنان خواهد داد. هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده خدا در این جهت شود چونکه دهان خداوند این را گفته است.

## (2) شرارت‌های اسرائیل (فصل 59)

8:1-59) گناه اسرائیل موجب شده است که خداوند در رهایی آنها تأخیر کند. قصور و کوتاهی در درگاه خداوند پذیرفته نیست. دست‌ها و انگشت‌ها و لب‌ها و زبان آنان به شرارت و دروغ‌گویی مشغول است. ناراستی و انحراف از عدالت همه‌گیر شده است. مردم به ظلم حمله شده و شرارت را می‌زایند. اعمال آنها چون افعی بچه خطرناک و چون پرده عنکبوت بی‌فایده است. گناه بر تمام جنبه‌های زندگی آنان - در آنچه که انجام می‌دهند، هر جا که می‌روند و هر چه که می‌اندیشند - حاکم شده است. آنها توجهی به سلامتی و انصاف ندارند و آنچه را که کج است ترجیح می‌دهند. آنچه که در مورد اسرائیل مصداق داشت، در مورد تمامی نژاد انسان نیز مصداق دارد (رومیان 15:3-17).

15:9-59 الف) اشعیا اینک از جانب باقیمانده ایماندار قوم، به گناهان آنان و خودشان اعتراف می‌کند. او به بی‌انصافی، بی‌عدالتی، کوری روحانی و مرگ روحانی قوم اعتراف می‌کند. آنها بی‌صبرانه و نومیدانه ناله می‌کنند ولی خبری از انصاف و

رهائی نیست. **خطایایشان** در نظر خداوند بسیار شده و بر علیه آنها **شهادت می‌دهد**. آنها خداوند را انکار و از او دور افتادند. آنها به زبان **ظلم و فتنه** و عصیان و دروغ، سخن گفتند. بنابراین **انصاف به عقب رانده شد و عدالت از آنها دور ایستاد و راستی در کوچه‌ها قربانی شد**. نیکوکاری اجازه ورود ندارد و **راستی** در جایی یافت نمی‌شود و انسان‌های باخدا مورد حمله قرار می‌گیرند.

15:59 (ب - 21) وقتی که **خداوند به پایین می‌نگرد** از این که **انصافی وجود ندارد** مجزون می‌شود. خدا متعجب می‌شود چونکه **هیچ کسی (شفاعت کننده‌ای یا واسطه‌ای)** وجود ندارد که بتواند با این شرایط برخورد کند، بنابراین او خود وارد عمل می‌شود. **آنگاه بازوی خدا (قدرت خدا) وی را پیروز و عدالت خدا، وی را حمایت نمود**. بدین ترتیب خداوند **عدالت را چون زره پوشید و مستقیماً ملبس به جامه انتقام و ردای غیرت شده و با حدت خشم** به سوی دشمنانش رفت. او به امتهای دقیقاً آنچه را داد که شایسته آن بودند. بدین ترتیب در نهایت همه مردم از مشرق تا مغرب مجبور شدند اعتراف نمایند که او خداست، چونکه او (مسیح) **مثل نهری سرشار جاری شده با نفَس خداوند، آمد**. او به عنوان **نجات‌دهنده** برای قوم باقیمانده ایماندار **صهیون** خواهد آمد. سپس **خدا عهد تازه‌ای با خاندان، مانند عهدی که آن را در صحیفه ارمیا 31:31-34 و رساله به عبرانیان 10:8-12 و 16:10، 17 خواندیم، خواهد بست**.

### (3) جلال آینده صهیون (فصل 60)

1:60 — (3) **زمان برخاستن و درخشیدن صهیون** فرارسیده است، چونکه **جلال خداوند، یعنی مسیحا، آمده است**. اینک زمان رجعت دوم اوست. جهان هنوز



غرق در **تاریکی** روحانی و عذاب بزرگ است، اما خداوند در سراسر اسرائیل می‌درخشد و درخشش او تمامی زمین را نورانی می‌کند و فرستادگان امت‌ها - از جمله پادشاهان - به جهت ادای احترام به قوم تازه مولود شده، به اورشلیم خواهند آمد.

(7\_4:60) وقتی که اورشلیم چشمانش را **برافرازد**، **پسران** و **دختران** خود را خواهد دید که به سویش باز می‌گردند. وقتی که می‌بینند **امت‌ها** هدایا و خراج‌های خود را نزد او می‌آورند، **دلش** با شادی زایدالوصفی سرشار می‌گردد.

کاروان‌های شتر از دور و نزدیک حامل **طلا** و **بخور** در حالی که نام یهوه را ستایش می‌کنند، به اورشلیم وارد می‌شوند. **گله‌های** فراوانی وارد اورشلیم می‌شوند که در معبد قربانی شوند و کار نهائی مسیح در جلجتا جشن گرفته می‌شود. رنج‌هایی که مسیح به خاطر کفاره گناهان قوم کشید، برای همیشه پایان می‌یابد. در بازگشت مجدد او تنها **طلا** (جلال) و **بخور** (عطریات) خواهد بود.

(8:60 و 9) گروه انبوه **پسران** اسرائیل و تبعیدیان مانند گروه پرندگان در **کشتی‌ها** با ثروت‌های انبوهشان، باز می‌گردند.

(10:60) **غریبان** به عنوان گروه بناکنندگان و **پادشاهان** به عنوان خادمان مردم خدا، خدمت می‌کنند. اینک خدا به قومی که آنها را تنبیه کرده بود **رحمت** خود را نشان می‌دهد.

(14\_11:60) دیگر نیازی به بستن **دروازه‌ها** وجود ندارد، چون در همه جا ایمنی حکم‌فرماست، برعکس مهم آنست که دروازه‌ها همیشه **باز** باشند، چونکه **پادشاهان** و کاروان‌های حامل دارائی قوم‌ها، شب و روز وارد اورشلیم می‌شوند. هر **امتی** که در آن روز اورشلیم را **خدمت نکند**، از بین خواهد رفت. **لبنان** بهترین درخت‌های خود را به جهت **زینت** دادن صحن

معبد می‌فرستد. بازماندگان امت‌هایی که قبلاً اسرائیل را می‌آزردند، اینک اورشلیم را **شهر یهوّه** و **صهیون را قدوس اسرائیل** می‌نامند.

15:60 و 16) صهیون که زمانی **مطرود** و **مغبوض** بود، تبدیل به **شهر فخر** خواهد شد که بقیه جهان او را تغذیه و حمایت خواهند نمود. مردم باستانی خدا خواهند فهمید که **خدا نجات‌دهنده**، رهاننده و **قدیر اسرائیل** است.

17:60-22) مصالح بسیار گران‌قیمت شامل **طلا** و **نقره** و **برنج** و **آهن** در ساختمان شهر به کار خواهند رفت و **سلامتی** به عنوان ناظران و **عدالت** به عنوان نیروی پلیس، گمارده خواهند شد. دیگر به جای **ظلم** و **ویرانی**، **نجات** و **تسبیح** خواهد بود. دیگر اورشلیم نیازی به نور خورشید و **ماه** نخواهد داشت، چونکه جلال یهوّه روشنائی لازم را برای شهر تأمین خواهد نمود. تاریکی از بین می‌رود و **روزهای نوحه‌گری** اسرائیل به پایان خواهد رسید. **قوم عادل** - کاشته شده توسط خدا برای جلال خودش - **زمین را متصرف خواهند شد**. **حقیران قوم** با فرزندان بسیار، متبارک خواهند شد، چونکه **خداوند** این را مقرر کرده و در اجرای آن **تعجیل** خواهد نمود.

#### (4) رسالت مسیحائی (فصل 61)

4:1-61) ما بر این عقیده‌ایم که سخنگوی این فصل عیسی مسیح خداوند است، چونکه در کنیسه ناصریه، آیات 1 و 2 را نقل قول نموده است (ر.ک لوقا 4:16-21) و افزوده است «امروز این نوشته در گوشهای شما تمام شد» (آیه 21). او در هنگام تعمیدش و آغاز رسالت زمینی‌اش توسط روح القدس، **مسح** شد و مأمور شد تا **بشارت نجات** را به **مسکینان** و **شکسته دلان** رسانیده و آزادی را به اسیران گناه

و **محبوسان** اعلام نماید. او نقل قول خود را با این سخنان پایان داد که «تا از سال پسندیده خداوند موعظه نمایم.» ولی بخش دوم آیه را نقل قول نکرد، چرا که «**یوم انتقام خدای ما**» تا رجعت دومش نخواهد رسید. او در ظهور مجلدش روز داوری خدا را اعلام خواهد نمود. سپس **ماتمیان** صهیون را تسلی خواهد داد و به جای **خاکستری** که بر سر دارند، **تاج** و به جای نوحه‌گری، **روغن شادمانی** و به جای **روح کدورت**، **ردای تسبیح** را به آنان خواهد بخشید. مردم برگزیده او **درختان عدالت** کاشته شده توسط خداوند، نامیده خواهند شد و او را جلال خواهند داد. و **ایشان** شهرهای سرزمین موعود را که در **خرابه‌های قدیمی** قرار گرفته‌اند، بازسازی خواهند نمود.

9\_5:61) بیگانگان در امور کشاورزی اسرائیل را خدمت خواهند نمود و اسرائیلیان را به عنوان **کاهنان و خدام خدای ما**، محترم خواهند شمرد. دولت امت‌ها به سوی یهودیان سرازیر خواهد شد و هنگامی که قوم خداوند **ذصیب مضاعف** («خود» و «آنها» در آیه هفتم اشاره به یهودیان است) بیابند، خفت و خواری قرن‌ها، برای ایشان به پایان خواهد رسید. یهوه ضمن یادآوری **عدالت** خودش نفرت خود را از **غارت و ستم** و اشتیاق خود را به **عدالت** اعلام می‌دارد و می‌گوید که عادلان پاداش خواهند گرفت و با آنها **عهد جاودانی خواهد بست** تا قوم به عنوان **ذریّت مبارک خداوند** در میان همه اقوام شناخته شوند. این عهد عموماً به عنوان عهد جدید شناخته می‌شود (ارمیا 31:31-34؛ عبرانیان 8:8\_12).

10:61 و 11) مسیح ستایش‌های باقی مانده قوم ایماندار را به جایشان اعلام می‌دارد و در پوشیدن **جامه نجات و ردای عدالت** که خدا او را بدانها

آراسته است و رویش **عدالت و تسبیح** در اسرائیل در نظر قوم‌های بیگانه در ملکوت هزاره، **وجد می‌نماید**.

(سخنان مذکور در آیات 10 و 11 را هم به اشعیا و هم به صهیون و هم به مسیح نسبت می‌دهند. به نظر ما گزینه آخر ارجح است، یعنی گوینده این سخنان کسی است که سخنان مذکور در آیات 1 تا 3 را گفته است).

### (5) شادی‌های آینده اورشلیم (فصل 62)

5:62—1:5) خداوند ساکت نخواهد ماند و آسوده نخواهد شد مگر اینکه برکات موعود به اورشلیم تحقق یابد. سپس **امت‌ها** اورشلیم حمایت شده از سوی خدا را **مشاهده خواهند نمود** و یهوّه اسم جدیدی بدان شهر خواهد داد. او با صهیون طوری رفتار خواهد نمود که پادشاهان با **تاجشان**. اینست شهری که قبلاً **متروک** نامیده می‌شد.

«**حفصیبه**» (شادی من در اوست) و زمینی که قبلاً **خرا به** نامیده می‌شد، «**بعوله**» (شوهردار) نامیده خواهد شد. این اسامی حاکی از رأفت خداوند نسبت به شهر و زمین خود می‌باشد. شهروندان اورشلیمی در عقدی چون عقد ازدواج به شهر خواهند پیوست و خداوند مانند **داماد** از صهیون **مسرور خواهد بود**.

6:62—9) در آن زمان یهوّه **دیده‌بانان** را بر **حصارهای** اورشلیم خواهد گماشت و به آنها سفارش خواهد نمود تا زمانی که **اورشلیم** تبدیل به ملکه شهرهای جهان شود، نیا ساینند. بار دیگر هرگز محصولات اسرائیل توسط **دشمنان**، غارت نخواهد شد، بلکه مورد استفاده مردم شهر که **زحمت** به عمل آوردن محصولات را کشیده‌اند، قرار خواهد گرفت.

10:62—12) اینک به تبعیدیان گفته می‌شود به **دروازه‌های** بابل بروند و سپس از طریق شاهراهی که

پرچمی در آن در اهتراز است به اسرائیل بازگردند. علام خداوند مدنی بر تحقق **نجات** اسرائیل در مسیحای موعود و دادن **پاداش** به قوم او توسط مسیح به اقصا نقاط زمین می‌رسد.

اینک مردم نام عظیم «قوم مقدس» را بر خود خواهند داشت و اورشلیم «شهر غیرمتروک» نامیده خواهد شد.

### (6 روز انتقام (6:1-63)

وقتی که خداوند بازمی‌گردد تا ملکوت خود را مستقر نماید، نخست باید دشمنانش را نابود کند. این نابودی در زمانهای مختلف و مکانهای مختلف صورت می‌گیرد. یک صحنه این نابودی در دره ارمگدئون (مکاشفه 16:16) و صحنه دیگر در دره یهوشافاط (یوئیل 3:12) و صحنه دیگر در **ادوم** است این فصل به بررسی صحنه آخر پرداخته است. مسیح از **بُصره** یکی از شهرهای مهم ادوم، **با لباس سرخ** شده از خون دشمنان اسرائیل، وارد می‌شود. وقتی از او پرسیده می‌شود **چرا لباس سرخ** است، او با استفاده از تشبیه **چرخشت** به تشریح پایمال نمودن دشمنانش می‌پردازد. زمانی برای او فرا رسیده است تا **انتقام** خود را از آنان بگیرد و مردم خود را **فدیه** دهد.

### (7 دعای یهودیان باقی مانده (7:63 تا 12:64)

(7:63-10) سپس اشعیا نبی برای باقی ماندگان قوم در اسارت صحبت می‌کند و از خداوند برای آنها طلب رهایی از شرایط رقت بارشان می‌نماید. نخست او به تکرار رفتار گذشته خدا با قوم می‌پردازد؛ **یهوه** تاکنون جز **رحمت** و **احسان** و **رافت** به آنها نشان نداده بود. خداوند آنها را **قوم** خود نامیده بود. هر چند که خداوند دقیقاً می‌دانست که آنها چکار

خواهند کرد، ولی در اینجا خداوند به عنوان کسی که فکر می‌کند غیرممکن است که آنها او را فراموش کنند و به خدایان دیگر متمسک شوند، معرفی شده است. بنابراین او **نجات‌دهنده** آنان شد. و همچنین در تمامی رنج‌هایشان و مخصوصاً در **همه تنگی‌هایشان** در مصر سهم گردید. **فرشته حضور وی** (یا همان مسیحا) که مسیح است ایشان را **نجات داد**. او در **محبت و حلم خود ایشان را فدیة داد** و از مصر بیرون آورد و در سفر بیابانی قوم آنها را حفاظت نمود. اما آنها محبت خدا را با شورش پاسخ دادند و بدین ترتیب خداوند **دشمن ایشان شد**.

13\_11:63) اما حتی یادآوری **ایام قدیم و موسی و نسل او** این سؤال را موجب شد: «**کجا است آنکه اسرائیل را از دریای سرخ همراه با موسی و هارون و شبانان عبور داد؟**» «**کجاست آنکه روح قدوس خود را در موسی نهاد سپس دریا را شکافت تا موسی بتواند قوم را از آن عبور دهد تا افتخاری جاودانی برای اسم خداوند پیدا کند؟** کجا است یهوه‌ای که آنها را از دریا عبور داد، راه را برایشان چنان هموار ساخت که **اسبان لغزش نخورند؟**»

14:63) **مثل بهایمی که به وادی فرود می‌روند تا استراحت و تغذیه کنند، همچنین خداوند مردم خود را به دیار آرامش رهنمون شد، و در این عمل اسم مجیدی برای خود پیدا نمود.** توجه داشته باشید به‌عذر تثلیث در این آیات: **یهوه خداوند (آیه 7)؛ فرشته خداوند (آیه 9) روح قدوس خداوند (آیات 10، 11، 14).**

15:63 و 16) **برشمردن رحمت‌های گذشته خداوند، نبی را بر آن می‌دارد که نگاهش متوجه جلو و اسارت در بابل شود و بر آن است که برای تبعیدیان وساطت نماید. به نظر می‌رسد که **غیرت و جبروت و رحمت‌های****

خداوند از باقی مانده قوم دریغ شده باشد. اشعیا به خدا عرض حال می‌دهد که او هنوز هم **پدر** آنهاست، حتی اگر چه **ابراهیم و اسرائیل**، آنها را **نشناسند**.

17:63-19) در آیه 17 به نظر می‌رسد که قوم باقی مانده خداوند را به خاطر سیر قهقرائی که پیموده‌اند، سرزنش می‌کنند، ولی حقیقت اینست که خداوند تنها زمانی دل انسان را سخت گردانید که آنها **نخست دل‌های خود** را سخت گردانیدند. احتمالاً شاید خواسته‌اند بگویند «چرا اجازه دادی از راهت منحرف شویم؟» خداوند غالباً آنچه را که مجاز نموده است، بیان کرده است. در هر دو صورت، تبعیدیان از خداوند می‌طلبند در فیض خود به سوی آنها **رجعت** نماید. اسرائیل برای مدت کوتاهی بر زمین خود با صلح آرامش زمینشان را در **تصرف** خود داشته و اینک **مکان قدس** ویران شده است و اسرائیلیان، مردمان خدا اوضاعی بهتر از سایر قوم‌هایی که هرگز با خداوند، عهد ارتباط نداشته‌اند، ندارند.

5:64-1) دعائی که از آیه 15:63 شروع شد، اینک ادامه می‌یابد و به اعتراف منتهی می‌شود. قوم باقیمانده به خداوند التماس می‌کنند تا **آسمانها را منشق** (پاره) نموده و چون **آتش برد شمنانش نازل** شود. آنها به وساطت خدا از پیش و تجلی منحصر به فردش به عنوان تنها خدای واقعی که «**برای منتظران خویش**» کار می‌کند، اشاره نمودند. آنان یادآوری نمودند که خدا لطف خود را نسبت به کسانی که در عدالت سلوک می‌کنند، نشان می‌دهد، ولی با ارتکاب مداوم گناه، متحمل خشم خداوند شدند، و اظهار حیرت می‌کنند که آیا برای قومی چون آنان امیدی برای **نجات** هست.

6:64 و 7) آنها به ناپاکی خود اعتراف می‌کنند و تائید می‌کنند که همه اعمال عادلانه آنان مانند لته ملوث می‌باشد. تعجبی نیست که آنها چون برگ پژمرده و مانند باد پراکنده شده‌اند. در اسرائیل موت روحانی حکم‌فرما شده است و کسی برای وساطت و میانجی‌گری پیدا نمی‌شود، چونکه یهوه آنان را به عواقب گناهانشان وا گذاشته است.

8:64 و 9) با این وجود خداوند هنوز هم پدر آنان است و هنوز امیدی هست که صانع با مصنوع خود کاری کند. بنابراین هنوز هم از خداوند می‌خواهند که خشم خود را فرو نشانند و گناهانشان را فراموش کرده و ببخشاید، و هنوز هم آنها را قوم خود، بنامد.

12:10-64 شرایط مخرب کشور و بخصوص اورشلیم، و معبد (خانه مقدس) دلایلی قوی هستند مبنی بر اینکه چرا خداخشم خود را بر آنان ریخته و خودش به خاطر قومش وارد عمل شود.

### 8 ( پاسخ خداوند به دعای قوم خود (فصل 65)

1:65) در این بخش نیز شاهد پاسخ خداوند به دعای پیشین قوم می‌باشیم (15:63 الی 12:64). آیه اول این فصل اشاره به قصور اسرائیل در طلب خداوند و بی‌اعتنائی آنان به دعوت اوست. اما پولس رسول این آیه را در رساله به رومیان 20:10 به دعوت از امت‌ها نسبت داده است: «آنانی که طالب من نبودند مرا یافتند و به کسانی که مرا نطلبیدند ظاهر گردیدم.»

7:2-65) این آیات دقیقاً اشاره به اسرائیل است. خدا مستمراً از قوم می‌خواهد که امور ناپسند را که شامل بت‌پرستی و پیروی از مراسم مرتدان است، ترک کنند. نظر به اینکه آنها به تشریفات مرموز پرداخته بودند خود را مقدس‌تر از دیگران



می‌پنداشتند. چونکه آنها همچنان به اهانت خدای متعال ادامه می‌دهند، خداوند نیز آنها را به خاطر بتپرستی‌ها و گناهانشان جزا خواهد داد.

8:65-12) یهوه قول می‌دهد **خوشه** نیکوی انگور (باقی مانده ایماندار قوم) برخلاف انگور فاسد (بقیه قوم) از بین نخواهد برد. این گروه باقی‌مانده و حفاظت شده در زمین **ساکن** خواهند شد.

**گله‌ها** در دشت **شارون** واقع در غرب و در **وادی عاکور** در شرق، خواهند چرید و مورد استفاده مقدسین قرار خواهند گرفت. اما در رابطه با ارتداد وسیع، داستان فرق می‌کند. آنها معبد را ترک کرده و گد (خدای اقبال) و مینی (خدای سرنوشت) را ستایش می‌کنند. بنابراین خدا آنها را **جهت شمشیر مقرر** ساخته است. آنها به جای پاسخ به درخواست خداوند چیزهایی را برگزیدند که از نظر خداوند **ناپسند** بودند.

13:65-16) در این آیات به بیان فرق بین سرنوشت ایمانداران و بی‌ایمانان پرداخته شده است: فرق است بین فراوانی غذا و گرسنگی، فراوانی آب و تشنگی، شادی و شرم، سرود و نوحه، لعنت و برکت. در آن روز کجی‌های زمین راست می‌شوند، آنگاه مردم وقتی که خود را **برکت** می‌دهند و یا وقتی که سوگند می‌خورند، از نام **خدای حق** استفاده می‌کنند.

به کلامی دیگر خدا به عنوان کسی که طرح‌های خود را محقق می‌کند، و کسی که براساس آنچه گفته است، عمل خواهد نمود، شناخته می‌شود.

17:65) آیات پایانی فصل 65 به تشریح شرایط ملکوت هزاره می‌پردازند. **آسمان و زمین جدید** اشاره به ملکوت مسیح بر روی زمین است. در مکاشفه فصل 21 این نمادها اشاره به وضعیت نهائی است. در **آسمان و زمین جدید** صحیفه اشعیا هنوز گناه و

مرگ حاکم است، ولی در آسمان و زمین جدید مکاشفه فصل 21، دیگر گناه و مرگ وجود ندارد...

23-18:65) وقتی ملکوت هزاره مستقر شود، خداوند در اورشلیم و قوم اسرائیل، وجد خواهد نمود. دیگر آواز گریه و ناله شنیده نخواهد شد. کودکان شیرخواره دیگر نخواهند مرد. شخصی که در سن یکصد سالگی می‌میرد، هنوز در همان حالت معصوم کودکی است، ولی شخص صد ساله‌ای که گناه می‌کند از قوم بریده خواهد شد. انسان به خاطر بهره‌وری از حاصل زحمات خود خواهد زیست، چونکه شخص ایماندار در طول دوره هزاره خواهد زیست. هیچ زحمتی بی‌ثمر نخواهد بود و جوانان به خاطر جنگ و سایر بلاها نخواهند مرد. والدین و بچه‌ها با هم از برکات خداوند، برخوردار خواهند شد.

24:65 و 25) دیگر تأخیری در استجابت دعا، نخواهد بود. حیوانات وحشی، اهلی خواهند شد و مار سمی از خاک تغذیه خواهد کرد. دیگر خطری کوه مقدس صهیون را تهدید نخواهد کرد.

### (9) مؤخره: آرامشی چون رود (فصل 66)

1:66 و 2) کلمات آغازین آخرین فصل صحیفه اشعیا خطاب به مردم اسرائیل که توبه نکرده‌اند، نوشته شده است. در آن شرایط هم آنها می‌توانند با ساختن معبد برای خداوند، او را خوشنود کنند. گذشته از آن خدا خالق و مالک کائنات است و آسمانها کرسی او و زمین پای انداز او است. او مشتاق است مکان خود را در دل شخص فروتن و شکسته دل و کسی که از کلام او لرزان باشد، مستقر نماید.

3:66 و 4) کسانی که توبه نمی‌کنند به صرف اجرای مراسم مذهبی خدا را خوشنود نمی‌کنند، بلکه با او دشمنی می‌ورزند. وقتی آنها توبه نکرده باشند،

قربانی های شان و هدایایشان مکروه خداوند است. آنها مختارند **راههای** منافقانه خود را انتخاب کنند، ولی نمی‌توانند عواقب اعمال خود را انتخاب کنند، چونکه خدا عواقب اعمال آنها را انتخاب خواهد نمود. کسی که دعوت خدا را به توبه رد می‌کند و کسی که به راهی می‌رود که مورد نفرت خدا است، خشم خدا را خواهد چشید.

5:66 و 6) یهودیان ایماندار و خداترس که از **کلام خداوند می‌لرزند** توسط **برادران** خود آزار خواهند شد. آزارکنندگان شریر فکر خواهند کرد که خودشان در خدمت خدا هستند، آنچنان که با زهد فروشی خود نشان می‌دهند و برادران خود را استهزا کرده و می‌گویند «**خداوند تمجید کرده شود تا شادی شما را ببینیم**» اما خداوند دشمنان ایمانداران را **خجل** خواهند نمود.

کار داوری از **هیکل** آغاز خواهد شد، **صدای** یهوه از هیکل نشان خواهد داد که زمان **مکافات** فرا رسیده است.

9\_7:66) در آیه هفتم اسرائیل قبل از درد زایمان (عذاب بزرگ) **اولاد نرینه‌ای** (مسیح) خواهد زائید. در آیه هشتم بعد از درد زایمان پسرانی خواهد زائید. اولین زایش نزدیک به دو هزار سال پیش در بیت‌لحم واقع شد. زایش دوم تولد دوباره روحانی اسرائیل است که بعد از عذاب بزرگ واقع خواهد شد. هیچ یک از این زایش‌ها خدا را در اجرای کامل نیاتش باز نمی‌دارد.

17\_10:66) روز احیاء اسرائیل زمانی خواهد بود برای شادی عظیم در **اورشلیم** ... و **همه آنانی که او را دوست می‌دارند** و کسانی که با او در خوشی و شادی آن لحظه اشک شوق می‌ریزند. اسرائیل غنی شده از **جلال امت‌ها**، کامیابی، فراوانی، دلگرمی و تازگی خود را با تمام کسانی که او را همراهی

کردند، تقسیم خواهد نمود. سپس بر همگان آشکار خواهد شد که یهوه خود را متعهد به رفاه اسرائیل خودش و مجازات **دشمنان** اسرائیل نموده است.

رجعت دوم خداوند به مفهوم رهائی از **غضب** آتشین خداوند نسبت به همه بتپرستان و عاصیان خواهد بود. خداوند آنان را می‌نگرد که به موعظه‌های واعظان گوش می‌سپارند تا خود را به اصطلاح از نظر تشریفاتی تطهیر کنند تا به مذفورترین نوع بتپرستی مشغول شوند.

21:18-66) خداوند **اعمال و خیالات** آنها را آگاه است و وقتی که آنها را داوری می‌نماید، آنها **جلال** او را **خواهند دید**. خداوند به آنها **آیتی** ماوراءالطبیعی نشان خواهد داد که ما در حال حاضر قادر به تعریف آن نیستیم. کسانی که از مجازات معاف می‌شوند با مژده قدرت و **آوازه** خدا به مکانهای دور می‌روند که خبری از خدا **نشیده اند**. سپس امت‌ها وسایل حمل و نقل خود را مجهز خواهند نمود تا تسهیلات لازم برای بازگشت اسرائیلیان آواره به عنوان هدیه‌ای برای خداوند، به سرزمینشان بازگردانند. خدا دوباره مراسم کهنانت و نظم لاوی را برای خدمت در معبد هزاره، تشکیل خواهد داد.

22:66 و 23) موقعیت اسرائیل با خدا چون آسمان **جدید و زمین جدید**، پایدار خواهد بود. زایرانی از تمامی امت‌ها در زمان مقرر به جهت عبادت به اورشلیم خواهند آمد.

24:66) وقتی آنان به سوی وادی حینوم می‌روند، **لاشهای عاصیان** را خواهند دید که در **آتش** همیشگی زباله‌دانی شهر، می‌سوزند.

قابل توجه است که خداوند ما آخرین آیه در صحیفه اشعیا را به عنوان اخطاری به کسانی که گناه می‌کنند و موجب لغزش کودکان مسیح می‌شود، با

این سخنان موقرانه، به کار برده است: «**کرم ایشان نمیرد و آتش خاموش نپذیرد**» (آیات 44، 46، 48).

بشارت نیکو اینست که انسان می‌تواند از این آتش جهنم با ایمان به نجات‌دهنده و خادم خداوند که اشعیا پیروزمندانه در بسیاری از نبوت‌هایش او را معرفی نموده است، رهائی یابد.

برای بسیاری از خوانندگان ما که مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفته‌اند، صحیفه اشعیا یک کتاب نبوتی و ادبی در میان کتاب‌های زیبای عهد عتیق و یک کتاب بزرگ محسوب می‌شود.

ولی اگر دیدگاه آنها نسبت به این کتاب در همین حد باشد، شرم‌آور است. منظور اینست که این کتاب را در زندگی روزانه خود، عمل نمائیم و خدا را خوشنود سازیم.

بنابراین این تفسیر را با اندرز وی. ای. واین استاد متدین انگلیسی کتاب مقدس، به پایان می‌بریم:

*رفتن به راه‌های خودمان، پرداختن به نقشه‌های خودمان و برگشتن از آنچه که موجب خوشنودی خدا می‌شود، به جای در انتظار او بودن، به صدای او گوش سپردن و شادی در اجرای اراده او، موجب حماقت، بیهودگی و گناه در زندگی ما می‌شود. چنانچه ما با خدا گام برداریم او تمام وعده‌های مکتوب در کلام خود را انجام می‌دهد، و خواهد داد. او با افزودن یک «آمین» به معتمدان شادمان خود به جهت تضمین وعده‌هایش پاسخ می‌دهد. آرامش یک دل مطیع و روح متوکل به او در اینست که از فروغ سیمای او و آرامش مشارکت مقدس با او برخوردار می‌شود.*